



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

احکام مقدمت نماز



حضرت آیت الله العظمیٰ سید محمد تقی مدنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام مقدمات نماز

نویسنده:

محمدتقی مدرسی

ناشر چاپی:

محبان حسین علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	احکام مقدمات نماز
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	فهرست کتاب
۱۴	مقدمه
۱۵	نماز، شعار ایمان(۱)
۱۶	نشانه ایمان
۱۷	برترین اعمال
۱۸	شرط ولایت
۱۹	شعار مؤمنان
۱۹	خشوع در نماز
۲۰	برپا داشتن نماز
۲۰	استعانت از نماز
۲۱	برپا داشتن نماز، نشانه فروتنان و تسلیم شوندگان
۲۲	مواظبت و مراقبت از نماز
۲۳	برپا داشتن نماز در هر حال
۲۴	اقامه نماز، شرط توبه
۲۴	اقامه نماز، شعار دعوتگران به سوی خدا
۲۵	نماز شعار امت اسلامی
۲۵	نماز، تزکیه نفس
۲۷	نماز، یاد خدا
۲۷	احکام نماز
۲۹	نماز منافق، کف زدن است

- ۳۰ کسانی که نماز را ضایع می‌سازند!
- ۳۰ این چنین حضرت صادق نماز خواند
- ۳۱ نمازهای واجب و نافله
- ۳۱ حدیث شریف:
- ۳۳ تفصیل احکام:
- ۳۴ اوقات نمازهای واجب یومیته
- ۳۴ قرآن کریم
- ۳۵ حدیث شریف
- ۳۷ تفصیل احکام
- ۳۸ اول - وقت نمازهای ظهر و عصر
- ۳۸ حدیث شریف
- ۳۹ زوال را چگونه تشخیص بدهیم؟
- ۳۹ حدیث شریف
- ۴۰ تفصیل احکام
- ۴۰ تفصیل احکام
- ۴۰ اوقات نمازهای یومیته
- ۴۰ اوقات نمازهای ظهر و عصر
- ۴۱ دوم - وقت نمازهای مغرب و عشاء
- ۴۱ حدیث شریف
- ۴۲ تفصیل احکام
- ۴۳ وقت نماز مغرب و عشا را چگونه تشخیص بدهیم؟
- ۴۳ حدیث شریف
- ۴۳ تفصیل احکام
- ۴۳ سوم - وقت نماز صبح

۴۴	حدیث شریف
۴۴	تفصیل احکام
۴۵	احکام وقت
۴۵	حدیث شریف
۴۶	تفصیل احکام
۴۷	اوقات نوافل یومیته
۴۷	حدیث شریف
۴۸	تفصیل احکام
۴۹	سنن و آداب وقت
۴۹	حدیث شریف
۴۹	تفصیل احکام
۵۰	حکمت اوقات نماز
۵۱	احکام قبله
۵۱	قرآن کریم
۵۲	رهنمودی از آیات
۵۲	فقه آیات
۵۳	حدیث شریف
۵۴	تفصیل احکام
۵۵	احکام استقبال یا روبه قبله کردن
۵۵	حدیث شریف
۵۷	تفصیل احکام
۵۷	اشاره
۵۸	حدیث شریف
۵۹	تفصیل احکام

- ۶۰ ۲- شرایط لباس نمازگزار
- ۶۰ اشاره
- ۶۰ اول - طهارت
- ۶۰ حدیث شریف
- ۶۳ تفصیل احکام
- ۶۴ مواردی که از شرط طهارت استثنا شده است
- ۶۴ حدیث شریف
- ۶۵ تفصیل احکام
- ۶۶ دوم - اباحه
- ۶۶ حدیث شریف
- ۶۶ تفصیل احکام
- ۶۷ سوم - اجتناب از مردار (میته)
- ۶۷ حدیث شریف
- ۶۸ تفصیل احکام
- ۶۹ چهارم - اجتناب از اجزاء حیوان حرام گوشت
- ۶۹ حدیث شریف
- ۶۹ تفصیل احکام
- ۷۰ پنجم - اجتناب از طلا
- ۷۰ حدیث شریف
- ۷۰ تفصیل احکام
- ۷۱ ششم - اجتناب از ابریشم
- ۷۱ حدیث شریف
- ۷۲ تفصیل احکام
- ۷۲ ۳- حالات اضطرار و برهنگی

۷۲	حدیث شریف
۷۳	تفصیل احکام
۷۴	۴- آداب لباس نمازگزار
۷۴	اشاره
۷۴	۱- نیکوترین جامه
۷۴	۲- نماز با عطر
۷۴	۳- انگشتر نقره
۷۴	۴- کراحت لباس سیاه
۷۵	۵- دهان پوش و نقاب
۷۵	۶- جامه‌ای که نقش و تصویر دارد
۷۵	۷- نماز در مقابل تصویر
۷۵	۸- انگشتر نقش‌دار
۷۶	۹- بازبودن دگمه‌ها
۷۶	۱۰- با دستمال دیگران
۷۶	۵- مکان نمازگزار
۷۸	احکام پوشانیدن بدن در نماز
۷۸	۱- وجوب پوشانیدن بدن در نماز:
۷۸	تفصیل احکام
۷۹	شرط اباحه
۷۹	حدیث شریف
۷۹	تفصیل احکام
۸۰	آداب مکان نمازگزار
۸۰	اشاره
۸۰	۱- در مساجد نماز بخوان

- ۲- همسایه مسجد ۸۱
- ۳- در جاهای مختلف نماز بگزارید ۸۱
- ۴- نماز در کلیساها ۸۱
- ۵- بین خود و عابران، حائلی قرار ده ۸۱
- ۶- در این مکان‌ها نماز نخوان ۸۱
- ۷- در خانه‌ای که مجوسی باشد ۸۲
- ۸- خانه‌ای که در آن شراب باشد ۸۲
- ۹- بین قبرها ۸۲
- ۱۰- کراهت ایستادن در مقابل تصاویر ۸۲
- ۱۱- خانه‌ای که در آن سگ باشد ۸۲
- ۱۲- نماز در حمام ۸۳
- ۱۳- نماز در راه ۸۳
- ۱۴- نماز در برابر آتش ۸۳
- ۱۵- شکال ندارد ۸۳
- تفصیل احکام ۸۴
- مستحبات ۸۴
- مکروهات ۸۵
- احکام ۸۵
- نمایه ۸۵
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹۶

احکام مقدمات نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه: مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۹۴۵ - م.
 عنوان و نام پدیدآور: احکام مقدمات نماز / محمدتقی مدرسی؛ ترجمه سرور دانش.
 مشخصات نشر: تهران: مجبان الحسین (ع)، ۱۳۸۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.
 شابک: ۵۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۳۷۳-۵-۸؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم)
 یادداشت: عنوان اصلی: الوجیز فی الفقه الاسلامی: احکام مقدمات الصلاه.
 یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۱.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع: نماز -- جنبه‌های قرآنی
 موضوع: نماز
 موضوع: نماز -- احکام و قوانین
 موضوع: نماز -- احادیث
 شناسه افزوده: دانش، سرور
 رده بندی کنگره: BP۱۸۶/م۳۸ و ۳۰۴۱ و ۱۳۸۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳
 شماره کتابشناسی ملی: م۷۹-۲۲۷۵۷

فهرست کتاب

مقدمه
 نماز، شعار ایمان (۱)
 نشانه ایمان
 برترین اعمال
 شرط ولایت
 شعار مؤمنان
 خشوع در نماز
 برپا داشتن نماز
 استعانت از نماز
 برپا داشتن نماز، نشانه فروتنان و تسلیم شوندگان
 مواظبت و مراقبت از نماز
 برپا داشتن نماز در هر حال

رهنمودی از آیات

فقه آیات

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

۲ - شرایط لباس نماز گزار

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

حدیث شریف

تفصیل احکام

۴ - آداب لباس نماز گزار

۱ - نیکوترین جامه

۲ - نماز با عطر

۳ - انگشتر نقره

۴ - کراهت لباس سیاه

۵ - دهان پوش و نقاب

۶ - جامه‌ای که نقش و تصویر دارد

۷ - نماز در مقابل تصویر

- ۸ - انگشتر نقش دار
 ۹ - بازبودن دگمه‌ها
 ۱۰ - با دستمال دیگران
 حدیث شریف
 تفصیل احکام
 حدیث شریف
 تفصیل احکام
 آداب مکان نماز گزار
 ۱ - در مساجد نماز بخوان
 ۲ - همسایه مسجد
 ۳ - در جاهای مختلف نماز بگزارید
 ۴ - نماز در کلیساها
 ۵ - بین خود و عابران، حائلی قرار ده
 ۶ - در این مکان‌ها نماز نخوان
 ۷ - در خانه‌ای که مجوسی باشد
 ۸ - خانه‌ای که در آن شراب باشد
 ۹ - بین قبرها
 ۱۰ - کراهت ایستادن در مقابل تصاویر
 ۱۱ - خانه‌ای که در آن سگ باشد
 ۱۲ - نماز در حمام
 ۱۳ - نماز در راه
 ۱۴ - نماز در برابر آتش
 ۱۵ - اشکال ندارد
 حدیث شریف
 تفصیل احکام
 مستحبات
 مکروهات
 احکام
 نمایه

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد المصطفى و آله الهداة المرضيين، واللعنة على أعدائهم أعداء الدين.
 و بعد:

در میان عباداتی که به وسیله آنها به خداوند سبحان، تقرّب می‌جوئیم، عبادتی مهم‌تر و ارجمندتر از «نماز» نیست. نماز «ستون دین» و «معراج مؤمن» است. نماز تنها عبادتی است که ما به طور مستمرّ و در اوقات مختلف شب و روز و در هر موقعیتی، آن را بجا می‌آوریم و در هیچ شرایطی حتّی در موقعیتهای بسیار دشوار مانند: حالت غرق شدن یا در هنگام جنگ، ترک نمی‌شود و در هر حال واجب است. مگر نه این است که انسان در هنگام مشکلات و گرفتاریها، توجهی بیشتر و افزونتر به خدا پیدا می‌کند؟ پس باید نماز بگذارد تا پروردگار در سختی‌ها، او را یاری کند.

بدین جهت، در میان احکام دینی، «فقه نماز» از واجب‌ترین اموری است که برای مسلمان شایسته است آن را فرا بگیرد و بیاموزد، و بسیار جفا، بلکه ستم است که انسان برای یک عمر طولانی نماز بخواند اما نماز ناقص یا باطل! صرفاً از این جهت که در آموختن احکام آن کوتاهی کرده‌است، در حالیکه چه بسا در ظرف یک یا دو ماه می‌توانسته همه آن را فرا بگیرد.

بدین ترتیب خداوند سبحان ما را با همکاری برادران بزرگوار ما در دفتر، موفق ساخت که این رساله را درباره «احکام مقدمات نماز» فراهم آوریم و از خداوند سبحان مسألت می‌کنیم که برای تکمیل و اتمام جلد دوم درباره «افعال نماز» و جلد سوم در مورد «احکام مبطلات نماز» و ملحقات آن نیز توفیق مان بخشد.

روش ما در بررسیهای فقهی، تکیه بر آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام است و از خوانندگان گرامی نیز انتظار داریم که در «نصوص» و «متون، تدبّر و دقّت نمایند تا قبل از استفاده از احکام شرعی‌ای که ما از آن نصوص استخراج کرده‌ایم، از خود «نص»، الهام بگیرند و از هدایات و انوار تابناک آن بهره‌جویند.

از خداوند متعال می‌خواهم که این اندک را از ما بپذیرد و عمل به آن رادر نزد خود مجزی و مبرء ذمه قرار دهد.

أَنَّهُ وَلِيَّ التَّوْفِيقِ

محمد تقی المدرسی

۱۴ محرم الحرام ۱۴۲۰ ه. ق

نماز، شعار ایمان (۱)

«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲)».

«آنها که نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. مؤمنان حقیقی آنها هستند، برای آنان درجاتی نزد پروردگارشان است، و برای آنها آموزش و روزی کریمانه‌ای است.»

ایمان آن است که در دل مؤمن، با «ترس و بیم»، در خرد او، با «یقین»، در عمل او، با «توکل»، در عبادت او، با «نماز»، در اقتصاد و معیشت او، با «انفاق»، تجلی می‌یابد. اگر ما در مورد صفاتی که در آغاز سوره انفال ذکر شده، تأمل و دقّت کنیم، درمی‌یابیم که این صفات ما را از ظاهر و مفهوم ایمان، به حقایق آن هدایت می‌کند؛ حقایقی که در واقعیت زندگی ما تجلی می‌یابد و ما را از تاریکی‌های خویشتن به سوی نور حق (شناخت خداوند، یاد او، آیات و احکام او) رهنمون می‌سازد. بدین ترتیب ایمان در «توکل به خدا»، «نماز برای خدا» و «انفاق بر بندگان خدا» تجلی می‌یابد.

ولی، حقایق ایمان به چه چیز کامل می‌گردد؟ مگر نه این است که بانماز کامل می‌شود؟ بیایید با هم به سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله گوش جان بسپاریم. حضرت می‌فرماید:

«من أسبغ وضوءه، وأحسن صلاته، وأدى زكاته، وكف غضبه، وسجن لسانه، واستغفر لذنبه، وأدى النصيحة لأهل بيت نبيه، فقد استكمل حقائق الإيمان، وأبواب الجنة مفتحة له» (۳).

«کسی که وضوی خود را با بطور کامل انجام دهد، و نمازش را نیکو برپا دارد، و زکاتش را پرداخت کند، و از خشمش جلوگیری

نماید، و زبانش را به بند کشد، و برای گناهش، آمرزش بطلبد و برای اهل بیت پیامبر خود، صادق و مخلص باشد، حقایق ایمان را تکمیل کرده است و دروازه‌های بهشت برای او گشوده است.»

نماز، حلقه وصل و ارتباط بین قلب بنده و نور خداوند است. نماز معراجی است که مؤمن به وسیله آن به سوی عرش خداوند، صعود می‌کند و به گفته حضرت علی علیه السلام:

«لو يعلم المصلی ما یغشاه من جلال الله، ما سرّه أن یرفع رأسه من السجود» (۴).

«اگر نمازگزار بداند آنچه را که از جلال و شکوه خداوند، او را فرا می‌گیرد، هرگز خوش نمی‌دارد سر از سجده بلند کند.» نماز رمز بندگی انسان برای خداوند و تسلیم بودن او در برابر امر خداوند، در همه صحنه‌های زندگی است. لذا اولین عملی که به آن نگاه می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد، نماز است. علی علیه السلام می‌فرماید:

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: إن عمود الدین الصلاة، وهی أوّل ما ینظر فیه من عمل ابن آدم، فإن صحّت نظر فی عمله، وإن لم تصحّ لم ینظر فی بقیة عمله» (۵).

«به یقین، نماز ستون دین است و اولین چیزی از اعمال فرزند آدم است که مورد بررسی قرار می‌گیرد، پس اگر صحیح و درست بود، پرونده اعمال او مورد ملاحظه و بررسی قرار می‌گیرد و گرنه از ملاحظه بقیه اعمال او صرف نظر می‌شود.» نماز، چارچوب یاد خداوند بزرگ، زبان سخن گفتن مستقیم بین انسان و خداوند، ستون دین، محور احکام دین، هنگامه گواهی دادن به حق و شعار برپا داشتن قسط و عدالت است. امام محمد باقر می‌فرماید:

«الصلاة عمود الدین، ومثلها کمثل عمود الفسطاط، إذا ثبت العمود ثبتت الأوتاد والأطناب، وإذا مال العمود وانکسر لم یثبت وتد ولا طناب» (۶).

«نماز ستون دین است. مثل نماز، مثل ستون خیمه است. اگر ستون ثابت و پایرجا باشد، میخ‌ها و طناب‌ها نیز ثابت و پایرجا خواهند بود، و اگر ستون کج شود یا بشکند، میخ و طنابی هم پایرجا نخواهد ماند.» برپا داشتن نماز، رمز مدنیت ایمان است. خداوند سبحان فرموده است: (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (۷).

«به موسی و برادرش وحی کردیم که: برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید و نماز را برپا دارید و به مؤمنان بشارت ده.»

بدین سان خداوند، مؤمنان را به جهت نماز و عبادت‌شان، نوید و بشارت می‌دهد؛ نوید پیروزی و رستگاری.

امام صادق علیه السلام فرمود: «للمصلی ثلاث خصال: إذا قام فی صلاته یتناثر علیه البرّ من أعنان السماء إلی مفرق رأسه، وتحفّ به الملائکة من تحت قدمیه إلی أعنان السماء، وملك ینادی: أيتها المصلی لو تعلم من تناجی ما انفتلت» (۸).

«برای نمازگزار سه خصوصیت است: زمانی که او به نماز می‌ایستد، از آفاق آسمان تا فرق سرش، نیکویی بر او افشاند می‌شود، و فرشتگان از زیر قدمهایش تا آفاق آسمان به گرد او می‌چرخند و طواف می‌کنند، و فرشته‌ای فریاد می‌زند: ای نمازگزار! اگر بدانی که با که مناجات می‌کنی، هرگز از او رو بر نمی‌تابانی.»

نشانه ایمان

نماز، نشانه ایمان و توشه مؤمن برای روز قیامت است. گوش فرادهیم که خداوند عزّ و جلّ خطاب به پیامبرش چه می‌فرماید:

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ﴾ (۹).

«به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرارسد که نه در آن خرید و فروش است و نه دوستی.»

از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است:

«یوتی بشیخ یوم القیامه فیدفع الیه کتابه، ظاهره ممایلی الناس لایری إلأمساوی فیطول ذلک علیہ فیقول: یا رب! أتأمر بی الی النار؟ فیقول الجبارجل جلاله: یا شیخ أنا استحی أن أعدبک وقد کنت تصلی فی دار الدنیا، اذهبوا بعدی الی الجنة» (۱۰).

«روز قیامت، پیرمردی در محضر خدا آورده می‌شود و کارنامه اعمالش به او داده می‌شود، در ظاهر آن که به سوی مردم است جز بدی دیده نمی‌شود، و این بر او سخت و گران تمام می‌شود. پس می‌گوید: پروردگارا! آیا دستور می‌دهی به آتش شوم؟ خداوند می‌فرماید: ای پیرمرد! من خجالت می‌کشم که تو را عذاب کنم در حالیکه تو در دنیانماز بجا می‌آوردی. بنده‌ام را به بهشت ببرید.»

نماز، آتش گناهانی را که انسان بین دو نماز برافروخته است، خاموش می‌گرداند. در خبر منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است:

«ما من صلاة یحضر وقتها إلما نادى ملک بین یدی الناس) أیها الناس (قوموا الی نیرانکم التی أوقدتموها علی ظهورکم فأطفئوها بصلاتکم» (۱۱).

«در هر نمازی که وقت آن فرامی‌رسد، فرشته‌ای در میان مردم، ندا سر می‌دهد که: ای مردم! بلند شوید آتشی را که پشت سر خود روشن کرده‌اید، با نماز خود خاموش گردانید.»

نماز از بارزترین صفات پرهیزکاران است؛ پرهیزکارانی که قرآن برای هدایت آنان فرود آمده است:

﴿الم * ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین * الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة و ممما رزقناهم ینفقون﴾ (۱۲).

«الم * این کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است * همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»

همچنین خداوند فرموده است:

﴿طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین * هدی و بئری للمؤمنین * الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة و هم بالآخره هم یوقنون﴾ (۱۳).

«این آیات قرآن و کتاب مبین است * وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنین است * همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و زکات را پرداخت می‌کنند و به آخرت یقین دارند.»

برترین اعمال

نماز برترین اعمال صالح و با اجرترین آنها در نزد خداوند است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات و أقاموا الصلوة و آتوا الزکاة لهم أجرهم عند ربهم﴾ (۱۴).

«کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را ادا نمودند، اجر آنها در نزد پروردگارشان است.»

نیز از حضرت علی علیه السلام روایت شده است:

«من أتى الصلاة عارفاً بحقها غفر له» (۱۵).

«کسی که نماز را بجا آورد در حالیکه به حقیقت نماز شناخت داشته باشد، آمرزیده می‌شود.»

نماز بهترین شکر برای نعمتهای فراوان خداوند و بلکه خود خیر فراوان (کوثر) است.

خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (۱۶).

«ما به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن * (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی‌عقب است.»

شرط ولایت

برپا داشتن نماز از شرایط ولایت است، پس کسی که رهبری مسلمانان را به عهده می‌گیرد، بر او واجب است که نماز را در میان آنان برپا دارد. مگر خداوند متعال نفرموده است:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾ (۱۷).

«همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند.»

همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (۱۸).

«سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنان که ایمان آوردند، همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌نمایند در حالیکه در رکوع هستند.»

و همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعْزَّمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِمَّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (۱۹).

«مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشد و نماز را برپا داشته و زکات را داده باشد و جز از خدا نترسد. امیدست چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.»

اینان، همان سرپرستان مساجد، متولیان و خدمتگزاران خانه‌های خدا و شایسته‌ترین مردم نسبت به مساجد هستند، نه کسانی که ظاهر مسجد را آباد اما واقع و حقیقت آن را، خراب می‌نمایند و از حرکت مردم در راه خدامانع می‌شوند.

نماز، همچنین - بعد از امر به معروف و نهی از منکر - شرط ولایت برخی از مؤمنان بر برخی دیگر است، مگر نه این است که نماز شعار مؤمنان و رمز خداپرستی آنان است؟ به سخن خداوند گوش فرادهیم:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ (۲۰).

«مردان و زنان مؤمن، برخی ولی و سرپرست برخی دیگر است، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند، زکات را ادا می‌نمایند و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنند.»

مطابق با آنچه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است، کسی که نماز را بطور عمدی ترک کند، از حزب مؤمنان خارج شده و با منافقان محشور خواهد شد، ایشان می‌فرمایند:

«ولا تضيّعوا صلاتكم فإن من ضيّع صلاته حشره الله مع قارون وفرعون وهامان، لعنهم الله وأخزاهم، وكان حقاً على الله أن يدخله النار مع المنافقين، فالويل لمن لم يحافظ على صلاته» (۲۱).

«نماز خود را ضایع نسازید (ترک نکنید) پس کسی که نمازش را ضایع سازد خدا او را با قارون و فرعون و هامان - خداوند آنان را

لعنت کند و ذلیل‌شان بگرداند- محشور می‌کند، و خدا-براساس حق- او را همراه منافقین، در آتش وارد کند، پس وای بر کسی که از نماز خود پاس نمی‌دارد.»

نماز، از جهت دیگر، بر تقوای انسان می‌افزاید و برپا دارنده خود را از نیروی شهوات باز می‌دارد. خداوند می‌فرماید:

(إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۲۲)).

«به یقین نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد.»

نماز، همچنین باعث محو شدن بدیها و گناهان می‌شود. خداوند فرموده است:

(إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (۲۳)).

«حسنات و کارهای نیک، سیئات و بدیها را از بین می‌برد.»

شعار مؤمنان

نماز از شعائر الهی است که «ارزشهای ثابت» زندگی جامعه ایمانی را در خود خلاصه می‌سازد، و باید برای «متغیرات زندگی» که از طریق «شورا» به «عرف و عقل» ارجاع داده شده نیز، قالب و چارچوب قرار گیرد. این مطلب را ما از سخن خداوند می‌آموزیم:

(وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۲۴)).

«و کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و امور مهم خود را با شورا سامان می‌دهند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»

و نیز این سخن خداوند:

(وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۲۵)).

«آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما مردم را هدایت می‌کنند و به آنان انجام کارهای خیر و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستش کنندگان ما بودند.»

نماز، محور اجتماع مؤمنان در روز عید، و گردهمایی هفتگی آنان (در روز جمعه) است. مؤمنان در روز جمعه بر خوان با برکت نماز می‌نشینند و از محور نماز به اداره شؤون اجتماعی و حل مشکلات خود، می‌پردازند و از همین طریق در آن روز معین، خدا را نیز یاد می‌کنند و از ذکر او غافل نمی‌شوند.

خداوند می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶)).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زمانی که در روز جمعه برای نماز ندا داده می‌شود، به یاد خدا بشتابید و دادوستد را ترک گوید. اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

خشوع در نماز

خشوع در نماز، نشانه کمال ایمان است. معنای خشوع- آنچنانکه از آیه ذیل فهمیده می‌شود- این است که نماز گزار را، تجارت و دادوستد، از یاد خدا غافل نگرداند، پس وقتی نماز گزار در برابر خداوند به نماز می‌ایستد، نباید به مصالح و منافع خود و هر آنچه او را از یاد خدا غافل می‌کند، بیندیشد، و این از شرایط «خانه‌های ذکر» است؛ خانه‌هایی که خداوند مقام آنها را والا و رفیع داشته و آنها را چراغدان نور خود قرار داده است. خداوند بعد از آیه معروف نور می‌فرماید:

(فِي بُيُوتٍ أَذْنُ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ

وَإِيَّاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۲۷)).

«نور خداوند) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده آنها بالا روند و نام‌خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند * مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می‌شوند.»

نماز معراج مؤمن به سوی خداوند است و تضرع و خشوع در نماز، قلبه توجه به خدا می‌باشد. نماز شرط رستگاری و سرچشمه فضیلت‌های ایمانی است. خداوند می‌فرماید:

(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲۸)).

«به یقین مؤمنان رستگار هستند، همان کسانی که در نماز خود، خشوع دارند.»

برپا داشتن نماز

حفظ و پاس داشتن نماز بدین معنی است که به بجای آوردن آن در اوقاتش و با شرایط و آدابش، اهتمام ورزیده شود و همین اهتمام، از نشانه‌های ایمان به خدا و روز قیامت است.

خداوند می‌فرماید:

(وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۲۹)).

«آنها که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می‌آورند، و بر نمازهای خویش مراقب می‌کنند.»

نماز، پنجره‌ای است که مؤمن از طریق آن به جهان وسیع و گسترده غیب می‌نگرد. نماز؛ نیایش، ذکر، اخلاص و یاد خدا است و همه اینها حقایق غیبی هستند، و لذا کسانی که از خداوند در نهان می‌ترسند، همان نماز را برپا می‌دارند یعنی آنگونه که خدا خواسته و دستور داده انجام می‌دهند:

(إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۳۰)).

«تو فقط کسانی را بیم می‌دهی که از پروردگار خود در پنهانی می‌ترسند و نماز را برپا می‌دارند و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش باز می‌گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست.»

استعانت از نماز

مؤمنان با برپا داشتن نماز، با توطئه‌ها و تلاشهای کافران برای گمراه ساختن مسلمانان، مبارزه می‌کنند زیرا نماز در دل مؤمنان، یقین ایجاد می‌کند و کافران را مأیوس و ناامید می‌گرداند.

به سخن خداوند گوش جان بسپاریم:

(وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَاصْبِرُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۳۱)).

«بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خودش را بفرستد. خداوند بر هر چیزی توانا است * و نماز را برپا دارید و زکات را ادا نمایید...»

نماز مؤمنان را در مشکلات و مصایب دنیا و گرفتاریهای زندگی کمک می‌کند، و مؤمنان به حسب آنچه خدا به آنان آموخته است، در برخورد بادشواریه‌ها، به نماز استعانت می‌جویند:

(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۳۲)).

«از صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران است * آنها کسانی هستند که می‌دانند دیدار کننده پروردگار خویشند و به سوی او باز می‌گردند.»

یاری جستن از نماز، کار سنگین و دشواری است مگر برای کسانی که خشوع دارند و به دیدار پروردگار خود یقین و باور دارند، زیرا مگر نه این است که یاری جستن از نماز، بهترین دلیل برای صدق ایمان انسان است؟

برپا داشتن نماز، کار نیک است؛ نمازی که از ایمان خالص انسان نشأت یافته باشد، نه آن نمازی که محض ایستادن و رو به مشرق و مغرب (مسجدالاقصی و مسجدالحرام) کردن باشد. این همان چیزی است که از سخنان خداوند آن را الهام می‌گیریم:

(لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ (۳۳)).

«نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی از کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورده و مال خود را با همه علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند، نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد.»

پس مطلوب و خواست خداوند، صرف روبرو به ایستادن نیست، بلکه برپا داشتن نماز با شرایط آن است، و از شرایط آن، برپا داشتن و اجرای سایر احکام شریعت غزای محمدی است.

برپا داشتن نماز، نشانه فروتنان و تسلیم شوندگان

إخبات یا تواضع و تسلیم، درجه بلندی در معراج ایمان است. فروتنان و تسلیم شوندگان، نشانه‌هایی دارند که بارزترین آنها این است که اگر یاد خدا به میان آید، دل‌های‌شان پر از خوف خدا می‌شود، و همچنین یکی دیگر از نشانه‌های آنها، برپا داشتن نماز است، آنجا که خداوند می‌فرماید:

(وَبَشِّرِ الْمُخْتُبِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۴)).

«و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را * همانها که چون نام خدا برده می‌شود، دل‌های‌شان پر از خوف می‌گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد؛ و آنها که نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»

از آنجا که نماز، معراج روح و راه به دست آوردن رضای خداوند است، متواضعان و خاشعان و توبه‌کنندگان و بازگشت‌کنندگان، آن را وسیله تقرب به خداوند قرار می‌دهند و این تجارتی است که شکست و ناکامی ندارد.

خداوند سبحان می‌فرماید:

(مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۵)).

«این باید در حالی باشد که شما به سوی او بازگشت می‌کنید، و از (مخالفت فرمان او) بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید.»

خداوند سبحان درباره تجارتی که کساد و ناکامی ندارد و از ارکان مهم آن، نماز است، می‌گوید:

(إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (۳۶)).

«کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی بی‌زیان و خالی از کساد را امیدوارند.»

در آیه دیگر از «قیام شبانه» می‌خوانیم؛ از میعادگاه عاشقان و خاشعان و از مناجات آنان با خداوند:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۷)﴾.

«پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند، نزدیک دوسوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می‌خیزید و خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. اومی‌داند که شما نمی‌توانید مقدار آن را اندازه‌گیری کنید پس شما را بخشید. اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. اومی‌داند بزودی گروهی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای بدست آوردن فضل الهی به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند، پس به اندازه‌ای که برای شما میسر است از قرآن تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به خدا قرض دهید، و آنچه را از کارهای نیک برای خوداز پیش می‌فرستید، نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده مهربان است.»

خداوند برای بنی‌اسرائیل و نعباء و برگزیدگان آنان شرط نمود که نماز را برپا دارند و همچنین شرط کرد که با آنان باشد تا زمانی که آنان بر این عهد و پیمان باقی بمانند:

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْ أَوْقُرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۳۸)﴾.

«خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت، و از آنها دوازده نقیب و سرپرست برانگیختیم و خداوند گفت: من با شما هستم اگر نماز را برپا دارید و زکات را ادا نمایید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض نیکو بدهید.»

مواظبت و مراقبت از نماز

از آنجا که نماز، معراج مؤمن و شعار عبودیت خداوند و رمز اخلاص برای اوست، مؤمنان همواره و در همه شرایط از آن مراقبت می‌کنند و مقام آن را پاس می‌دارند:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۳۹)﴾.

«و به یقین انسان خلق هلو عا * و اگر مسه شر جزوعا * و اگر مسه خیر منوعا * الا المصلین * الذین هم علی صلاتهم دائمون (۳۹)».

برسد، مانع دیگران می‌شود * مگر نمازگزاران، آنها که نماز را پیوسته بجا می‌آورند.»

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۴۰)﴾.

«و آنان که بر نمازشان مواظبت دارند.»

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۴۱)﴾.

«و آنان که بر نمازهایشان مراقبت و مواظبت دارند.»

مواظبت بر نماز است که مقام انسان را تا درجات بلند ایمان بالا می‌برد و از جمله درجات ایمانی، نگهداشتن انسان از حرص و آز دنیا است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤالات محمد بن سنان چنین نوشت:

«إِنَّ عَلَّه الصَّلَاةَ إِنَّهَا إِقْرَارُ بِالرَّبُّوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَخَلْعُ الْأَنْدَادِ، وَقِيَامُ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذَّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْخُضُوعِ وَالْإِعْتِرَافِ، وَالطَّلَبِ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذَّنُوبِ، وَوَضْعِ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ وَلَا بَطْرٍ، وَيَكُونَ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا، طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِيجَابِ وَالْمَدَاوِمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، لثَلَا يَنْسِيَ

العبد سیّده ومدبّره وخالقه فیطیر ویطغی ویکون من ذکره لربه وقیامه بین یدیه، زاجراً له عن المعاصی ومانعاً له عن أنواع الفساد» (۴۲).
 «علّت وجوب و تشریح نماز این است که نماز، اقرار به ربوبیت خداوند، نفی شریک و ماندن و همتا از او، قیام ذلیلانه و متواضعانه و توأم با خضوع در محضر او، و اعتراف به گناه و طلب آمرزش گناهان گذشته از او است. نماز، گذاشتن صورت در هر روز بر روی خاک است برای تعظیم خداوند و برای اینکه انسان همیشه به یاد او باشد، فراموش نکند، نا سپاسی نوززد، خاشع و ذلیل و متمایل به او باشد و زیادت در دین و دنیا را از او بخواهد. نماز مداومت شبانه روز یاد خداوند است تا بنده، مولا، مدبّر و خالق خود را فراموش نکند و به کفران و طغیان و سرکشی کشانده نشود و همیشه به یاد او و در محضر او باشد تا او را از گناهان و از انواع فساد، باز دارد.»

برپا داشتن نماز در هر حال

در حالات استثنایی (مانند جنگ) لازم است که ذکر خدا بگوییم، اما در حالت آرامش، اقامه نماز واجب است نه فقط ذکر خدا، و این دو فرق زیادی دارند زیرا اقامه و برپا داشتن نماز به معنای انجام دادن نماز با همه شرایط آن می‌باشد، در حالیکه ذکر خدا در هر حال، در حال ایستاده یا نشسته یا خوابیده هم امکان دارد. باهم کلام خداوند را بخوانیم:
 (فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا) (۴۳).

«و هنگامیکه نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید، ایستاده و نشسته و در حالیکه به پهلو خوابیده‌اید و هرگاه آرامش یافتید (و) حالت ترس زایل گشت (نماز را بطور معمول انجام دهید زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است.»
 در حدیث هم آمده است که همراه امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ صفین، نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا از مردم فوت شد و حضرت به آنان دستور داد که پیاده و سواره، تکبیر بگویند، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ» بگویند و آنان هم چنین کردند زیرا نماز در هیچ حالتی ترک نمی‌شود و یک وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است و حتی در حالت جنگ هم که سخت‌ترین حالات است ترک نمی‌شود. این مسأله را از این سخن خداوند الهام می‌گیریم که می‌فرماید:
 (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْمَأْرُضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا) (۴۴).

«هنگامی که سفر می‌کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه و خطر کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند.»

بدین ترتیب واجب است که در حال ترس، نماز، کوتاه (قصر) شود، اما همچنان وجوب آن بر انسان باقی است زیرا یک حکم ثابت و تغییرناپذیر است.

هم چنین در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه یاده شده آمده است: «کتاب موقوف به معنای کتاب ثابت (حکم ثابت) است اما اینکه اندکی شتاب کنی یا اندکی به تأخیر اندازی، ضرری به نماز ندارد تا زمانی که نماز را ضایع نکرده باشی، زیرا خداوند می‌فرماید:

(أَصَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا).

«نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند، پس به زودی گمراهی خود را خواهند دید.» (۴۵)

از همین رو، نماز حتی در هنگام رویارویی نظامی و در جبهه جنگ، واجب است. خداوند می‌فرماید:

(وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ

يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ (۴۶)).

«و هنگامی که در میان آنها باشی و در میدان جنگ (نماز را برای آنها برپا کنی، باید دسته‌ای از آنها با تو) به نماز (برخیزند و سلاحهایشان را با خود بگیرند، و هنگامی که سجده کردند) و نماز را به پایان رساندند (باید به پشت سر شما بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند بیایند و با تو نماز بگذارند. آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان را) در حال نماز (با خود حمل کنند).»

اقامه نماز، شرط توبه

از آنجا که نماز رمز عبودیت و بندگی است، کسی که توبه می‌کند، باید توبه‌اش را با برپا داشتن نماز به اثبات برساند. خداوند می‌فرماید:

(فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ (۴۷)).

«هرگاه توبه کنند و نماز را برپا بدارند و زکات بدهند، آنها را رها سازید.»

(فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ (۴۸)).

«هرگاه توبه کنند و نماز بخوانند و زکات بدهند، برادر دینی شما هستند.»

(فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۴۹)).

«اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت پس نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید.»

اقامه نماز، شعار دعوتگران به سوی خدا

نماز، ارزش مهمی است، و گوهر این ارزش، ارتباط انسان با خداوند است و مظهر این ارزش، ذکر خدا، سجده برای خدا، رکوع برای خدا، قرائت قرآن کریم و نیایش است و از همین رو، یکی از شعارهای دعوتگران به سوی خدا، و بلکه هدف اساسی آنان در دعوت و گسترش آن، نماز است و لذا می‌بینیم که حضرت ابراهیم علیه السلام برخی از فرزندان خود را در بیت الحرام ساکن می‌گرداند تا نماز را برپا دارند:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ * رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ * رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۵۰)).

«پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم تو است، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند. تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را بجا آورند * پروردگارا! تو می‌دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می‌کنیم و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست * حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. مسلماً پروردگارا من شنونده دعا است * پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم نیز پروردگارا! دعای مرا بپذیر.»

حضرت اسماعیل نیز خانواده خود را دستور به نماز می‌داد. خداوند می‌فرماید:

(وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۱)).

«خانواده خود را به نماز و زکات دستور می‌داد و در نزد پروردگارش پسندیده و مورد رضایت او بود.»

خداوند بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و از طریق ایشان بر امت آن حضرت واجب کرده است که خانواده خود را به نماز فرمان دهند:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (۵۲)﴾.

«خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و در انجام آن شکبیا باش.»

وصیت لقمان به فرزندش چنین بود:

﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ (۵۳)﴾.

«ای فرزندم! نماز را برپا دار و به معروف امر و از منکر نهی کن.»

نماز شعار امت اسلامی

نماز از بارزترین نشانه‌های امت اسلامی است، آنجا که پروردگار سبحان می‌فرماید:

﴿مَلَّةٌ أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ (۵۴)﴾.

«از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب، مسلمان نامید تا پیامبر گواه بر شما باشد و

شما گواهان بر مردم. پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جوید.»

برپا داشتن نماز یکی از بندهای پیمان و میثاقی است که خداوند آن را بر بنی اسرائیل مقرر کرده است. قرآن کریم در این رابطه

می‌گوید:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلاً مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (۵۵)﴾.

«از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند را پرستش نکنید، و به پدر و مادرونزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید، و به مردم

نیکی بگویید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید. پس همه شما، جز عده کمی، پشت کردید و اعراض نمودید.»

از آنجا که نماز شعار مسلمانان است، از شرایط قبول توبه مشرکان این است که نماز را برپا دارند. قرآن مجید می‌گوید:

﴿فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصِرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۶)﴾.

«پس وقتی که ماههای حرام پایان یافت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر

کمینگاه بر سر راه آنان بنشینید. پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات را پردازند، آنها را رها سازید زیرا خداوند آمرزنده

و مهربان است.»

نماز، تزکیه نفس

درجات مؤمن با نماز او تعالی می‌یابد. پس هرچه بیشتر بر نماز خود مواظبت کند و آن را با شرایطش بجا آورد و در هنگام اقامه آن،

خشوع بیشتری داشته باشد، ارتباط و قرب او به خداوند هم بیشتر خواهد شد و در نتیجه، این ارتباط و قرب، در همه ابعاد زندگی او

باز تاب خواهد یافت.

نماز باعث تقوا می‌شود و تقوا، نفس را از هواپرستی‌ها باز می‌دارد. خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿...إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ... (۵۷)﴾.

«...به یقین نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر است...»

نماز انسان را به پروردگارش نزدیک می‌گرداند، به همین دلیل، اخلاص، یکتاپرستی و پاکی او از آلودگیها و پلشتیهای شرک،

افزایش می‌یابد. خداوند می‌فرماید:

﴿...قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا لَّنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ * وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَقُواهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۵۸)).﴾

«...بگو: هدایت واقعی، هدایت خداوند است و ما امر شده‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم * و اینکه نماز را برپا دارید و تقوا پیشه سازید و خدا است که به سوی او محشور می‌شوید.»

همچنین در قرآن آمده است:

﴿...وَلْيَذَكِّرْهُمْ مِنْ بَعِيدٍ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۹)).﴾

«...و ترس‌شان را به امتیت و آرامش مبدل می‌کند. تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند * و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و رسول خدا را اطاعت کنید تا مشمول رحمت خدا شوید.»

آیا نمی‌بینید در این آیات چگونه برپا داشتن نماز، بطور مستقیم بعد از امر به توحید و عبودیت مخلصانه خداوند مطرح شده است و در آیه دوم هم اقامه نماز به اطاعت از رسول مرتبط شده است زیرا برپا داشتن نماز، نفس را تزکیه و آماده اطاعت از پیامبر می‌گرداند.

بدین ترتیب نماز بهترین و برترین راه تقرب به خداوند است، زیرا نماز پرده‌های شرک را کنار می‌زند و موانع قرب به حق را از میان برمی‌دارد. در روایت یزید بن خلیفه آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلَاةِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَحَفَّتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ، وَنَادَتْهُ مَلَكَ: لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلَاةِ مَا انْفَتَلَ» (۶۰).

«زمانی که نماز گزار به نماز می‌ایستد، رحمت الهی از آفاق آسمان تا روی زمین بر او فرود می‌آید و فرشتگان اطراف او جمع می‌شوند و فرشته‌ای ندا می‌دهد: اگر این نماز گزار بداند آنچه را که در نماز است هرگز از آن روبرو نمی‌تاباند.»

نماز، احسان و نیکوکاری را در پی دارد زیرا نیکوکاران کسانی هستند که نماز را برپا می‌دارند. در قرآن آمده است:

﴿هُدًىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۶۱)).﴾

«این کتاب مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است، همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و همانها به آخرت یقین دارند.»

نماز از مهم‌ترین عباداتی است که نفس را تزکیه می‌کند و آن را به برترین درجات کمال ارتقا می‌دهد. در قرآن آمده است:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا * إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۶۲)).﴾

و به یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است * هنگامی که بدی به او برسد، بی‌تابی می‌کند * و هنگامی که خوبی به او برسد، مانع دیگران می‌شود * مگر نماز گزاران، آنها که نماز را پیوسته بجا می‌آورند.»

برپا داشتن نماز در رشد روحیه اصلاح‌طلبی در نفس انسان، نقش مؤثری دارد و نماز گزاران، مصلحان جامعه هستند:

﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ (۶۳)).﴾

«کسانی که به کتاب تمسک می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند. ما به یقین پاداش مصلحان را ضایع نمی‌کنیم.»

برپا داشتن نماز از نشانه‌های اخلاص در دین است. قرآن کریم می‌گوید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۶۴)).﴾

«به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند و نماز را برپا دارند و زکات را بدهند. و این است آیین مستقیم و پایدار.»

همچنین خداوند فرموده است:

(إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۶۵)).

«به یقین من خدا هستم، معبودی جز من نیست پس مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من برپا دار.»

نماز، یاد خدا

جوهر و حقیقت نماز این است که نماز یاد خداوند یکتا، رمز عبودیت او، دلیل تسلیم بودن در مقابل او، نشانه ایمان و علامت اخلاص است و از همین رو آنجا که خداوند فائده نماز را بیان فرموده و آن را باز دارنده از بدی‌ها و گناه معرفی کرده، گفته است: ...وَلِدِكُ اللَّهُ أَكْبَرُ... (۶۶) «یاد خداوند بزرگتر و مهم‌تر از هر چیزی است.» و همچنین فرموده است: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِتَذَكَّرَ بِهَا) (۶۷) «نماز را برای یاد من برپا دار.» و همچنین فرموده است: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى) (۶۸) «به یقین رستگار شد کسی که خود را پاک ساخته است * و نام پروردگارش را ذکر کرده و نماز خوانده است.»

در قرآن مجید آمده است:

(الَّذِينَ يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (۶۹).

«همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند و می‌گویند پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

نماز چون ذکر و یاد خدا است، در هیچ حالی نباید ترک شود و تا انسان زنده است باید آن را برپا دارد. قرآن مجید می‌گوید:

(وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيُّنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا) (۷۰).

«و مرا هرجا باشم، وجودی با برکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.»

در جای دیگر می‌گوید:

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ) (۷۱).

«شیطان می‌خواهد بوسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا خودداری خواهید کرد؟»

از این آیه الهام می‌گیریم که نماز نوعی از انواع ذکر و یاد خدا است و بیان آن بعد از «ذکر الله»، از باب تأکید بر این نوع خاص از ذکر خدا، به عنوان برترین و کاملترین ذکر است.

نماز، تذکر برای اهل تذکر است: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَرُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهُوا) (۷۲).

«در دو طرف روز و اوایل شب نماز را برپا دار زیرا حسنات، سیئات را از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل ذکرند.»

خداوند در جای دیگر فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (۷۳).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زمانی که روز جمعه ندای نماز داده می‌شود، به یاد خداوند بشتابید و معامله را رها کنید. اگر شما بدانید، این برای شما بهتر است.»

احکام نماز

در اسلام ارزشها و آدابی وجود دارد که مربوط به نماز و نیک بر گزار کردن آن می‌باشد. بارزترین آنها، مواظبت بر نماز، استمرار و

مداومت بر آن است که آیات شریفه قرآن را در این رابطه تلاوت کردیم. احکام دیگری نیز دارد که در ضمن آیات ذیل مطالعه می‌کنیم:

۱- از احکام برپا داشتن نماز، آغاز کردن آن با طهارت است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا... (۷۴)).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامیکه به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا مفاصل (برآمدگی پشت پا) مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشویید...»

۲- یکی دیگر از احکام نماز، تسبیح خداوند است:

(وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ... (۷۵)).

«صبح و شام، او را تسبیح گوید * او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد و فرشتگان او نیز...»

۳- از احکام دیگر، اعتدال و میانه روی بین جهر و اخفات (بلندخواندن و آهسته خواندن) در نماز است:

(...وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۷۶)).

«...نماز را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو راهی معتدل برگزین.»

۴- خداوند اوقات نماز را هم در آیه ذیل بیان کرده است:

(أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۷۷)).

«نماز را از زوال خورشید (ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را چرا که قرآن فجر، مشهود است.»

در این آیه سه وقت، برای پنج نماز فریضه بیان شده است و اگر کسی برای پنج نماز پنج وقت قرار دهد کار خوبی خواهد بود. وقت اول، زوال خورشید است (برای نماز ظهر و عصر). وقت سوم، تقارن فجر است (برای نماز صبح) و بین آن دو در هنگام تاریکی شب، وقت نماز مغرب و عشاء است.

۵- قرآن، مسلمانان را برای شب زنده‌داری و تهجد و عبادت در نیمه‌شب دعوت نموده، در حالیکه آن را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشگامان امت واجب کرده است. خداوند می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ * قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۸)).

«ای جامه به خود پیچیده! * شب را جز کمی بپاخیز.»

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۷۹)).

«و پاسی از شب را به عبادت پرداز. این یک وظیفه اضافی برای تو است. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خود ستایش برانگیزد.»

۶- از احکام نماز، خشوع در نماز است:

(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۸۰)).

«به یقین مؤمنان رستگار شدند * همان کسانی که در نماز خود خشوع دارند.»

۷- نماز در مساجد و همراه با سایر مؤمنان، فضیلت بیشتر دارد:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۸۱)).

«نماز را برپا دارید و زکات را ادا نمایید و همراه با رکوع کنندگان رکوع کنید.»

۸ - یکی دیگر از احکام نماز، پرداختن فوری به نماز جمعه است به مجردی که اذان آن گفته شود، و تعطیل کردن تجارت و دادوستد در آن هنگام:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۲)).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! زمانی که در روز جمعه برای نماز ندا داده شود، به یاد خدا بشتابید و دادوستد را رها کنید. اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

نماز منافق، کف زدن است

نماز، خود یک میزان و معیار است. با نماز می‌توانیم مؤمن را از منافق باز شناسیم. کسی که در نماز خود خشوع دارد و مراقب نماز می‌باشد و تقوا پیشه می‌سازد و انفاق و احسان می‌کند، او نماز گزار و مؤمن واقعی است. اما کسی که دادوستد و تجارت، او را از نماز غافل می‌سازد و اگر هم به نماز پردازد، با بی‌حالی و تنبلی نماز می‌خواند، در واقع منافق است.

قرآن مجید در این مورد چنین می‌گوید:

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۸۳)).

«وای بر نماز گزارانی * که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند * همان کسانی که ریامی‌کنند * و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند.»

(...وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى... (۸۴)).

«نماز را به جا نمی‌آورند مگر با کسالت.»

این در حالی است که مؤمنان با شتاب به سوی نماز می‌روند و برای انجام آن کوشش دارند اما منافقان، نماز را بجا نمی‌آورند مگر با حالت کسالت و تنبلی. از همین رو نماز، معیار شناخت مؤمن از منافق و ملاک شناخت درجات مؤمنین است.

در حدیث منقول از هارون بن خارجه آمده است که: برای امام صادق علیه السلام مردی از اصحاب خود را نام بردم و او را ستودم. امام علیه السلام به من فرمود: کیف کانت صلاته؟ (۸۵).

«نماز او چگونه است؟»

اما نماز مشرکان و نیایش آنان در خانه خدا، سوت زدن و کف زدن است. خداوند درباره آنها می‌فرماید:

(وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ (۸۶)).

«نمازشان نزد خانه خدا چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود.»

عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه و معنای «مکاء و تصدیة» نقل می‌کند که امام فرمود: التصفیر والتصفیق (۸۷). «سوت کشیدن و کف زدن.»

سعید بن جبیر می‌گوید: کانت قریش تعارض النبی فی الطواف يستهزؤون ويصفرون ويصفقون فنزلت هذه الآية (۸۸).

«قریش در هنگام طواف با پیامبر صلی الله علیه و آله معارضه می‌کردند، مسخره و استهزاء می‌نمودند، سوت می‌کشیدند و دست می‌زدند و لذا این آیه نازل شد.»

کافران، نماز را به باد مسخره می‌گرفتند، علیرغم اینکه هر انسان سالمی، به شخصی که با پروردگارش مناجات می‌کند احترام می‌گذارد، و به حکم عقل و فطرت، عمل او را تعالی و ارتقای روح می‌شمارد.

(وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا (۸۹)).

«آنها هنگامیکه شما به نماز فرامی‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند.»

کسانی که نماز را ضایع می‌سازند!

امّا کسانی که نماز را ضایع و تباه می‌سازند یا آن را ترک می‌کنند، جزایشان این است که مناعت نفس را از دست می‌دهند، و نمی‌توانند خویشتن را از شهوات باز دارند. خداوند می‌فرماید:

(فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ (۹۰)).

«اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند.»

گاهی هم ترک نماز، شخص را به تکذیب دین و دورشدن از صراط‌مستقیم می‌کشاند:

(فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى * وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۹۱)).

«او هرگز ایمان نی‌آورد و نماز نخواند * بلکه تکذیب کرد و رویگردان شد.»

گاهی هم او مانع راه خدای شود و مؤمنان را از نماز گزاردن بازمی‌دارد:

(أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۹۲)).

«آیا کسی که نهی می‌کند * بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌خواند (مستحق عذاب الهی نیست؟).»

آیا کار تارک نماز به همین جا ختم می‌شود؟ هرگز. تارک نماز بطور عمدی، کافر است. از پیامبر خداصلی الله علیه وآله روایت شده است:

«من ترك الصلاة متعمداً فقد كفر» (۹۳).

«کسی که عامدانه نماز را ترک کند، کافر شده است.»

زیرا حدّ فاصل بین اسلام حقیقی و کفر، نماز است. پیامبرصلی الله علیه وآله می‌فرماید:

«بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة» (۹۴).

«فاصله بین بنده و کفر، ترک نماز است.»

فرجام کار چنین کسانی، آتش سوزان دوزخ است و در آنجا است که با حسرت و تأسّف اعتراف می‌کنند که نماز را ترک کرده‌اند و به دنبال آن، هر کار نیک و احسانی را نیز ترک کرده‌اند امّا دیگر سودی ندارد و سرنوشت آنان جهنّم است، آنجا که خداوند می‌فرماید:

(كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ * وَكُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (۹۵)).

«هر کس در گرو اعمال خویش است * مگر اصحاب یمین * که در باغهای بهشتند و سؤال می‌کنند * از مجرمان * چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ * می‌گویند: ما نماز گزاران نبودیم * و اطعام مستمند نمی‌کردیم * و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم * و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم.»

این چنین حضرت صادق نماز خواند

حماد بن عیسی روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام روزی به من گفت: ای حماد! آیا می‌توانی نیکو نماز بگزاری؟ گفتم: آقای من! من کتاب حریر را درباره نماز حفظ کرده‌ام. فرمود: اشکال ندارد. برخیز نماز بگزار.

پس من در مقابل ایشان و رو به قبله ایستادم و نماز را آغاز کردم و رکوع کردم و سجده کردم.

امام علیه السلام فرمود: ای حماد! نیکو نماز نمی‌گزاری. برای مرد چه زشت است که ۶۰ یا ۷۰ سال از عمر او سپری شود اما نتواند

یک نماز را با شرایطو حدود کامل آن بجا آورد؟

حمّاد می‌گوید: در خودم احساس خواری نمودم. پس گفتم: فدایت گردم، نماز را به من بیاموز.

امام صادق علیه السلام راست و رو به قبله ایستاد. همه دستانش را به سوی ران‌هایش رها کرد، انگشتانش را بهم چسبانده بود، قدمهایش را بهم نزدیک ساخت تا آنجا که بین دو قدم ایشان، سه انگشت باز فاصله بود. همه انگشتان پاهایش را رو به قبله قرار داد. پاهای خود را از قبله منحرف نمی‌ساخت. با خشوع و تذلل و زاری نماز را آغاز کرد. «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفت و سپس سوره حمد و قل هو الله احد را با ترتیل قرائت کرد، و بعد برای لحظه‌ای، به اندازه‌ای که تنفس کند، در حال ایستاده درنگ کرد و سپس درحالیکه هنوز ایستاده بود، «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفت.

سپس به رکوع رفت و هر دو کف دستش را به صورت باز و گشوده، بر روی زانوانش قرار داد، و زانوهای را به سمت عقب، برگرداند، به گونه‌ای که پشتش، راست و هموار شد چنانکه اگر قطره‌ای آب یا روغن، بر پشت آن حضرت ریخته می‌شد، بخاطر هموار بودن پشتش، ثابت بر سر جای خود باقی می‌ماند. حضرت در حال رکوع، گردنش را کشید و چشمانش را فرو بست و سپس سه بار و به ترتیل سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ گفت. بعد راست ایستاد و چون به خوبی قرار یافت، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفت و سپس در حالیکه ایستاده بود، تکبیر گفت و دستانش را تا موازی صورتش بالا آورد.

سپس به سجده رفت و کفهای دست خود را با انگشتان بهم چسبیده، بین هر دو زانو و برابر صورت به زمین گذاشت و سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ گفت و هیچ عضوی از بدنش را روی عضو دیگر نهاد و بر هشت استخوان بدن سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو زانو و سر دوانگشت بزرگ پا. این هفت مورد واجب است و بینی را از روی استحباب بر خاک گذاشت، که (ارغام) نامیده می‌شود.

سپس سر از سجده برداشت و چون بطور کامل نشست، «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفت و بعد بر روی ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ گذاشت و «اسْتِغْفِرُ اللَّهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» گفت. سپس در حالیکه نشسته بود، تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و همان ذکر را گفت که در سجده اول گفته بود و در رکوع و سجود، هیچ چیزی از بدنش را بر چیزی تکیه نداده بود، و در حال سجده آرنج‌ها را به زمین نچسبانده بود (و بازوها و آرنج‌ها را از زمین و پهلو جدا نگاهداشته بود) و مانند پرنده‌ای بال‌دار می‌نمود.

دو رکعت را به همین ترتیب بجا آورد و در حالیکه انگشتان دستش بهم چسبیده بود به تشهد نشست، و چون از تشهد فراغت یافت، سلام داد و بعد فرمود: ای حمّاد! چنین نماز بگزار، در هنگام نماز به جای دیگرالتفات نکن و با دست و انگشتانت بازی نکن و آب دهن به طرف راست پاچپ یا جلو نینداز. (۹۶)»

نمازهای واجب و نافله

حدیث شریف:

۱ - امام رضا علیه السلام درباره علت نماز فرمود:

«إِنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرَّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَخَلْعُ الْأُنْدَادِ، وَقِيَامُ بَيْنِ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذَّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْخُضُوعِ وَالْاعْتِرَافِ، وَالطَّلِبُ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ، وَوَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَنْ يَكُونَ ذَاكَ رَأْغِبًا نَاسٍ وَلَا بَطْرًا، وَيَكُونَ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا. مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِيجَابِ وَالْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، لِثَلَا يَنْسِيَ الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَمُدَبَّرَهُ وَخَالِقَهُ فَيَطْرُقُ وَيَطْفِئُ وَيَكُونُ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ، وَقِيَامُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ زَجْرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي، وَمَانِعًا لَهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ» (۹۷).

«علت تشریح نماز این است که نماز، اقرار به ربوبیت خداوند، نفی مانند و همتا از او، قیام متواضعانه و ذلیلانه و توأم با خضوع در

محضر او، و اعتراف به گناه و طلب آمرزش گناهان گذشته از او است. نماز، پیشانی مذلت به خاک نهادن برای تعظیم خداوند است و برای اینکه انسان همواره به یاد او باشد، فراموشکار و ناسپاس نباشد، خاشع و ذلیل و متمایل به او باشد و زیادت دین و دنیا از او بطلبد. نماز، مداومت شبانه‌روزی یاد خداوند است تا بنده، مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند و به کفران و طغیان کشانده نشود و همیشه به یاد او و در محضر او باشد تا (خداوند) او را از گناهان و از انواع فساد بازدارد.»

۲ - امام باقر علیه السلام فرمود:

«فرض الله الصلاة، وسن رسول الله صلى الله عليه وآله على عشرة أوجه: صلاة السفر والحضر، وصلاة الخوف على ثلاثة أوجه، وصلاة كسوف الشمس والقمر، وصلاة العيدين، وصلاة الاستسقاء، والصلاة على الميت» (۹۸).

«خداوند نماز را واجب ساخته و پیامبر صلی الله علیه و آله هم سنت گذارده و بر ده نوع است: نماز مسافر و حاضر، نماز خوف بر سه نوع، نماز کسوف خورشید و ماه، نماز دو عید، نماز استسقاء و نماز میت.»

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«الفريضة والنافلة إحدى وخمسون ركعة، منها ركعتان بعد العتمة جالساً تعدان بر كعة وهو قائم، الفريضة منها سبع عشرة، والنافلة أربع وثلاثون ركعة» (۹۹).

«فريضة و نافلة پنجاه و یک رکعت است. از آن جمله است دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء که یک رکعت ایستاده شمرده می‌شود. فريضة هفده رکعت و نافلة سی و چهار رکعت است.»

۴ - امام صادق علیه السلام در حدیث شرائع الدین فرمود:

«... وصلاة الفريضة: الظهر أربع ركعات، والعصر أربع ركعات، والمغرب ثلاث ركعات، والعشاء الآخرة أربع ركعات، والفجر ركعتان، مجملتا الصلاة المفروضة سبع عشرة ركعة، والسنة أربع وثلاثون ركعة، منها: أربع ركعات بعد المغرب لا تقصير فيها في السفر والحضر، وركعتان من جلوس بعد العشاء الآخرة تعدان بر كعة، وثمان ركعات في السحر وهي صلاة الليل، والشفع ركعتان، والوتر ركعة، وركعتا الفجر بعد الوتر، وثمان ركعات قبل الظهر، وثمان ركعات بعد الظهر قبل العصر، والصلاة تستحب في أول الأوقات» (۱۰۰).

«نماز فريضة نمازهای ذیل است: ظهر چهار رکعت، عصر چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشاء چهار رکعت، صبح دو رکعت. مجموع نماز واجب (در شبانه‌روز) هفده رکعت است. اما نماز سنت (نافله) سی و چهار رکعت است: چهار رکعت بعد از مغرب که در سفر و حضر کم نمی‌شود، دو رکعت نشسته بعد از عشاء که یک رکعت شمرده می‌شود، هشت رکعت در سحر که نماز شب نامیده می‌شود، شفع دو رکعت، وتر یک رکعت و دو رکعت نافله صبح بعد از وتر، هشت رکعت قبل از ظهر و هشت رکعت بعد از ظهر و قبل از نماز عصر. و مستحب است نمازها در اول وقت بر گزار شود.»

۵ - از زراره روایت شده که از امام باقر علیه السلام درباره نمازهای واجب پرسیدم. امام علیه السلام فرمود:

«خمس صلوات في الليل والنهار». فسأله زرارة: هل سمأهن الله وبينهن في كتابه؟ قال الإمام: «نعم، قال الله تعالى لنبينه صلى الله عليه وآله: (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِتُدْلُوكَ الشَّمْسُ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ... (۱۰۱)) ودلو كها زوالها، وفيما بين دلو ك الشمس إلى غسق الليل أربع صلوات، سمأهن الله وبينهن ووقتهن، وغسق الليل هو انتصافه، ثم قال تبارك وتعالى: (وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً) فهذه الخامسة، وقال تبارك وتعالى في ذلك: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ (وطرفاه: المغرب والغداة). (وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ) وهي صلاة العشاء الآخرة، وقال تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) وهي صلاة الظهر، وهي أول صلاة صلأها رسول الله صلى الله عليه وآله، وهو وسط النهار ووسط صلاتين بالنهار: صلاة الغداة، وصلاة العصر» (۱۰۲).

«پنج نماز در شبانه‌روز است. پرسید: آیا خداوند این نمازها را در قرآن بیان کرده است؟ امام علیه السلام فرمود: بلی. خداوند به پیامبرش فرمود: (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِتُدْلُوكَ الشَّمْسُ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ... (۱۰۱)) نماز را برپا دار از زوال خورشید تا تاریکی شب». دلوک به معنای

زوال است، و بین زوال و تاریکی چهار نماز است که خداوند آنها را معین کرده و بیان فرموده و وقت آنها را نیز مشخص کرده است و «عسق» به معنای «نیمه شب» است. سپس خداوند فرمود: (وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا) «قرآن فجر»، نماز پنجم یعنی نماز صبح است. همچنین خداوند متعال فرمود: (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ) و دو طرف روز، مغرب و صبح است و فرمود: (وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ) یعنی: «اوایل شب» که منظور نماز عشاء است و همچنین فرمود: (حَافِظُوا عَلَي الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) یعنی: مواظب نمازها و نماز (وسطی) میانه باشید. که منظور نماز ظهر است و ظهر اولین نمازی بود که پیامبر گرامی آن را بجا آورد. نماز ظهر، میانه و نیمه روز است و نیز میان دو نماز روزانه یعنی نماز صبح و نماز عصر، واقع می‌شود.»

۶ - امام رضا علیه السلام فرمود:

«الصلاة قربان كل تقى» (۱۰۳).

«نماز وسیله تقرب هر شخص پرهیزکار به خداوند است.»

۷ - معاویه بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که بهترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خداوند تقرب می‌جویند و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

«ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة، ألا ترى أن العبد الصالح عيسى بن مريم عليه السلام قال: (وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا)» (۱۰۴).

«من بعد از خداشناسی چیزی را بهتر و برتر از نماز نمی‌دانم. آیا نمی‌بینی بنده صالح خداوند حضرت عیسی بن مریم علیه السلام گفت: «خداوند مرا تا زمانی که زنده باشم به نماز و زکات سفارش کرده است.»

تفصیل احکام:

۱ - خداوند بر انسان پنج نماز را واجب کرده است:

الف - نمازهای پنجگانه یومیّه.

ب - نماز آیات. (۱۰۵)

ج - نماز طواف واجب.

د - نماز میت.

ه - قضای نمازهای فوت شده پدر و مادر بر پسر بزرگتر.

و - گاهی هم بخاطر تعهدات شخصی مانند: نذر، عهد، قسم یا اجاره، نمازی بر انسان واجب می‌شود.

۲ - نمازهای یومیّه، پنج نماز است:

الف - نماز ظهر که چهار رکعت است و نماز «وسطی» نامیده می‌شود.

ب - نماز عصر؛ چهار رکعت.

ج - نماز مغرب؛ سه رکعت.

د - نماز عشاء؛ چهار رکعت.

ه - نماز صبح؛ دو رکعت.

۳ - در هنگام مسافرت واجب است که نمازهای چهار رکعتی، قصر شود یعنی دو رکعت خوانده شود. شرایط قصر نماز و چگونگی نماز مسافر در جای خود شرح داده می‌شود.

۴ - در روز جمعه هم، بجای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه با دو خطبه انجام می‌شود که شرایط و جزئیات آن در جای خود بیان

می‌گردد.

۵- از آنجا که نماز وسیله تقرب هر شخص پرهیزکار به خداوند است، و بهترین چیزی است که می‌توان بوسیله آن به خداوند تقرب جست، استعجاب نفسی دارد یعنی بطور ابتدائی مستحب است که انسان با قصد تقرب هر چند رکعت که بخواهد، نماز بخواند، تا در دل او، آرامش ایجاد کند، و او را از بدیها و گناهان باز دارد، و او را به خداوند نزدیک گرداند.

۶- در احادیث شریف، انجام نمازهای مستحبی معینی در مناسبتهای زمانی و مکانی ویژه مورد تشویق قرار گرفته است مانند نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان، نماز زیارت قبور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین اوعلیهم السلام و همچنین نماز تحیت مسجد و غیره. (۱۰۶)

۷- بهترین نمازهای مستحب، نمازهای نافله منظم یومیه است که ۳۴ رکعت در هر شبانه‌روز، غیر از روز جمعه و به ترتیب ذیل است:

الف - هشت رکعت قبل از نماز ظهر.

ب - هشت رکعت قبل از نماز عصر.

ج - چهار رکعت بعد از نماز مغرب.

د - دو رکعت بعد از نماز عشاء که نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت محسوب می‌گردد.

ه - دو رکعت قبل از نماز صبح.

و - یازده رکعت نافله شب به این ترتیب: هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر.

اما در روز جمعه علاوه بر ۱۶ رکعت یادشده در نافله ظهر و عصر، چهار رکعت دیگر نیز افزوده می‌شود.

۸- باید نمازهای مستحبی، به صورت دو رکعتی، دو رکعتی انجام شود مگر نماز وتر که یک رکعت است.

اوقات نمازهای واجب یومیه

قرآن کریم

۱- (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۱۰۷)).

«مواظب نمازها مخصوصاً نماز وسطی باشید (در انجام آنها کوشا باشید) و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید.»

آیه کریمه فوق به ما آگاهی می‌بخشد که مقید بودن به اوقات نماز، ضروری است زیرا محافظت و مواظبت بر نماز به معنای اهتمام به نماز و به حدود و احکام آن می‌باشد. از بارزترین احکام نماز، مقید بودن به وقت نماز است و لذا در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام در معنای آیه بالا آمده است: «منظور از محافظت بر نماز، اقبال و رو آوردن به نماز و مواظبت بر وقت آن است تا انسان از آن غافل نشود و چیز دیگری او را به خود مشغول نگرداند.» (۱۰۸)

سیاق آیه بالا نیز بر اهمیت وقت نماز دلالت می‌کند زیرا پروردگار مانماز راحتی در هنگام جنگ واجب کرده است با اینکه معمولاً در این حالت، بسیاری از شرایط نماز مانند: استقرار، آرامش، مراعات قبله، رکوع و سجود امکان‌پذیر نیست، و اگر موضوع وقت، اهمیت زیادی نمی‌داشت، ادای نماز به تأخیر انداخته می‌شد تا سایر شرایط آن نیز فراهم آیند. فقها از مجموعه نصوص (آیات و روایاتی) که بر وقت تأکید دارند، استنباط کرده‌اند که ترک نماز در هیچ حالتی جایز نیست و مسأله وقت، مهم‌تر از سایر شرایط است.

۲- (فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا

مَوْقُوتًا (۱۰۹)).

«هنگامیکه نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید، ایستاده و نشسته و درحالیکه به پهلو خوابیده‌اید و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت) نماز را انجام دهید زیرا نماز وظیفه ثابت و با وقت معینی برای مؤمنان است.»

این آیه به ما بصیرت می‌دهد که نماز اهمیت فراوانی دارد، و از همین رو حتی در حالت جنگ نیز (که شدیدترین و وحشتناکترین حالت برای انسان است) ترک نمی‌شود و لذا لازم است که وقت آن مانند سایر احکامش رعایت شود.

برای کلمه «موقوت» که در آیه بالا آمده است، دو معنی ذکر شده است:

۱- در روایات، موقوت به معنای «ثابت» آمده است.

۲- در برخی از تفاسیر، موقوت را به «چیزی که دارای وقت خاصی است»، معنی کرده‌اند. هر دو معنی در تفسیر آیه قابل قبول است. بدین ترتیب، آیه دلالت روشنی بر اهمیت اوقات نماز دارد و اینکه وقت، نسبت به همه شرایط واجب در نماز، اولویت و اهمیت ویژه‌ای دارد. البته جوهر و روح نماز، یاد خدا، خشیت از مقام ذات حق و نیایش به درگاه او است و حدود و شرایطی که در نماز در نظر گرفته شده، به مثابه جسد برای آن روح است.

۳- «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (۱۱۰)).

«نماز را از زوال خورشید تا تاریکی شب بپادار و همچنین قرآن فجر را، چراکه قرآن فجر، مشهود (فرشتگان) است.»

این آیه شریفه، اوقات نماز را بیان می‌دارد که از ظهر - که در آیه دیگر ما را بر محافظت از آن دستور داده است - آغاز می‌شود و به نماز فجر (صبح) ختم می‌گردد. وقت اصلی نمازها از زوال خورشید تا نیمه شب ادامه دارد که ظهر و عصر در روز و مغرب و عشا در شب انجام می‌شود و تنها یک نماز است که با طلوع فجر واجب می‌گردد.

«دلوک» در آیه به معنای زوال خورشید و «غسق» به معنای شدت تاریکی در نیمه شب است امّا «قرآن فجر» یعنی نماز صبح را فرشتگان شب و روز، شاهد هستند و شاید دلیل اینکه این نماز، از دو رکعت بیشتر نیست، همین باشد زیرا این نماز هم توسط نویسندگان (فرشتگان) (شب و هم توسط نویسندگان (فرشتگان) روز ثبت می‌شود.

در تفسیر این آیه از زبان امام باقر علیه السلام آمده است:

«دلوک خورشید، زوال خورشید و «غسق» شب تا نیمه شب است. این، وقت چهار نماز است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آنها را برای مردم تعیین نموده است و «قرآن فجر» نماز صبح است.» (۱۱۱)

۴- «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (۱۱۲)).

«در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپادار، زیرا حسنات، سیئات را از بین می‌برند. این یادآوری است برای کسانی که اهل ذکرند.»

از این آیه مبارکه نیز، اوقات نمازهای پنجگانه را الهام می‌گیریم که عبارتند از: طرف اول روز (نماز صبح)، طرف دوم روز (نماز ظهر و عصر) و اوایل شب (مغرب و عشاء).

همچنین از این آیه شریفه، حکمت تقسیم اوقات نماز را بر ساعات شب و روز بدست می‌آوریم زیرا:

اولاً - حسنات، آثار گناهان و سیئات را از بین می‌برد پس اگر انسان گناهی را مرتکب شد، آن را با اقامه و انجام نماز از بین می‌برد. ثانیاً - با این نمازها، انسان به یاد پروردگارش می‌افتد و هر چند شهوت پرستی‌ها و هواهای نفسانی او را از خدایش دور کرده باشد، نماز او را نزدیک می‌گرداند.

در حدیثی منقول از امام باقر علیه السلام آیه فوق به نمازهای پنجگانه تفسیر شده است. (۱۱۳)

۱ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله وارد مسجد شد و در آنجا عده‌ای از اصحابش حضور داشتند. حضرت فرمود:

«تدرون ما قال ربکم؟» قالوا: الله ورسوله أعلم. قال: «إن ربکم يقول: إن هذه الصلوات الخمس المفروضات من صلّاهن لوقتھن وحافظ علیھن لقینی یوم القیامۃ وله عندی عهد أدخله به الجنۃ، ومن لم یصلّھن لوقتھن ولم یحافظ علیھن فذاک إلیّ إن شئت عدّبتہ، وإن شئت غفرت له...» (۱۱۴).

«می‌دانید پروردگار شما چه می‌گوید؟» عرض کردند: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند. حضرت فرمود: «پروردگار شما می‌فرماید: «کسی که این پنج نماز واجب رادر وقتش انجام دهد و مواظب آنها باشد، در روز قیامت مرا ملاقات می‌کند در حالیکه نزد من عهدی دارد که بر اساس آن، او را وارد بهشت می‌گردانم، اما کسی که این نمازها رادر وقتش ادا نکند و مواظب آنها نباشد، در اختیار من خواهد بود، اگر خواستم عذابش می‌کنم و اگر خواستم می‌بخشم.»

۲ - امام باقرعلیه السلام فرمود:

«أیما مؤمن حافظ علی الصلوات المفروضۃ فصلّاها لوقتھا فلیس هذا من الغافلین...» (۱۱۵).

«هر مؤمنی که مراقب و مواظب نمازهای خود باشد و آنها را در وقتش ادا نماید اواز غافلان محسوب نمی‌شود.»

۳ - در کتاب «عقاب الاعمال» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«من صلّى الصلاة لغير وقتها رُفعت له سواداء مظلمة تقول: ضیعتنی، ضیعتک الله کما ضیعتنی، وأول ما یُسأل العبد إذا وقف بین یدی الله تعالی عن الصلاة، فإن زکت صلاته زکا سائر عمله، وإن لم تزک صلاته لم یزک عمله» (۱۱۶).

«کسی که نماز را در غیر وقت آن بخواند، نماز او سیاه و تاریک به بالا می‌رود و به‌او می‌گویند: مرا تباه ساختی، خداوند تو را تباه گرداند همانطور که مرا تباه ساختی. اوّلین چیزی که از بنده در هنگامیکه در محضر خداوند می‌ایستد سؤال می‌شود، نماز است. پس اگر نماز او، پاک و شایسته باشد، بقیه اعمال او نیز مورد قبول خواهد بود، و اگر نمازش مورد رضایت خداوند نباشد، سایر اعمال او نیز مورد رضایت و خوشنودی خداوند نخواهد بود.»

۴ - امام رضا علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«لا یزال الشیطان ذعراً من المؤمن ما حافظ علی مواقیت الصلوات الخمس، فإذا ضیعت اجترأ علیہ فأدخله فی العظام» (۱۱۷).

«تا زمانی که مؤمن مواظب اوقات نمازهای پنجگانه باشد، شیطان از او می‌ترسد اماوقتی اوقات نماز خود را تباه ساخت، شیطان هم بر او جرأت می‌یابد و او را به گناهان بزرگ آلوده می‌گرداند.»

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلاة کیف محافظتهم علیها» (۱۱۸).

«شیعیان ما را با اوقات نمازشان آزمایش کنید و ببینید که محافظت و مواظبت آنها در باره وقت نماز چگونه است.»

۶ - ابن مسعود می‌گوید:

سألت رسول الله صلی الله علیه وآله: أئی الأعمال أحبّ إلیّ الله؟ قال رسول الله: «الصلاة لوقتھا». قلت: ثمّ أی شیء؟ قال: «بَرّ الوالدین». قلت: ثمّ أی شیء؟ قال: «الجهاد فی سبیل الله» (۱۱۹).

از پیامبر خداصلی الله علیه وآله پرسیدم که محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند کدام است؟ فرمود: «نماز را در وقتش انجام دادن. گفتم: پس از آن چیست؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر. گفتم: پس از آن چیست؟ فرمود: جهاد در راه خدا.»

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إنّ العبد إذا صلّى الصلاة لوقتھا وحافظ علیها ارتفعت بیضاء نقیة، تقول: حفظتني حفظک الله، وإذا لم یصلّها لوقتھا ولم یحافظ علیها

رجعت سوداء مظلّمه تقول: ضيّعتنی ضیعک الله» (۱۲۰).

«هنگامیکه بنده نماز را در وقتش بجا آورد و مواظب آن باشد، نماز او سفید و درخشیده به بالا می‌رود و می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند. اما اگر در وقتش بجا نیاورد و مواظب آن نباشد، نماز او سیاه و تاریک باز می‌گردد و می‌گوید: مراتبه و ضایع کردی، خداوند تو را تبه سازد.»

۸ - در کتاب «فقه الرضاعیه السلام» در تفسیر آیه: (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۱۲۱)) آمده است که آن حضرت فرمود: «یحافظون علی المواقیت».

«مواظب اوقات نماز خود بوده و آن را رعایت می‌کنند.»

۹ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«لا تنال شفاعتی غداً من آخر الصلاة المفروضة لوقتها» (۱۲۲).

«در روز قیامت شفاعت من به کسی نمی‌رسد که نماز واجب خود را تا بعد از گذشتن وقتش به تأخیر اندازد.»

۱۰ - زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد وقت نماز پرسیده است که آیا اول آن بهتر است یا وسط یا آخر آن؟ امام علیه السلام فرمود:

«أوله، إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال: إنّ الله عزّ وجلّ يحبّ من الخیر ما یعجل» (۱۲۳).

«اول آن. پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند از کارهای خیر، آنچه را زودتر انجام می‌شود دوست دارد.»

۱۱ - از امام صادق علیه السلام درباره آیه (الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۱۲۴)) سؤال شد. امام علیه السلام فرمود:

«تأخیر الصلاة عن أول وقتها لغير عذر» (۱۲۵).

«آنان کسانی هستند که نماز خود را بدون عذر، از اول وقت، به تأخیر می‌اندازند.»

تفصیل احکام

اگر نماز ستون دین است، پس مهم‌ترین چیزی که در نماز مورد تأکیددهها روایت قرار گرفته است، مقید بودن به اوقات نماز و مواظبت از آن می‌باشد. کسی که نمازهای یومیّه را در وقتش بجا آورد و مراقب آن باشد، خداوند را ملاقات می‌کند در حالیکه برای او نزد خداوند عهد و پیمانی است که بر اساس آن او را وارد بهشت می‌گرداند، و کسی که نماز را در وقتش بخواند، از غافلان شمرده نخواهد شد.

از آنجا که نماز اولین چیزی است که در قیامت از آن سؤال می‌شود، تزیین و سهل انگاری درباره آن به معنای تزیین همه زندگی انسان است زیرا اگر نماز انسان، شایسته و مورد قبول حضرت حق باشد، سایر اعمال او نیز مورد قبول قرار خواهد گرفت.

و اگر روایات تأکید می‌کند: تا زمانیکه انسان مواظب اوقات نمازهای پنجگانه است، شیطان از او وحشت دارد و می‌ترسد، پس چرا ما نمازهای خود را ضایع کنیم؟ و چرا مقید به اوقات نماز نباشیم؟ و چرا آن دربی را که شیطان از آن وارد می‌شود و سبک شمارنده نماز را به گناهان بزرگ می‌کشاند، بر روی شیطان نبندیم؟

و اگر محبوب‌ترین اعمال در نزد خداوند، بجا آوردن نماز در وقتش باشد و این عمل بر نیکی به والدین و جهاد در راه خدا هم مقدم باشد، پس چرا ما با بجا آوردن نماز در وقتش، خود را محبوب خداوند نگردانیم و از خشم او خود را دور نگه نداریم؟

اگر ما انتظار داریم که در روز قیامت پیامبر خداصلی الله علیه وآله ما را شفاعت نماید، راهی جز محافظت بر نماز و بجا آوردن آن در وقتش نداریم. بنابراین باید به امور ذیل توجه کنیم:

۱ - برای مؤمن شایسته نیست که درباره نماز سهل انگاری کند یا آن را سبک بشمارد بلکه باید در حد امکان نماز خود را در اول

وقت آن بجا آورد و هیچ کار غیر ضروری را بر نماز مقدم نشمارد.

۲ - همچنین جایز نیست نماز از وقت مقرر آن به تأخیر انداخته شود مخصوصاً نماز صبح که باید انسان به هر وسیله ممکن سعی کند برای ادای نماز صبح، قبل از طلوع خورشید، از خواب بیدار شود.

۳ - کسی که می‌داند بیدار ماندن در شب، سبب می‌شود که برای نماز صبح از خواب، بیدار نشود، باید شب زودتر بخوابد به گونه‌ای که برای نماز از خواب بیدار شود.

۴ - کسی که دچار خواب سنگین است، به گونه‌ای که به اختیار خود برای نماز بیدار نمی‌شود، شایسته است که تدبیری برای بیدار شدن خود بسنجد، مانند اینکه از کسی دیگر بخواهد که او را از خواب بیدار کند، یا از ساعت شماتپه‌دار استفاده نماید، و یا راه مشابه دیگر.

اول - وقت نمازهای ظهر و عصر

حدیث شریف

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر حتى يمضي مقدار ما يصلّي المصلّي أربع ركعات، فإذا مضى ذلك فقد دخل وقت الظهر والعصر حتى يبقى من الشمس مقدار ما يصلّي المصلّي أربع ركعات، فإذا بقي مقدار ذلك فقد خرج وقت الظهر وبقي وقت العصر حتى تغيب الشمس» (۱۲۶).

«وقتی خورشید زوال کرد، وقت نماز ظهر داخل شده است تا زمانی که مقدار خواندن چهار رکعت نماز بگذرد. بعد از آن، وقت ظهر و عصر فرارسیده است تا زمانی که از خورشید تنها به مقدار چهار رکعت نماز، وقت باقی بماند. اگر این مقدار باقی ماند، وقت ظهر تمام شده و وقت نماز عصر باقی مانده است تا موقعی که خورشید غروب کند.»

۲ - زراره روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الصلاتين، إلّا أنّ هذه قبل هذه» (۱۲۷).

«زمانی که خورشید زوال کرد، وقت هر دو نماز داخل شده است ولی این یکی (ظهر) قبل از آن یکی (عصر) باید خوانده شود.»

۳ - حلبی می‌گوید: از امام علیه السلام درباره مردی که نماز ظهر و عصر، هر دورا فراموش کرده و در هنگام غروب خورشید به یاد آورد که نماز نخوانده است. امام علیه السلام فرمود:

«إن كان في وقت لا يخاف فوت إحداهما فليصل الظهر ثم يصل العصر، وإن هو خاف أن تفوته فليبدأ بالعصر ولا يؤخرها فتفوته فيكون قد فاتاه جميعاً، ولكن يصلّي العصر فيما قد بقي من وقتها، ثم ليصلّي الأولى بعد ذلك على أثرها» (۱۲۸).

«اگر برای او آنقدر وقت باقی مانده باشد که یکی از دو نماز فوت نشود، اول ظهر و بعد عصر را بجا آورد، اما اگر می‌ترسد که (وقت کم مانده و) یکی از دو نماز حتماً فوت می‌شود، پس به نماز عصر بپردازد و آن را به تأخیر نیندازد و گرنه وقت عصر فوت می‌شود و در نتیجه هر دو نماز او فوت می‌گردد. پس باید در وقت باقی مانده نماز عصر را بجا آورد و بعد به دنبال آن، نماز ظهر را بخواند.»

۴ - امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إنّه صلّي رسول الله صلى الله عليه وآله بالناس الظهر والعصر حين زالت الشمس في جماعة من غير علة» (۱۲۹).

«پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در هنگامیکه خورشید زوال کرد، هر دو نماز ظهر و عصر را باهم بدون علت و عذر خاصی، با مردم به

جماعت خواند.»

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر إلّا أن بين يديها سبحة» (۱۳۰)، وذلك إلیک إن شئت طوّلت وإن شئت قصّرت» (۱۳۱).
«وقتی خورشید زوال کرد، وقت نماز ظهر فرارسیده است ولی قبل از آن نماز نافله هم است و این در اختیار تو است که طول بدهی یا کوتاه کنی.»

۶ - و در روایت دیگر چنین آمده:

«إذا صلّیت الظهر فقد دخل وقت العصر، إلّا أن بين يديها سبحة وذلك إلیک إن شئت طوّلت وإن شئت قصّرت» (۱۳۲).
«وقتی نماز ظهر را خواندی، وقت عصر داخل شده است ولی قبل از آن نماز نافله هم است و اختیار داری که طول بدهی یا کوتاه کنی.»

زوال را چگونه تشخیص بدهیم؟

حدیث شریف

۱ - سماعه روایت می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! وقت نماز چه وقت است؟ پس امام علیه السلام به چپ و راست رو آورد گویی که به دنبال چیزی می‌گردد. چون چنین دیدم چوبی را گرفتم و گفتم آیا این را می‌خواهید؟ فرمود: بلی، پس امام چوب را گرفت و در مقابل خورشید، در زمین نصب کرد، سپس فرمود:

«إنّ الشمس إذا طلعت كان الفیء طویلاً، ثمّ لا- يزال ينقص حتى تزول، فإذا زالت زاد، فإذا استتبت فيه الزیادة فصلّ الظهر، ثمّ تمهّل قدر ذراع وصلّ العصر» (۱۳۴).

«وقتی خورشید طلوع می‌کند، سایه این چوب زیاد و بلند است و به تدریج کم می‌شود تا خورشید زوال کند. پس وقتی خورشید زوال کرد، سایه باز هم فزونی می‌گیرد. وقتی که زیاد شدن سایه آشکار شد، نماز ظهر را بجا آور، سپس درنگ کن تا سایه به اندازه یک ذراع اضافه شود و بعد نماز عصر را بخوان.»

۲ - در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که درباره چگونگی شناخت و تشخیص زوال فرمود:

«أولّ وقت صلاة الظهر زوال الشمس، وعلامة زوالها أن ينصب شيئاً له فیء فی موضع معتدل فی أولّ النهار فیکون حینئذ ظلّه ممتداً إلى جهة المغرب ویتعاهد، فلا- يزال الظلّ يتقلّص وینقص حتى یقف، وذلك حین تكون الشمس فی وسط الفلک ما بین المشرق والمغرب، ثمّ تزول وتسير ما شاء الله والظلّ قائم لا یتبّین حتى یتحرّک إلى الزیادة، فإذا تبّین حرکته فذلك أولّ وقت الظهر» (۱۳۵).

«اولّ وقت نماز ظهر، زوال خورشید است و نشانه زوال این است که چیزی سایه‌داری در یک محلّ هموار در آغاز روز نصب شود. صبح که خورشید طلوع می‌کند، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید، این سایه کم می‌شود تا اینکه متوقف می‌گردد و این هنگامی است که خورشید در وسط آسمان بین مشرق و مغرب قرار می‌گیرد سپس خورشید زوال می‌کند و به مشیت خداوند حرکت می‌کند و سایه برجای خود ایستاده تا اینکه رو به فزونی و زیاد شدن می‌گذارد. وقتی حرکت سایه (رو به فزونی) آشکار رشد، اولّ وقت ظهر فرارسیده است.»

۳ - امام صادق علیه السلام در روایت سوم فرمود:

«... تأخذون عموداً طوله ثلاثة أشبار، وإن زاد فهو أبین، فقام، فما دام ترى الظلّ ینقص فلم تزل، فإذا زاد الظلّ بعد النقصان فقد زالت» (۱۳۶).

«... ستونی را می‌گیرید که طول آن سه وجب باشد و اگر زیادتر باشد، بهتر) واضح‌تر (است. این ستون در محلی نصب شود. پس تا زمانی که می‌بینی سایه آن در حال کم شدن است، هنوز زوال نشده است، پس اگر بعد از آنکه سایه به آخرین حد کاهش رسید، دوباره فزونی یافت، خورشید زوال یافته است.»

تفصیل احکام

زوال در اصطلاح به معنای «مایل شدن خورشید از وسط آسمان به سمت مغرب» است و می‌توان فرارسیدن زوال را با «ساعت آفتابی» (۱۳۷) که توسط آن، ظهر حقیقی تعیین می‌شود، تشخیص داد.

تعیین اوقات نوافل ظهر و عصر و اوقات فضیلت آن دو با معیار سایه‌پدید آمده بعد از زوال، صورت می‌گیرد، زیرا اگر سایه شاخص (۱۳۸) در وقت زوال مثلاً سه قدم بوده، بعد از زوال این سایه بار دیگر امتداد و افزایش می‌یابد. پس زمانی که مجموع طول سایه به پنج قدم رسید (سه قدم اصلی در موقع زوال و دو قدم زیاد شده بعد از زوال) آخر وقت فضیلت ظهر و نوافل آن خواهد بود، و اگر مجموع طول سایه به هفت قدم رسید (سه قدم اصلی در موقع زوال و چهار قدم جدید بعد از زوال) پایان وقت فضیلت نماز عصر و نافله آن خواهد بود.

تفصیل احکام

اوقات نمازهای یومیّه

هر نمازی از نمازهای یومیّه سه وقت دارد:

- ۱ - وقت خاص: وقتی است که مخصوص یک نماز معین است و انجام دادن نماز همتای آن در آن وقت، جایز نیست (مانند بجا آوردن نماز عصر در وقت خاص نماز ظهر) اگر چه در همین وقت خاص، بجا آوردن نمازهای مستحبّ یا واجب دیگر مانند نمازهای قضا و نافله، اشکال ندارد.
- ۲ - وقت مشترک: وقتی است که بجا آوردن دو نماز همتا (مانند ظهر و عصر یا مغرب و عشاء) در آن جایز است. البته واجب است ظهر قبل از عصر و مغرب قبل از عشاء خوانده شود.
- ۳ - وقت فضیلت: وقتی است که ادای نماز تنها در آن وقت (نه در سایر اجزای وقت اضافی) مستحبّ است و برای نماز گزار ثواب اضافی دارد.

اوقات نمازهای ظهر و عصر

- ۱ - وقت عمومی نماز ظهر و عصر از زوال خورشید آغاز و به غروب آن ختم می‌شود.
- ۲ - وقت خاص ظهر، از اول وقت به اندازه ادای نماز ظهر یعنی به مقدار چهار رکعت برای شخص حاضر و به اندازه دو رکعت برای مسافر است، چون طبیعت ترتیب بین ظهر و عصر، این امر را اقتضا می‌کند.
- ۳ - وقت خاص نماز عصر، از آخر وقت به اندازه ادای نماز عصر است، یعنی به اندازه چهار رکعت برای حاضر و به اندازه دو رکعت برای مسافر.
- ۴ - بین هر دو وقت خاص، وقت مشترک نمازهای ظهر و عصر است ولی واجب است نماز ظهر، قبل از عصر بجا آورده شود.
- ۵ - وقت فضیلت ظهر از زوال خورشید است تا زمانی که سایه جدید شاخص، بعد از زوال به اندازه دو قدم (۱۳۳) برسد، و قبل از آن

وقت نوافل است، پس کسی که نوافل را بجا آورد، بعد از آن بلافاصله نماز ظهر را بخواند، اما اگر سایه جدید به اندازه دو قدم رسید، نماز ظهر را بجا آورد، نه نوافل.

۶- اما وقت فضیلت عصر، بعد از زوال و ادای نافله ظهر و نماز ظهر است تا زمانی که سایه جدید به چهار قدم برسد، و اگر به چهار قدم رسید، نوافل را رها کرده و به فریضه عصر پردازد.

۷- ظاهر این است که وقت ادای نماز ظهر به جماعت، هنگامی است که سایه جدید شاخص به اندازه دو قدم برسد و وقت ادای نماز عصر به جماعت، زمانی است که آن سایه به چهار قدم برسد، تا این که به همه افراد وقت کافی برای ادای نوافل داده شود، سپس در نماز جماعت شرکت کنند.

۸- فقها گفته‌اند: وقت نماز جمعه از زوال است تا هنگامیکه سایه شاخص به اندازه خود آن برسد، ولی احوط این است که بعد از زوال به نماز جمعه و خطبه آن اقدام و مبادرت شود. البته این مبادرت معنای عرفی دارد، اما اگر نماز جمعه را به تأخیر انداخت تا اینکه سایه شاخص به اندازه خود آن شد، وقت جمعه گذشته است و واجب است نماز ظهر برپا شود.

۹- اگر در وقت مشترک و از باب سهو، نماز عصر را قبل از ظهر بجا آورد و بعد به اشتباه خود پی برد نماز او صحیح است و ظهر حساب می‌شود و بر او لازم است که نماز عصر را بخواند و احوط این است که چهار رکعت به نیت ما فی الذمه بخواند، و اگر - در این صورت - نماز ظهر را در وقت اختصاصی عصر در آخر وقت بجا آورد، باز هم نماز او صحیح است و نماز عصر را باید قضا کند و احوط این است که هر دو را قضا نماید، ولی بنا بر احتیاط نباید در نیت، متعزض ادا یا قضا شود، بلکه در نمازی که می‌خواند، نیت ظهر یا عصر هم نکند و تنها با نیت (ما فی الذمه) یعنی: آنچه بر عهده‌اش بوده، نماز بخواند.

۱۰- اگر مشغول نماز عصر شود، به گمان اینکه نماز ظهر را قبل از آن بجا آورده است ولی قبل از فراغت، متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است، باید نیت خود را تبدیل به ظهر کند و نماز را تمام نماید و چیزی بر او نیست.

۱۱- اگر مشغول نماز عشاء شود، به گمان اینکه مغرب را بجا آورده است و در اثنای نماز متوجه شود که مغرب را نخوانده است، باید به نیت مغرب عدول کند اگر رکوع چهارم را هنوز انجام نداده باشد، و گرنه احوط این است که آن نماز را تمام کند و سپس هر دو نماز مغرب و عشاء را بجا آورد.

دوم - وقت نمازهای مغرب و عشاء

حدیث شریف

۱- از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«وقت المغرب إذا غربت الشمس فغاب قرصها» (۱۳۹).

«وقت نماز مغرب زمانی است که خورشید غروب کند و قرص آن از نظرها ناپدید شود.»

۲- امام صادق علیه السلام در روایت دیگر می‌فرماید:

«إذا غابت الشمس فقد حلَّ الإفطار ووجبت الصلاة، وإذا صليت المغرب فقد دخل وقت العشاء الآخرة إلى انتصاف الليل» (۱۴۰).

«وقتی خورشید غروب کرد، افطار، جایز و نماز، واجب می‌شود، و موقعی که نماز مغرب را گزاردی، وقت نماز عشاء فرامی‌رسد که تا نیمه شب ادامه دارد.»

۳- شهاب بن عبد ربّه می‌گوید: امام صادق علیه السلام به او فرمود:

«يا شهاب، أتى أحب إذا صليت المغرب أن أرى في السماء كوكباً» (۱۴۱).

«ای شهاب! من دوست دارم وقتی نماز مغرب را به جا می‌آورم ستاره‌ای را در آسمان بینم.»
 ۴ - اسماعیل بن جابر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وقت مغرب پرسیدم، فرمود:
 «ما بین غروب الشمس إلى سقوط الشفق» (۱۴۲).

«ما بین غروب خورشید تا سقوط (پایین آمدن) شفق.»

۵ - نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا غابت الشمس فقد دخل وقت المغرب حتى يمضي مقدار ما يصلّي المصلّي ثلاث ركعات، فإذا مضى ذلك فقد دخل وقت المغرب والعشاء الآخرة حتى يبقى من انتصاف الليل مقدار ما يصلّي المصلّي أربع ركعات، وإذا بقي مقدار ذلك فقد خرج وقت المغرب وبقي وقت العشاء إلى انتصاف الليل» (۱۴۳).

«موقعی که خورشید غروب کرد، وقت نماز مغرب فرارسیده است تا اینکه به اندازه خواندن سه رکعت نماز، سپری شود و بعد از آن وقت مغرب و عشاء فرارسیده است تا اینکه به نیمه شب به اندازه چهار رکعت نماز، وقت باقی بماند. که در آن صورت، وقت مغرب پایان یافته و وقت عشاء تا نیمه شب باقی مانده است.»

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«...وَأَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ، وَآخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ، يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ» (۱۴۴).

«... اوّل وقت عشاء، رفتن سرخی شفق و آخر وقت آن تا غسق یعنی تا نیمه شب است.»

تفصیل احکام

۱ - وقت نمازهای مغرب و عشاء، از سقوط و غروب قرص خورشید تا نیمه شب است.

۲ - وقت اختصاصی مغرب، از اوّل وقت است تا موقعی که به اندازه ادای سه رکعت نماز (در حضر و سفر) از اوّل وقت سپری شود.

۳ - اما وقت اختصاصی عشاء، به اندازه ادای نماز عشا از آخر وقت است، یعنی به اندازه چهار رکعت نماز برای حاضر و دو رکعت نماز برای مسافر.

اما بین وقت اختصاصی مغرب (از اوّل وقت) و وقت اختصاصی عشاء (از آخر وقت) وقت مشترک هر دو است ولی باید نماز مغرب قبل از عشاء بجا آورده شود. آنچه گفتیم وقت اختیاری مغرب و عشاء یعنی در غیرحالات اضطراری است.

۴ - مغرب و عشاء، وقت اضطراری هم دارند که تا طلوع فجر ادامه دارد. مضطرّ مانند کسی است که خواب بر او غلبه کرده یا نماز را فراموش کرده تا اینکه وقت از نیمه شب گذشته باشد یا مانند زن حائضی که بعد از نیمه شب پاک می‌شود. بهتر این است که شخص مضطرّ نه نیت ادا کند و نه نیت قضا.

۵ - کسی که بطور عمد نماز مغرب و عشا یا یکی از آن دو را تا بعد از نیمه شب به تأخیر بیندازد، اقوا آن است که وقت او تا طلوع فجر امتداد می‌یابد ولی باز هم نه قصد ادا کند و نه قصد قضا. البته او از جهت اینکه نماز را عمداً به تأخیر انداخته است، گنهکار می‌باشد.

۶ - وقت فضیلت نماز مغرب، از اوّل مغرب تا رفتن سرخی مغرب (شفق) می‌باشد.

۷ - وقت فضیلت نماز عشاء، از وقت رفتن سرخی مغرب (شفق)، یعنی بعد از وقت فضیلت نماز مغرب تا سپری شدن یک سوم شب است.

۸ - اگر کسی از باب سهو، نماز عشا را قبل از مغرب و در وقت مشترک بجا آورد و بعد متوجّه اشتباهش شود، نماز او صحیح بوده و واجب است نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

وقت نماز مغرب و عشا را چگونه تشخیص بدهیم؟

حدیث شریف

۱ - امام رضا علیه السلام فرمود:

«اول وقت المغرب سقوط القرص، و علامه سقوطه أن یسود أفق المشرق».

«اولین وقت مغرب، غروب قرص خورشید است و علامت غروب قرص این است که افق مشرق سیاه شود.»

و در جای دیگر فرمود:

«وقت المغرب سقوط القرص إلى مغیب الشفق - إلى أن قال - والدلیل علی غروب الشمس ذهاب الحمرة من جانب المشرق...» (۱۴۵).

«وقت نماز مغرب، از سقوط قرص (خورشید) تا غروب شفق است. [شفق یعنی: سرخی مغرب] تا اینکه فرمود: دلیل غروب خورشید، از بین رفتن سرخی از جانب مشرق است.»

۲ - امام باقر علیه السلام فرمود:

«إذا غابت الحمرة من هذا الجانب، یعنی من المشرق، فقد غابت الشمس من شرق الأرض وغربها» (۱۴۶).

«هنگامی که سرخی از این سمت یعنی از مشرق برود، خورشید از شرق و غرب زمین، پنهان شده است.»

۳ - عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام پرسید که: ما زوال خورشید را در روز تشخیص می‌دهیم اما در شب چه کار کنیم؟ امام علیه السلام فرمود:

«لیل زوال کزوال الشمس».

«شب هم مانند خورشید زوال دارد.»

گفت: زوال شب را چگونه تشخیص بدهیم؟ امام علیه السلام فرمود:

«بالنجوم إذا انحدرت» (۱۴۷).

«توسط ستاره‌ها در موقعی که به سوی مغرب مایل شوند.»

تفصیل احکام

۱ - برخی از فقها می‌گویند: مغرب با رفتن سرخی مشرق و منحرف شدن آن از سمت بالای سر به سوی مغرب است. سرخی مشرق، سرخی‌ای است که در هنگام غروب خورشید، در سمت مشرق آسمان ظاهر می‌شود. ولی اقوا این است که سقوط و پنهان شدن قرص خورشید برای تحقق وقت غروب کفایت می‌کند، اما از بین رفتن و منحرف شدن سرخی مشرق از وسط آسمان، علامتی است که با آن می‌توانیم به تحقق مغرب یقین پیدا کنیم. اگرچه احوط این است که باید انتظار کشید تا سرخی مشرق زایل شود.

۲ - امیاً نیمه شب که آخرین وقت نماز عشاء است، بوسیله ستاره‌ها تشخیص داده می‌شود زیرا ستاره‌هایی که در اول مغرب طلوع کرده‌اند، اگر از دایره نصف النهار مایل شدند، شب به نیمه رسیده است. راه آسانتر و دقیق‌تر هم این است که: نیمه شب، همان نیم وقت بین غروب خورشید و طلوع آن در روز بعدی است و برخی هم گفته‌اند: نیمه شب، نیم وقت بین غروب خورشید و طلوع فجر است.

حدیث شریف

- ۱ - زراره می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:
«وقت صلاة الغداة ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس» (۱۴۸).
«وقت نماز صبح، بین طلوع فجر و طلوع خورشید است.»
- ۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:
«وقت الفجر حين ينشق الفجر إلى أن يتجلل الصبح السماء، ولا ينبغي تأخير ذلك عمداً، ولكنه وقت لمن شغل أو نسي أو نام» (۱۴۹).
«وقت (فضیلت) نماز صبح زمانی است که فجر شکافته شود تا اینکه (روشنایی) صبح، آسمان را روشن سازد. تأخیر نماز صبح از وقت یاد شده بطور عمدی شایسته نیست مگر برای کسی که مشغول کاری بوده یا فراموش کرده یا به خواب مانده است.»
- ۳ - در کتاب «دعائم الاسلام» از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است:
«إنَّ أوَّلَ صلاةِ الفجرِ اعتراضُ الفجرِ في أفقِ المشرق، وآخر وقتها أن يحمرَّ أفقُ المغرب، وذلك قبل أن يبدو قرن الشمس من أفق المشرق بشيء، ولا ينبغي تأخيرها إلى هذا الوقت لغير عذر وأوَّل الوقت أفضل» (۱۵۰).
«اوّل وقت نماز صبح، پهن شدن فجر در افق مشرق و آخر وقت آن، سرخ شدن افق مغرب قبل از ظاهر شدن قرص خورشید از سمت مشرق است. تأخیر نماز تا این وقت، بدون عذر، شایسته نیست و اوّل وقت، افضل است.»
- ۴ - امام باقر علیه السلام در پاسخ کسی که از کیفیت تحقّق فجر پرسیده بود نوشت:
«الفجر - يرحمك الله - هو الخيط الأبيض المعترض، وليس هو الأبيض صعداً، فلا تصل في سفر ولا حضر حتى تبينه، فإنَّ الله تبارك وتعالى لم يجعل خلقه في شبهة من هذا، فقال: (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ)، فالخيط الأبيض هو المعترض الذي يحرم به الأكل والشرب في الصوم، وكذلك هو الذي يوجب به الصلاة» (۱۵۱).
«خداوند ترا رحمت کند، فجر همان رشته سپیدی است که در افق پهن می شود، نه آن خط سپیدی که (بطور عمودی) به بالا می رود. پس در سفر و حضر نماز مگر آنکه این رشته سپید برای تو آشکار شود زیرا خداوند متعال در این مورد، بندگان خود را در شبهه و تردید نگذاشته است و فرمود است: (و بخورید و بیاشامید تا زمانی که رشته سپید فجر از رشته سیاه آشکار گردد). رشته سپید همان خط روشنی است که در افق پهن می شود و خوردن و آشامیدن در ماه روزه، با ظهور آن حرام می گردد و همچنین نماز با آن واجب می شود.»
- ۵ - اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بافضیلت ترین وقت نماز صبح کدام است؟ امام فرمود:
«مع طلوع الفجر، إنَّ الله تعالى يقول: (إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً)، یعنی صلاة الفجر تشهده ملائكة الليل وملائكة النهار، فإذا صلى العبد صلاة الصبح مع طلوع الفجر أثبت له مرتين: تثبته ملائكة الليل وملائكة النهار» (۱۵۲).
«طلوع فجر. خداوند می فرماید: (إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً) یعنی نماز صبح را فرشتگان شب و فرشتگان روز نظاره می کنند. پس هنگامیکه بنده نماز صبح را در وقت طلوع فجر بجا آورد، دوبار برای او ثبت می شود: هم فرشتگان شب و هم فرشتگان روز ثبت می کنند.»

تفصیل احکام

- ۱ - وقت نماز صبح از طلوع فجر دوم (یا فجر صادق) تا طلوع خورشید است. نماز صبح وقت مشترک ندارد زیرا همه وقت، تنها برای آن می باشد و شریکی ندارد.

۲ - اما وقت فضیلت نماز صبح، از طلوع فجر دوّم تا ظهور سرخی در مشرق است.

۳ - طلوع فجر وقتی است که رشته سپیدی از نور به صورت عمودی در آسمان ظاهر شود و این فجر اوّل (یا فجر کاذب) است، اما فجر دوّم (یا فجر صادق) که در دخول وقت نماز صبح، معتبر است، پهن شدن آن سپیدی بطور افقی در امتداد آسمان است. به عبارت دیگر فجر صادق، پخش شدن سفیدی و روشنایی در امتداد آسمان است بعد از آنکه قبلاً بطور عمودی در افق بالا رفته است.

۴ - مستحب است در اوّل وقت به ادای نماز صبح مبادرت شود و تا نزدیک طلوع خورشید به تأخیر انداخته نشود مگر برای شخص خواب یا فراموش کننده یا کسی که مشغول به کاری بوده است و بهتر این است که نماز صبح، در حالت تاریکی و قبل از آنکه صبح کاملاً روشن گردد، یعنی در سپیده دم بجا آورده شود.

احکام وقت

حدیث شریف

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَصَلِّيَ صَلَاةَ إِلَّا لَوْقْتِهَا، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ، وَلَا يَصُومُ أَحَدٌ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا فِي شَهْرِهِ إِلَّا قِضَاءً، وَكُلَّ فَرِيضَةٍ إِنْ مَا تَوَدَّى إِذَا حَلَّتْ» (۱۵۳).

«برای هیچ کس جایز نیست نماز بگزارد مگر در وقتش و همچنین است زکات. و هیچ کس نمی تواند روزه رمضان را بگیرد مگر در ماه خودش. مگر در صورتیکه (نماز یا روزه) قضائی بجا آورد. هر واجبی زمانی انجام می شود که وقت آن فرارسیده باشد.»

۲ - باز هم امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَأَنَّ أُصَلِّيَ الظُّهْرَ فِي وَقْتِ الْعَصْرِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُصَلِّيَ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ، فَإِنِّي إِذَا صَلَّيْتُ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ لَمْ تَحْسَبْ لِي، وَإِذَا صَلَّيْتَهُ فِي وَقْتِ الْعَصْرِ حَسِبْتُ لِي» (۱۵۴).

«اینکه نماز ظهر را در وقت عصر بخوانم برایم بهتر از این است که نماز ظهر را قبل از زوال خورشید بجا آورده باشم، زیرا اگر قبل از زوال نماز بگزارم برای من حساب نمی شود ولی اگر آن را در وقت عصر بجا آوردم، برایم حساب می شود.»

۳ - باز هم امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا صَلَّيْتُ وَأَنْتَ تَرَى أَنَّكَ فِي وَقْتٍ وَلَمْ يَدْخُلِ الْوَقْتُ، فَدَخَلَ الْوَقْتُ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنكَ» (۱۵۵).

«اگر مشغول نماز شده‌ای به این اعتقاد که وقت نماز داخل شده است اما در واقع وقت داخل نشده بود و در هنگام نماز، وقت داخل شد، نماز تو صحیح و کفایت می کند.»

۴ - از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

«مَنْ أَدْرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ» (۱۵۶).

«کسی که یک رکعت از نماز را در وقتش درک کند، همه نماز را درک کرده است.»

۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَدْرَكَ مِنَ الْغَدَاةِ رَكْعَةً قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَقَدْ أَدْرَكَ الْغَدَاةَ تَامَةً» (۱۵۷).

«کسی که یک رکعت از نماز صبح را قبل از طلوع خورشید بجا آورد، همه نماز صبح را بطور کامل درک کرده است.»

۶ - از امام صادق علیه السلام سؤال شد درباره کسی که وارد مسجد می شود، درحالیکه اهل مسجد، نماز را تمام کرده اند، آیا او به نماز واجب بپردازد یا نماز نافله بخواند؟ امام علیه السلام فرمود:

«إن كان في وقت حسن فلا بأس بالتطوع قبل الفريضة، وإن كان خاف الفوت من أجل ما مضى من الوقت فليبدأ بالفريضة وهو حق الله، ثم ليتطوع ماشاء» (۱۵۸).

«اگر در وقت خوبی (وسیعی) است، اشکال ندارد که قبل از فريضة، به نماز مستحبی بپردازد، اما اگر می‌ترسد وقت نماز فوت شود، نماز واجب را شروع کند که حق خدا است و بعد از آن هر چند بخواهد نماز مستحبی بجا آورد.»

۷- از امام صادق علیه السلام سؤال شد درباره مردی که در نماز عصر، گروهی را امامت کرده است. بعد در حالیکه با آنان مشغول نماز بود، به یاد آورد که نماز ظهر را نخوانده است. امام علیه السلام فرمود:

«فليجعلها الأولى التي فاتته ويستأنف العصر، وقد مضى القوم بصلاتهم» (۱۵۹).

«آن نمازی را که مشغول است، نماز فوت شده ظهر قرار دهد و بعد از آن، عصر را از نو بجا آورد و نماز آن گروه (مأمومین) انجام شده و صحیح است.»

۸- بلال می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

«المؤذنون أمناء المؤمنین علی صلاتهم و صومهم و لحومهم و دمائهم» (۱۶۰).

«مؤذنان، امینان مؤمنان در نماز و روزه و گوشت و خون آنان هستند.»

۹- امام علی علیه السلام فرمود:

«المؤذن مؤتمن، والإمام ضامن» (۱۶۱).

«مؤذن، امین و امام ضامن است.»

تفصیل احکام

۱- در هنگام شروع به نماز، واجب است نسبت به دخول وقت نماز، علم یا اطمینان پیدا کند و نماز قبل از وقت جایز نیست. و اگر کسی قبل از وقت، نماز بگذارد، باطل است و برای او حساب نمی‌شود.

۲- وقت نماز را می‌توان از راههای زیر تشخیص داد:

الف - خود شخص علم پیدا کند در صورتیکه قادر به تشخیص فجر، زوال، طلوع و غروب خورشید باشد.

ب - به شهادت دو شاهد عادل اعتماد کند زیرا چنین شهادتی در نزد عقلاء، مفید اطمینان است و ظاهر این است که شهادت یک شاهد عادل نیز کفایت می‌کند چون شهادت یک نفر عادل نیز در نظر عقلاء، اطمینان آوراست.

ج - به اذان مؤذن ثقة و مورد اطمینان اعتماد کند. برخی از فقها عدالت مؤذن را شرط می‌دانند ولی اقوا این است که وثوق و اطمینان به او کفایت می‌کند و عدالت شرط نیست.

د - به محاسبات علمی مطمئن اعتماد کند در صورتیکه از اهل خبره ثقة صادر شده و اطمینان آور باشد.

۳- مقید بودن به فرارسیدن وقت واجب است و قبل از دخول وقت، بجا آوردن نماز جایز نیست و اگر کسی عمداً قبل از وقت، نماز بخواند، هر چند در اثنای نماز هم وقت داخل شود، نماز او باطل است.

۴- اگر با اعتقاد دخول وقت، نماز گزارد و بعد از اتمام نماز، متوجه شود که قبل از وقت، نماز خوانده است، نماز او باطل و اعاده آن واجب است، اما اگر در هنگام نماز، وقت داخل شده باشد نماز او صحیح می‌باشد. و در این حالت (دخول وقت در هنگام نماز) جایز است که بعد از زوال، بلافاصله نماز عصر را بجا آورد هر چند که بخشی از وقت، اختصاص به ظهر دارد. نسبت به مغرب و عشا نیز حکم همین است.

۵- اگر به اعتقاد اینکه مغرب را قبلاً بجا آورده یا از باب غفلت یا فراموشی، نماز عشا را شروع کند، و در اثنای نماز متوجه اشتباه

خودشود، نیت خود را به نماز مغرب تبدیل کند مگر اینکه در رکوع رکعت چهارم متوجه شود که در این صورت، احتیاط اقتضا می‌کند که عشا را تمام کند، بعد مغرب را بجا آورد و دوباره عشا را نیز اعاده نماید.

۶- اگر به هر دلیلی، نماز تا آخر وقت به تأخیر افتاد تا اینکه فقط به اندازه یک رکعت نماز وقت باقی ماند، واجب است نماز را به نیت ادا بجا آورد زیرا کسی که یک رکعت نماز را در وقتش درک نماید، همه نماز رادرک کرده است، ولی جایز نیست کسی عمداً نماز را تا این وقت، به تأخیر بیندازد.

۷- اگر وقت نماز به قدری تنگ شود که اگر مستحبات نماز را بجا آورد، قبل از اتمام نماز، وقت تمام می‌شود، واجب است مستحبات را رها کرده و تنها به واجبات اکتفا نماید.

۸- انجام دادن نماز مستحبی در وقت نماز واجب جایز است، اگر وقت، وسعت داشته باشد. و همچنین بجا آوردن نماز مستحبی جایز است هر چند در ذمه او نمازهای فوت شده واجب، باقی مانده باشد. ولی احتیاط اقتضا می‌کند که نماز واجب و همچنین قضای نماز واجب، بر نمازهای مستحب، مقدم شود.

۹- بین ظهر و عصر و همچنین بین مغرب و عشا، مراعات ترتیب واجب است یعنی نماز ظهر قبل از عصر و نماز مغرب قبل از عشا بجا آورده شود، و اگر عمداً بر عکس انجام دهد، نمازش باطل است.

و اگر از باب جهل به این حکم (ندانستن وجوب ترتیب) بر عکس انجام دهد، بنا بر احتیاط هر دو نماز را اعاده کند. و اگر از باب سهو، بر عکس انجام دهد، هر دو نماز او صحیح است. هر چند بنا بر احتیاط مستحب، چهار رکعت، به قصد آنچه در ذمه‌اش است، بدون تعیین ظهر یا عصر، بجا آورد.

۱۰- بنا بر احوط، عدول از نیت در اثنای نماز، از ظهر یا مغرب به عصر یا عشا، جایز نیست اما عکس آن اشکال ندارد. پس اگر به نیت ظهر وارد نماز شد و در اثناء متوجه شد که ظهر را قبلاً خوانده است، نمی‌تواند به نیت عصر عدول کند بلکه لازم است از باب احتیاط، نمازش را به پایان برساند و بعد نماز عصر را شروع کند. اما اگر به تصور اینکه ظهر را بجا آورده، وارد نماز عصر شود و در اثنای آن بیاد آورد که ظهر را نخوانده است، می‌تواند بدون اینکه نماز را قطع کند، به نیت ظهر عدول نماید. نسبت به مغرب و عشا نیز حکم همین است.

۱۱- به تأخیر انداختن نماز از اول وقتش در موارد زیر واجب است:

الف - در حالتی که عذری وجود داشته باشد که مانع از بجا آوردن نماز بطور کامل شود و امید برود یا احتمال بدهد که آن عذر قبل از پایان وقت، رفع گردد مانند مرضی که مانع از نماز در حالت ایستاده است و یا عذری مشابه آن.

بلی، مبادرت به نماز با تیمم جایز است هر چند احتمال بدهد یا امید داشته باشد که عذرش از بین برود.

ب - برای آماده کردن مقدمات نماز از قبیل: طهارت، پوشش (لباس پاک، مکان مباح و غیره).

ج - برای آموختن احکام نماز، اجزاء و شرایط آن.

د - در جایی که نماز با یک واجب دیگر که وقت آن تنگ و مضیق است، تعارض پیدا کند مانند: تطهیر مسجد از نجاست، نجات دادن انسان محترم دیگر از هلاکت، یا ادای دین و بدهی که طلبکار آن را می‌خواهد و او هم قدرت پرداخت آن را دارد.

اوقات نوافل یومیّه

حدیث شریف

۱ - زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره وقت نماز ظهر پرسیدم. حضرت فرمود:

«ذراع من زوال الشمس، ووقت العصر ذراعان من وقت الظهر فذاك أربعة أقدام من زوال الشمس».

«... يك ذراع بعداز زوال خورشيد. امّا وقت عصر دو ذراع بعداز وقت ظهر است که در مجموع چهار قدم بعداز زوال خورشيد می شود.»

سپس فرمود: «أتدرى لِمَ جُعِلَ الذراع والذراعان؟» قلت: لِمَ جُعِلَ ذلك؟

«آیا می دانی چرا یک ذراع و دو ذراع در نظر گرفته شده؟ گفتم: چرا چنین شده؟ فرمود:

«لمكان النافلة، لك أن تتنفل من زوال الشمس إلى أن يمضى ذراع، فإذا بلغ فيئك ذراعاً من الزوال بدأت بالفريضة وتركت النافلة، وإذا بلغ فيئك ذراعين بدأت بالفريضة وتركت النافلة» (۱۶۲).

«از جهت نافلة. شما با زوال خورشيد می توانی نافلة ظهر را بخوانی تا زمانی که سایه، يك ذراع شود. پس وقتی که سایه تو، يك ذراع بعداز زوال شد به فريضة ظهر می پردازی و نافلة را رها می کنی. و وقتی که سایه تو دو ذراع شد باز هم به فريضة عصر می پردازی و نافلة را ترك می کنی.»

۲ - محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دو رکعت فجر) نافلة صبح (پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: «صلّهما قبل الفجر ومع الفجر وبعد الفجر» (۱۶۳).

«این دو رکعت را قبل از فجر و با فجر و بعداز فجر بجا می آوری.»

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا بأس بصلاة الليل فيما بين أوله إلى آخره، إلّا أن أفضل ذلك بعد انتصاف الليل» (۱۶۴).

«نماز شب از اول شب تا آخر شب، اشکال ندارد ولی بهتر این است که بعداز نیمه شب بجا آورده شود.»

۴ - اشعری می گوید: درباره وقت نماز وتر از امام رضا علیه السلام پرسیدم. امام علیه السلام فرمود:

«أحبّها إلىّ الفجر الأوّل»، وسألته عن أفضل ساعات الليل، قال: «الثالث الباقي» (۱۶۵).

«بهترین ساعات برای من، فجر اول است.» درباره بهترین ساعات شب پرسیدم. فرمود: «يك سوّم آخر شب.»

تفصیل احکام

۱ - وقت نافلة ظهر، قبل از فريضة ظهر است پس از زوال خورشيد تا وقتی که سایه به وجود آمده بعداز زوال، به اندازه دو قدم یا يك ذراع برسد.

۲ - وقت نافلة عصر، بعداز زوال و بعداز فريضة ظهر است تا زمانی که سایه به وجود آمده به اندازه چهار قدم یا دو ذراع برسد.

۳ - وقت نافلة مغرب از هنگام ادای فريضة مغرب است تا از بین رفتن شفق یا سرخی مغرب. نافلة مغرب، بعداز نماز مغرب خوانده می شود.

۴ - وقت وتيره (نافله عشاء) بعداز نماز عشاء است و تا هر وقت که وقت عشاء ادامه دارد، وتيره نیز وقت دارد، ولی بهتر این است که بعداز نماز عشاء، فوراً و بدون فاصله قابل توجهی بجا آورده شود.

۵ - وقت نماز شب از نیمه شب تا طلوع فجر دوّم (فجر صادق) ادامه دارد، و بهتر این است که در سحر یعنی در يك سوّم آخر شب انجام شود و هرچه به فجر نزدیکتر باشد بهتر است.

۶ - وقت نافلة نماز صبح، بین فجر اول و نمایان شدن سرخی مشرق است، و می توان آن را بر فجر نیز مقدّم داشت و با نماز شب یکجا بجا آورد.

۷ - نظریه مشهور بین فقها این است که نافلة های نماز ظهر و عصر را در غیر روز جمعه نمی توان بر زوال خورشيد مقدّم داشت.

۸- امّا در نماز شب جایز است که قبل از نیمه شب هم انجام شود مخصوصاً برای مسافر و کسی که برای او دشوار است که بتواند در وقتش بجا آورد. و همچنین برای صاحبان عذر همچون شخص سالمند و کسی که از سردی یا بیماری و مانند آن می‌ترسد نیز مقدّم داشتن نماز شب جایز است، ولی بهتر این است که در نیمه شب و بهتر از آن، در سحر انجام شود.

سنن و آداب وقت

حدیث شریف

۱- پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

«إذا زالت الشمس فتحت أبواب السماء وأبواب الجنان واستجيب الدعاء، فطوبى لمن رفع له عند ذلك عمل صالح» (۱۶۶).
 «زمانی که خورشید زوال یابد، درهای آسمان و بهشت گشوده می‌شود و دعاستجاب می‌گردد. پس خوشا به حال کسی که در آن هنگام عمل صالحی برای او بالا رود) و در پرونده اعمال او ثبت شود.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

«العصر على ذراعين، فمن تركها حتى تصير على سته أقدام فذلك المضيع» (۱۶۷).
 «وقت عصر، به دو ذراع رسیدن سایه است. پس کسی که آن را ترک کند تا اینکه سایه شش قدم شود، او ضایع کننده نماز حساب می‌شود.»

۳- از امام باقر علیه السلام سؤال شد درباره مردی که بدون طهارت نماز بخواند یا نمازهایی را فراموش کند یا در خواب بماند.
 امام علیه السلام فرمود:

«يقضيها إذا ذكرها، في أي ساعة ذكرها من ليل أو نهار» (۱۶۸).

«هر وقت به یاد بیاورد، در هر ساعتی از شب و روز، قضا کند.»

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

«إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى عن الصلاة عند طلوع الشمس وعند غروبها وعند استوائها» (۱۶۹).

«پیامبر خداصلی الله علیه و آله نهی کرد از نماز خواندن در هنگام طلوع خورشید و غروب خورشید و در هنگامی که خورشید بالا می‌آید.»

۵- امام صادق علیه السلام فرمود:

«إن رسول الله صلى الله عليه وآله جمع بين الظهر والعصر بأذان وإقامتين، وجمع بين المغرب والعشاء من غير علمة بأذان واحد وإقامتين» (۱۷۰).

«پیامبر خداصلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را جمعاً با یک اذان و دو اقامه باهم بجا آورد، مغرب و عشاء را نیز جمعاً و بدون علمت و عذر با یک اذان و دو اقامه بجا آورد.»

تفصیل احکام

۱- مبادرت به نماز و تعجیل در اقامه آن در اول وقت فضیلت و به تأخیر نینداختن آن بدون عذر، استحباب مؤکد دارد، و همچنین بعد از فوت وقت فضیلت، باز هم تعجیل در آن مستحب است و هرچه نماز به اول وقت، نزدیکتر باشد بهتر است.

۲- از استحباب در تعجیل نماز، موارد و حالات زیر استثنا شده است:

- الف - به تأخیر انداختن نماز صبح و ظهر و عصر از اول وقت، برای کسی که بخواهد نافله‌های آنها را قبل از آنها بخواند.
- ب - به تأخیر انداختن فریضه حاضر برای بجا آوردن قضای نماز فوت شده در صورتیکه از فوت وقت فضیلت برای فریضه حاضر، خوف نداشته باشد.
- ج - زمانی که اقبال) و آمادگی کافی) برای شروع به نماز نداشته باشد پس به تأخیر بیندازد تا این حالت فراهم شود.
- د - برای انتظار برپا شدن نماز جماعت نسبت به امام جماعت.
- ه - به تأخیر انداختن نماز مغرب نسبت به روزه داری که علاقه به افطار دارد یا کسی دیگر بر سفره افطار، منتظر او است.
- و - مسافری که عجله دارد.
- ۳ - جمع بین دو نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشاء با یک اذان و دو اقامه اشکال ندارد، ولی مستحب است که بین دو نماز مشترک در وقت، فاصله زمانی هر چند به مقدار ادای نوافل و تعقیبات، گذاشته شود.
- ۴ - مستحب است در هنگام زوال خورشید، به تسبیح و دعا و عمل صالح مشغول باشد.
- ۵ - تأخیر نماز عصر تا آن وقت که سایه شاخص بعد از زوال به شش قدم برسد، کراهت دارد.
- ۶ - مبادرت در قضای واجبات فوت شده مستحب است زیرا فوت فریضه، به هر دلیلی باشد، سهل انگاری، مسامحه و تعلل در قضای آن را توجیه نمی‌کند.
- ۷ - انتخاب اوقات ذیل برای انجام نمازهای مستحبی ابتدایی (۱۷۱) کراهت دارد.
- الف - بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید.
- ب - بعد از نماز عصر تا غروب خورشید.
- ج - از هنگام طلوع خورشید تا پخش و پهن شدن نور آن.
- د - از هنگام بالا آمدن آفتاب تا زوال.
- ه - در هنگام غروب خورشید.

حکمت اوقات نماز

گاهی در ذهن این سؤال پدید می‌آید که حکمت تقسیم نمازهای یومیّه به اوقات خاص معروف چیست؟ امام رضا علیه السلام در یک حدیث طولانی به این سؤال پاسخ داده و علل تقسیم اوقات را بیان می‌فرماید. امام علیه السلام درباره اوقات نمازهای پنجگانه می‌فرماید:

«إِنَّمَا جُعِلَتِ الصَّلَاةُ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ، وَلَمْ تَقَدِّمَ وَلَمْ تُؤَخَّرْ لِأَنَّ الْأَوْقَاتِ الْمَشْهُورَةَ الْمَعْلُومَةَ الَّتِي تَعَمُّ أَهْلَ الْأَرْضِ فَيَعْرِفُهَا الْجَاهِلُ وَالْعَالِمُ أَرْبَعَةٌ:

- غروب الشمس، مشهور معروف تجب عنده المغرب.

- وسقوط الشفق) أي الحمرة المغربية، مشهور معلوم تجب عنده العشاء.

- وطلوع الفجر، مشهور معلوم تجب عنده الغداة.

- وزوال الشمس، مشهور معلوم تجب عنده الظهر.

ولم يكن للعصر وقت معلوم مشهور مثل هذه الأوقات الأربعة، فجعل وقتها عند الفراغ من الصلاة التي قبلها.

وعلمه أخرى: إن الله عز وجل أحب أن يبدأ الناس في كل عمل أولاً بطاعته وعبادته، فأمرهم أول النهار أن يبدؤوا بعبادته ثم ينتشروا فيما أحبوا من مرمّة دنياهم فأوجب صلاة الغداة عليهم.

فإذا كان نصف النهار وتركوا ما كانوا فيه من الشغل، وهو وقت يضع الناس فيه ثيابهم ويستريحون ويشتغلون بطعامهم وقيلولتهم، فأمرهم أن يبدؤوا أولاً بذكره وعبادته فأوجب عليهم الظهر، ثم يتفرغوا لما أحبوا من ذلك. فإذا قضاوا ظهرهم، وأرادوا الانتشار لآخر النهار، بدؤوا أيضاً بعبادته، ثم صاروا إلى ما أحبوا من ذلك، فأوجب عليهم العصر، ثم ينتشرون فيما شاؤوا من مرمة دنياهم.

فإذا جاء الليل ووضعوا زينتهم وعادوا إلى أوطانهم ابتدؤوا أولاً بعبادة ربهم، ثم يتفرغوا لما أحبوا من ذلك، فأوجب عليهم المغرب. فإذا جاء وقت النوم، وفرغوا ممياً كانوا به مشغولين أحب أن يبدؤوا أولاً بعبادته وطاعته ثم يصيروا إلى ما شاؤوا أن يصيروا إليه من ذلك، فيكون قد بدؤوا في كل عمل بطاعته وعبادته، فأوجب عليهم العتمه، فإذا فعلوا ذلك لم ينسوه ولم يغفلوا عنه، ولم تقس قلوبهم، ولم تقل رغبتهم» (۱۷۲).

«... نماز در این اوقات قرار داده شده، نه پیش و نه پس از آن، زیرا اوقات وزمانهای مشهور و معلوم که همه اهل زمین را فرامی‌گیرد و همگی از جاهل و عالم، آنها را می‌شناسند، چهار وقت است:

- غروب خورشید، که مشهور و معروف است و نماز مغرب در این وقت واجب می‌شود.
 - سقوط شفق و از بین رفتن سرخی مغرب، که مشهور و معلوم است و نماز عشاء در این وقت واجب می‌شود.
 - طلوع فجر، که مشهور و معلوم است و نماز صبح در این وقت واجب می‌شود.
 - زوال خورشید، که مشهور و معلوم است و نماز ظهر در این وقت واجب می‌شود.
- برای نماز عصر، وقت معلوم و مشهور مانند اوقات چهارگانه فوق نیست و لذا وقت آن، بعد از فراغت از نماز قبل از آن قرار داده شده است.

علت دیگر این است که خداوند متعال دوست دارد که مردم هر کاری را با اطاعت و عبادت او آغاز کنند، و لذا دستور داده که اول روز را با عبادت او آغاز نمایند و سپس برای تأمین زندگی دنیایی و تهیه مؤنه زندگی پراکنده شوند و بدین جهت نماز صبح را واجب کرده است.

موقعی که روز، به نیمه رسید و مردم کارهای خود را تعطیل کردند و این وقتی است که مردم، جامه از تن کشیده و به استراحت و خوردن غذا و خواب نیمروز (قیلوله) می‌پردازند، خداوند دستور داده است که اول به ذکر و عبادت او پردازند و بعد به هرچه دوست دارند مشغول شوند و لذا نماز ظهر را واجب کرده است.

زمانی که ظهر را گذراندند و خواستند برای آخر روز پراکنده شوند، باز هم باید با عبادت او کار خود را آغاز نمایند و بعد به هرچه دوست دارند پردازند و از این رو نماز عصر را واجب کرده است که بعد از آن، مردم به دنبال کسب و تأمین زندگی خود می‌روند. و هنگامی که شب فرارسید، و مردم زینت خود را از تن بیرون کردند و به وطن و کاشانه خود بازگشتند، در این زمان باز هم باید با عبادت پروردگار خود آغاز کنند و بعد به آنچه دوست دارند پردازند و لذا مغرب را بر آنها واجب کرده است.

موقعی که وقت خواب فرارسید و از همه اشتغالات خود فارغ شدند باز خداوند دوست داشته است که با عبادت و اطاعت او شروع کنند و بعد به آنچه خود می‌خواهند پردازند تا هر عملی را با اطاعت و عبادت او آغاز کرده باشند و بدین جهت نماز عشاء را واجب کرده است. وقتی که بندگان این عبادتها را انجام دادند، خدا را فراموش نمی‌کنند و از او غفلت نمی‌ورزند و دل آنان قساوت پیدا نمی‌کند و شوق و علاقه آنان به خداوند کم نمی‌شود.»

احکام قبله

قرآن کریم

۱ - (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۷۳)).

«نگاههای انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم. اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خوشنود باشی باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن. و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید. و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده، و خداوند از اعمال آنها غافل نیست.»

۲ - (وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۷۴)).

«از هر جا خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مسجدالحرام کن. این دستور حقی از طرف پروردگار تو است؛ و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست.»

۳ - (وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِمْ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۷۵)).

«و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن، و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید؛ تا مردم، جز ظالمان، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند. از آنها ترسید و (تنها) از من بترسید. (این تغییر قبله بخاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم شاید هدایت شوید.»

رهنمودی از آیات

پیامبر خداصلی الله علیه و آله از اهل مکه بود و عظمت مکه و جلال و شکوه آن را نزد خداوند به خوبی می دانست ولی چون خدا امر کرده بود، به سوی مسجدالاقصی نماز می گزارد، زیرا او اولین پرستنده و تسلیم شونده به امر خدا بود، ولی این تسلیم بودن مانع از این نمی شد که پیامبر اسلام به درگاه خداوند دعا کند و بخواهد که قبله دیگری که حضرت از آن خوشنود باشد، تعیین کند، و لذا به گونه انتظار آمیز رو به آسمان می کرد و علاقه مند بود که مسجد الحرام و کعبه، قبله او قرار گیرد. خداوند نیز این دعا را استجاب نمود و به پیامبر دستور داد که رو به جانب مسجدالحرام نماید.

فقه آیات

از آیات مذکور، بصیرت‌های زیر را استفاده می کنیم:

الف - تعیین قبله تشریح و قانون الهی است، مگر نه این است که قبله شرط اساسی نماز است؟ پس باید درباره آن وحی نازل شود و حکم خدایان گردد و لذا در قرآن تعیین قبله به صورت «امر» آمده است.

ب - رو نمودن - که قرآن به آن دستور داده - عبارت است از اینکه با رو، در مقابل چیزی قرار بگیری، و چون سر انسان به صورت دایره است، پس رو و صورت، قسمتی از این دایره را تشکیل می دهد، و مقابل شدن با چیزی با صورت، تنها به معنای مقابل قرار گرفتن بینی نیست بلکه مقابل قرار گرفتن یکی از دو جانب صورت را به گونه‌ای که «رو کردن» صدق کند نیز شامل می شود. مگر این چنین نیست که اگر در میان جمعی نشسته باشید که اطراف یک میز گرد نشسته باشند، هر فردی، رو به سوی همه کسانی دارد که در جلو او قرار گرفته اند نه تنها یک شخصی که در مقابل بینی او قرار گرفته است زیرا معیار، صورت و رو است نه بینی.

ج - «شطر» به معنای قسمت و بخشی از یک چیز است و به جهات چهارگانه هم «شطر» گفته می شود چون قسمتها و بخشهایی از مکانی است که بر انسان احاطه دارد. بنابراین اگر آنچه خداوند دستور داده، رو کردن به «شطر المسجد الحرام» باشد، پس مقدار

واجب، رو کردن به جهت و جانبی است که این مسجد در آن جهت قرار داد، یعنی رو به سمتی کند که مسجد الحرام در آن سمت است. در عرف هم معمولاً، جهات و جوانب را به چهار طرف و حداکثر به هشت طرف و سمت تقسیم می‌کنند. پس جهت و سمت، وسیع‌تر از خود مسجد یا خود کعبه است. بدین ترتیب از مجموع آیاتی که کلمه (شطر) در آنها تکرار شده، استفاده می‌کنیم که قبله مأمور به، جهت و سمت مسجد الحرام است نه خود آن. واللّٰه العالم.

حدیث شریف

۱ - علم الهدی در رساله «المحکم والمتشابه» از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:
 «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي أَوَّلِ مَبْعَثِهِ يَصَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ جَمِيعَ أَيَّامِ مَقَامِهِ بِمَكَّةَ وَبَعْدَ هِجْرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ بِأَشْهَرِ، فَعَبَّرَهُ الْيَهُودُ وَقَالُوا: إِنَّكَ تَابِعٌ لِقِبْلَتِنَا، فَأَحْزَنَهُ ذَلِكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ يَقْلُبُ وَجْهَهُ فِي السَّمَاءِ وَيَنْتَظِرُ الْأَمْرَ: (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ (۱۷۶)).
 «پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در اوّل بعثت و در همه مدتی که در مکه بود و تا چند ماه بعد از هجرت به مدینه، به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد. تا اینکه یهود، آن حضرت را نکوهش و سرزنش کردند و گفتند: تو تابع قبله ما هستی! این وضع برای حضرت سنگین تمام شد و او غمگین گردید و در حالیکه منتظرانه به آسمان نگاه می‌کرد، خداوند این آیه را نازل فرمود: (نگاههای انتظار آمیز تو را به سوی آسمان) برای تعیین قبله نهایی (می‌بینیم. اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم، پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن. و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید...).

۲ - امام محمد باقر فرمود:

«لا صلاة إلا إلى القبلة»

«نماز صحیح نیست مگر به سمت قبله.»

گفته شد: حدّ قبله کدام است؟ فرمود:

«ما بین المشرق والمغرب قبله کله»

«بین مشرق و مغرب، همه آن قبله است.»

گفته شد: اگر کسی به سمت غیر قبله نماز بخواند، یا در روز ابری، در غیر وقت نماز بخواند، تکلیفش چیست؟ فرمود:
 «یعیّد» (۱۷۷).

«نماز را اعاده کند.»

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْكَعْبَةَ قِبْلَةً لِأَهْلِ الْمَسْجِدِ وَجَعَلَ الْمَسْجِدَ قِبْلَةً لِأَهْلِ الْحَرَمِ، وَجَعَلَ الْحَرَمَ قِبْلَةً لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (۱۷۸).

«خداوند متعال، کعبه را قبله اهل مسجد الحرام، و مسجد را قبله اهل حرم، و حرم را قبله جهانیان قرار داده است.»

۴ - در حدیث آمده است که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید که: من نماز عصر را در بالای کوه ابوقیس خواندم و کعبه پایین‌تر از من قرار داشت آیا نمازم کفایت می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود:

«نعم، إِنَّهَا قِبْلَةٌ مِنْ مَوَاضِعِهَا إِلَى السَّمَاءِ» (۱۷۹).

«بلی. کعبه، از محلّ خود تا به آسمان، قبله است.»

۵ - از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که درباره این آیه شریفه: (وَالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) فرمود:

«الجدی، لآنه نجم لا يزول، وعليه بناء القبلة وبه يهتدي اهل البرّ والبحر» (۱۸۰).

«مقصود ستاره جدی است زیرا این ستاره ثابتی است و قبله هم بر مبنای آن قابل تشخیص است و اهل خشکی و دریا با همین ستاره راه خود را می‌یابند.»

۶ - سماعه بن مهران روایت می‌کند که از امام معصوم پرسیده است که اگر خورشید و ماه و ستارگان دیده نشوند، در روز و شب چگونه باید نماز گزارد؟ امام فرمود:

«تجهد رأیک، وتعتمد القبلة بجهدک» (۱۸۱).

«اعمال نظر می‌کنی، و به هر سو که به نظرت قبله باشد نماز می‌گزاری.»

۷ - زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم درباره قبله شخص متخیر یعنی کسی که نمی‌داند قبله به کدام سمت است. امام علیه السلام فرمود:

«یصلی حیث یشاء» (۱۸۲). وروی ایضاً: «أنه یصلی إلى أربعة جوانب.»

«به هر سمت که بخواهد نماز بخواند.» و همچنین در روایت دیگری آمده است که: «او به چهار طرف نماز بخواند.»

۸ - از امام صادق علیه السلام درباره نماز در کشتی سؤال شد. امام فرمود:

«یستقبل القبلة، فإذا دارت فاستطاع أن يتوجه إلى القبلة فلیفعل، وإلا فلیصل حیث توجهت به»، ثم قال: «فإن أمکنه القيام فلیصل قائماً وإلا فلیقعد ثم لیصل» (۱۸۳).

«روبه قبله کند و اگر در هنگام نماز خواندن، کشتی دور بزند، چنانچه بتواند، روبرو قبله کند و گرنه به هر سمت که کشتی او را می‌برد، نماز بخواند. سپس فرمود: اگر ایستادن برای او امکان دارد، ایستاده نماز بخواند و گرنه بنشیند و نماز بگزارد.»

۹ - حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره نماز نافله در حال سوار بودن بر روی شتر و چهارپا. امام فرمود:

«نعم، حیث کان متوجّهاً، وكذلك فعل رسول الله صلی الله علیه وآله» (۱۸۴).

«بلی، هر سو که متوجه است نماز بگزارد و پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نیز چنین کرد.»

۱۰ - از امام صادق علیه السلام روایت شده که درباره این آیه شریفه: (فَأَيُّمَاتُؤَلُّوا فَمَّ وَجْهَ اللَّهِ) فرمود:

«هذا فی النوافل خاصّة فی حال السفر، فأما الفرائض فلا بدّ فیها من استقبال القبلة» (۱۸۵).

«این، تنها درباره نوافل و در حالت سفر است اما در فرائض (نمازهای واجب) باید رو به قبله کرد.»

تفصیل احکام

۱ - محل و جایگاه کعبه (شرفها لله) قبله مسلمانان است، و بر مردم است که در هر کشور و منطقه‌ای باشند، به سمت مسجد الحرام - که کعبه در آن قرار دارد - نماز بگزارند.

۲ - سمت و جانب مسجد الحرام، هر چه که شخص از آن دورتر شود، وسیع‌تر می‌گردد و واجب هم رو کردن به طرف و جهت عرفی مسجد الحرام است، و لذا درست است آنچه گفته‌اند که اهل عراق روبرو رکن عراقی - رکن حجرالاسود - و اهل شام روبرو رکن شامی و مغربی‌ها روبرو رکن مغربی و اهالی یمن روبرو رکن یمانی نماز می‌گزارند، و رو در روبرو گرفتن دقیق، واجب نیست و همین که «روبه سمت قبله» صدق کند کافی است.

۳ - سمت و جهت مسجد الحرام قبله است نه خود ساختمانها، و لذا اگر ساختمانهای کعبه یا مسجد، از بین بروند، باز هم مسلمان روبرو سمت آن نماز می‌خواند، و کسی که در جایگاه بلندتر از کعبه قرار داشته باشد، باز هم به همان سمت نماز می‌خواند و کسی که در داخل کعبه نماز بخواند، به هر طرف که بخواهد بخواند.

۴ - بر مسلمانان لازم است که جایگاه خود را نسبت به کعبه و قبله مشخص سازند تا روبرو سمت مسجد الحرام نمایند. تشخیص و

تعیین قبله هم با هر وسیله‌ای که موجب اعتماد و اطمینان شود، صورت می‌گیرد و احوط این است که تا آنجا درباره قبله جستجو کند که علم‌الیقین حاصل شود، اگرچه بنا بر اقوا، حصول اطمینان نیز کفایت می‌کند.

۵- اگر کسی سمت مسجدالحرام را نداند، باید به امارات و نشانه‌های مورد اعتماد عقلا، که موجب اطمینان می‌شود، عمل کند. از جمله این امارات، امور ذیل است:

الف - قبله یابی بوسیله ستارگان مطابق با موقعیت جغرافیایی شخص در خشکی و دریا و فضا. (۱۸۶)

ب - اعتماد به خبر عادل از مؤمنان یا خبر ثقه از عامه مردم. بدینسان به قبله مناطق و کشورهای که انسان به آنجا می‌رود، می‌توان اعتماد کرد اگر علم به خطا و اشتباه آن نداشته باشد.

ج - قبله را از راه‌های علمی ممکن نیز می‌توان مشخص کرد، از قبیل: حرکت بادها و وضعیت خورشید و ماه در اوقات مختلف و مکانهای مختلف، در صورتیکه برای عقلا، اطمینان آور باشد.

د - اگر امارات و نشانه‌ها، متعارض باشند، باید به آنچه اطمینان آوراست عمل کند و بقیه را رها نماید. پس اگر اجتهاد و جستجو کرد و قبله را تشخیص داد ولی صاحب خانه، قبله را بر خلاف آن جهت، اعلام کرد یا اینکه قبله آن منطقه بر خلاف قبله مورد تشخیص او بود، او باید به آن جهتی عمل کند که اطمینان پیدا کرده است، اما کسی که عاجز از جستجو و تفحص است مانند شخص نابینا و زندانی، باید در بیان امارات یا تعیین قبله یا کمک گرفتن از ابزارهای علمی اطمینان آور، به غیر خود مراجعه کند.

ه - اجتهاد به رأی و قیاس یا اعتماد بر گمان و تصور که شارع مقدس از آنها نهی کرده، جایز نیست زیرا گمان، انسان را به حق نمی‌رساند، و باید مطابق با روشهایی که شرع در نظر گرفته یا عرف عقلا صحت آن را تصدیق کرده، قبله را تشخیص داد.

۶ - کسی که نمی‌تواند جهت قبله را تشخیص بدهد، مخیر است به هر طرف که بخواهد نماز بگذارد و در این مورد قول مشهور و احوط هم این است که به چهار طرف نماز بخواند.

۷ - برای مسافر لازم است که جهت قبله را پیدا کند و جایز نیست نمازهای واجب را سواره بخواند مگر در صورتیکه بتواند بدون اختلال در قبله، نماز را بجا آورد مانند کشتی و قطار و هواپیما. اما حرکت‌های جزئی که در این هنگام ایجاد می‌شود، اشکالی ندارد ولی اگر حرکت به گونه‌ای باشد که باعث سلب استقرار شود مانند قایق در دریای طوفانی یا هواپیمادر هنگام پرواز کردن یا فرود آمدن و مانند آن، پس احوط این است که در صورت امکان، نماز را به تأخیر اندازد تا در یک محل دیگر و با استقرار و آرامش بجا آورد. و بر او لازم است در هنگامیکه در داخل وسیله نقلیه نماز می‌خواند، مواظب قبله باشد و با انحراف وسیله نقلیه از قبله، او خود را به سمت قبله منحرف کند، و اگر نمی‌تواند بطور دقیق، به موازات قبله قرار بگیرد و می‌ترسد نمازش قضا شود، لازم است به هر مقدار که امکان دارد حتی با تکبیره الاحرام، روبه قبله کند و اگر این هم امکان نداشته باشد، نمازش بدون قبله کافی است. همچنین است حکم کسی که مجبور است در حال راه رفتن نماز بخواند.

۸ - جایز است برای شخص در حالت سواره یا راه رفتن، نمازهای نافله را در سفر و حضر، روبه غیر قبله بخواند اما در حالت استقرار، جایز نیست و باید روبه قبله نماز بخواند. و اگر بعضی از نوافل با نذر، واجب شود، حکم آن، حکم سایر نوافل است.

۹ - حکم سایر نمازهای واجب مانند نماز آیات و نماز میت، حکم نمازهای واجب یومیّه است.

احکام استقبال یا روبه قبله کردن

حدیث شریف

۱ - زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره واجبات نماز پرسیدم. امام فرمود:

«الوقت والطهور والقبلة والتوجه والركوع والسجود والدعاء».

«وقت، طهارت، قبله، توجه، رکوع، سجود و دعاء».

قلت: ما سوى ذلك؟ قال: «سنة في فريضة» (۱۸۷).

گفتم: ما سوى اینها؟ فرمود: «سنت است در فريضة».

۲- امام باقر عليه السلام در حدیث دیگر فرمود:

«لا صلاة إلا إلى القبلة» (۱۸۸).

«نماز صحیح نیست مگر رو به قبله».

۳- از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود:

«المريض إذا لم يقدر أن يصلّي قاعداً كيف قدر صلّي، إمّا أن يوجّهه فيومي إيماءً»، وقال: «يوجّهه كما يوجّه الرجل في لحدّه، وبنام على جانبه الأيمن، ثم يومي للصلاة، فإن لم يقدر أن ينام على جنبه الأيمن فكيف ما قدر، فإنه له جائز، وليستقبل بوجهه القبلة، ثم يومي بالصلاة إيماءً» (۱۸۹).

«مريض اگر نتواند نشسته نماز بخواند، هر طور که می‌تواند بجا آورد، روبرو به قبله کند و برای اعمال نماز اشاره نماید. امام عليه السلام فرمود:

روبه قبله شود همانطور که انسان در قبر روبرو به قبله گذاشته می‌شود و به پهلو راست خوابانده شود، سپس برای نماز اشاره کند، و اگر نمی‌تواند به پهلو راست بخوابد، پس هر طور که می‌تواند بخوابد و رو به قبله کند و به نماز اشاره نماید».

۴- از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

«إذا لم يستطع الرجل أن يصلّي قائماً فليصلّ جالساً، فإن لم يستطع جالساً فليصلّ مستلقياً، ناصباً رجله بحيال القبلة يومي إيماءً» (۱۹۰).
«اگر انسان نتواند ایستاده نماز بخواند پس نشسته نماز بگذارد، و اگر نشسته هم نتواند، به پشت بخوابد و پاهایش را به سمت قبله دراز کند در حالیکه کف پاها به طرف قبله باشد، و برای نماز اشاره نماید».

۵- امام باقر عليه السلام فرمود:

«استقبل القبلة بوجهك، ولا تقلّب بوجهك عن القبلة فتفسد صلاتك، فإنّ الله عزّ وجلّ يقول لنبیّه فی الفريضة: (قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (۱۹۱).

«با صورت خود، روبرو به قبله کن، رو را از قبله برنگردان و گرنه نمازت باطل می‌شود زیرا خداوند به پیامبر می‌فرماید: (قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ) (یعنی: رویت را به سمت مسجد الحرام کن و هر جا باشید به سمت مسجد الحرام رو کنید».

۶- از امام صادق عليه السلام روایت شده درباره مردی که به سوی غیر قبله نماز خوانده و در اثنای نماز و قبل از فراغت از نماز متوجه شده است. امام فرمود:

«إن كان متوجّهاً فيما بين المشرق والمغرب فليحوّل وجهه إلى القبلة ساعة يعلم، وإن كان متوجّهاً إلى دبر القبلة فليقطع صلاته ثم يحوّل وجهه إلى القبلة ثم يفتتح الصلاة» (۱۹۲).

«اگر رو به سمت ما بین مشرق و مغرب دارد پس در همان لحظه‌ای که متوجه می‌شود، صورت خود را به طرف قبله بگرداند، و اگر کاملاً پشت به قبله بوده است، نمازش را قطع کند سپس رو به قبله بایستد و نماز خود را از اول شروع نماید».

۷- از امام علی عليه السلام روایت شده که فرمود:

«من صلّي على غير القبلة وهو يرى أنّه على القبلة، ثم عرف بعد ذلك فلا إعادة عليه إذا كان فيما بين المشرق والمغرب» (۱۹۳).

«کسی که به غیر قبله نماز بخواند و عقیده داشته باشد که رو به قبله نماز خوانده‌است و بعد بفهمد که اشتباه کرده است، اگر رو به سمت بین مشرق و مغرب داشته‌است، اعاده ندارد و نمازش صحیح است.»

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا صَلَّيْتَ وَأَنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ، وَاسْتَبَانَ لَكَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ وَأَنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ وَأَنْتَ فِي وَقْتِ فَأَعَدَّ، وَإِنْ فَاتَكَ الْوَقْتُ فَلَا تَعُدُّ» (۱۹۴).

«اگر رو به غیر قبله نماز گزاردی و بعد برای تو معلوم شد که به غیر قبله نماز خوانده‌ای و وقت نماز هم باقی است، نماز را اعاده کن اما اگر وقت نماز فوت شده است اعاده لازم نیست.»

۹ - همچنین امام صادق علیه السلام در مورد رو به قبله کردن میت فرمود:

«تستقبل بوجهه القبلة، وتجعل قدميه مما يلي القبلة» (۱۹۵).

«میت را رو به طرف قبله قرار می‌دهی به گونه‌ای که قدمهایش به طرف قبله قرار گیرد.»

۱۰ - امام باقر علیه السلام در پاسخ به کسی که درباره سر بردن حیوان پرسیده بود فرمود:

«استقبل بذبيحتك القبلة» (۱۹۶).

«حیوان را رو به قبله قرار ده.»

۱۱ - در روایتی آمده است:

«لا تلبسه (أى السروال) من قیام ولا مستقبل القبلة، ولا إلى الإنسان» (۱۹۷).

«شلوار خود را ایستاده یا رو به قبله و روبه انسان دیگر نپوش.»

۱۲ - ونهی رسول الله صلی الله علیه وآله عن الجماع مستقبل القبلة ومستدبرها (۱۹۸).

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نهی فرمود از مرد با زن خود روبه قبله یا پشت به قبله نزدیکی کند.

تفصیل احکام

اشاره

۱ - کیفیت روبه قبله کردن در هنگام نماز، به عرف برمی‌گردد و برخی از حالات آن به ترتیب ذیل است:

الف - اگر صورت نماز گزار و جلو بدن او به سمت مسجد الحرام باشد کفایت می‌کند اگرچه انگشتان پاها و حالت دستها و زانوها روبه قبله نباشد.

ب - کسی که نشسته نماز می‌خواند، باید صورت و مجموع بدنش را به سوی قبله قرار دهد هر چند که نوک زانوانش به طرف قبله نباشد.

ج - کسی که می‌خواهد به پهلو خوابیده نماز بخواند، باید روبه قبله کندمانند حالت میت در قبرش، اگر به پهلو راست خوابیده باشد، و برعکس وضع میت، اگر به پهلو چپ خوابیده باشد.

د - کسی که به پشت خوابیده نماز بگزارد، احوط این است که در حال نماز، کف پاهایش به طرف قبله باشد به گونه‌ای که اگر بنشیند، روبه قبله قرار گیرد کاملاً مانند وضعیتی شخصی که در حال احتضار، رو به قبله قرار داده می‌شود.

۲ - شخص محتضر، اگر امکان داشته باشد، به روشی که گفته شد روبه قبله گذاشته می‌شود. در هنگام نماز بر میت، جنازه باید طوری قرار گیرد، که سر او به سمت راست نماز گزار باشد. اما در قبر، میت به پهلو راستش گذاشته می‌شود به گونه‌ای که رویش

به طرف قبله باشد.

- ۳- در هنگام ذبح حیوان، باید جلو بدن حیوان روبه قبله قرار گیرد و از باب احتیاط گفته‌اند خود ذابح هم روبه قبله باشد.
- ۴- مستحب است در هنگام قرائت دعا و قرآن و ذکر و در هنگام مرافعه و قضاوت و در سجده شکر و سجده تلاوت آیات سجده قرآن، روبه قبله کند اما در هنگام جماع و نزدیکی با زن و پوشیدن شلوار، روبه قبله کردن کراهت دارد.
- ۵- وجوب روبه قبله کردن در هنگام اضطراب مانند نماز خوف ساقط می‌شود، و همچنین در هنگامیکه انسان مجبور شود در حالت سواره نماز بخواند، و همچنین در ذبح حیوان چموش و یا ساقط شده در چاه.
- ۶- کسی که عمداً روبه قبله نماز نخواند، باید نمازش را اعاده نماید، اما کسی که تعدد نداشته اما جهت قبله را نمی‌دانسته و وقت نماز هم تنگ شده باشد، یا قبله را فراموش کرده باشد، یا اینکه قبله را جستجو کرده اما اشتباه کرده و اندکی از قبله منحرف شده مانند اینکه بین مشرق و مغرب نماز خوانده برای کسی که قبله او به طرف جنوب یا شمال قرار داشته است (۱۹۹)، در این صورت نماز او صحیح بوده و اعاده ندارد، اما اگر پشت به قبله نماز خوانده یا برای کسی که قبله او سمت جنوب است، به سوی مشرق یا مغرب نماز خوانده است، اگر وقت باقی باشد باید نماز را اعاده کند و اگر وقت فوت شده است، اعاده ندارد.
- ۷- کسی که درباره قبله تفحص و جستجو کرده اما اشتباه نموده و پشت به قبله یا کاملاً به سمت راست یا چپ قبله نماز گزارده باشد، پس اگر در وقت، قبله را تشخیص داد، نمازش را اعاده کند و گرنه نمازش صحیح است، اما احتیاط اقتضا می‌کند که در هر دو صورت اعاده کند. شخص جاهل و فراموشکار و غافل نیز همین حکم را دارد، اگرچه احتیاط به اعاده در وقت، در این جا مؤکدتر است و این احتیاط در مورد جاهل به حکم نباید ترک شود.
- ۸- اگر در اثنای نماز معلوم شد که از قبله انحراف دارد، پس اگر انحراف، اندک باشد، باید راست به قبله بایستد و نمازش را ادامه بدهد، اما اگر انحراف به راست یا چپ یا پشت به قبله است، باید نماز را از نو بجای آورد.

حدیث شریف

- ۱- محمد بن مسلم روایت می‌کند که: امام باقر علیه السلام را دیدم که در یک پوشش واحد که فراخ هم نبود و آن را به گردن خود گره زده بود، نمازمی گزارد. گفتم: نظر شما چیست درباره کسی که در یک پیراهن نمازمی گزارد؟ فرمود: «إِنْ كَانَ كَثِيفًا فَلَا بَأْسَ بِهِ، وَالْمَرْأَةُ تَصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمَقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا» (۲۰۰).
- «اگر ضخیم باشد اشکال ندارد. و زن می‌تواند با پیراهن زنانه و مقنعه نماز بخواند اگر پیراهنش ضخیم باشد و بدنش را بپوشاند.»
- ۲- امام علی علیه السلام فرمود: «عليكم بالصفيق من الثياب، فإن من رقبته رقبة دينة، ولا يقوم أحدكم بين يدي الرب جل جلاله وعليه ثوب يشق. تجزى الصلاة للرجل في ثوب واحد يعقد طرفيه على عنقه، وفي القميص الصفيق يزّ عليه» (۲۰۱).
- «بر شما باد لباس ضخیم و کلفت، زیرا کسی که لباسش نازک و بدن نما باشد، دین او هم نازک است. هیچ کس از شما نباید با لباس بدن نما در مقابل خداوند بایستد. برای مرد، نماز در یک جامه واحد که دو طرفش را به گردش ببندد، کفایت می‌کند و همچنین در پیراهن ضخیمی که آن را بر خود دگمه کند.»
- ۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «لا يصلح للمرأة المسلمة أن تلبس من الخمر والدروع ما لا يوارى شيئاً» (۲۰۲).
- «برای زن مسلمان شایسته نیست که از پوشش‌ها و پیراهن‌ها، چیزی را بپوشد که هیچ چیزی را نپوشاند.»
- ۴- امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که امام علی علیه السلام فرمود:

«إذا حاضت الجارية فلا تصلّي إلّا بخمار» (۲۰۳).

«دختر، زمانی که حیض دید، نباید نماز بخواند مگر با پوشش» (۲۰۴).

۵- از امام کاظم علیه السلام سؤال شد درباره مردی که نماز خوانده و عورت او بیرون (بدون پوشش) بوده و او نمی‌دانسته است آیا باید نمازش را اعاده کند؟ امام علیه السلام فرمود:

«لا إعادة علیه، وقد تمت صلاته» (۲۰۵).

«اعاده ندارد و نمازش صحیح است.»

۶- امام باقر علیه السلام فرمود:

«من غرقت ثیابه فلا ینبغی أن یصلی حتی یخاف ذهاب الوقت، یتبغی ثیاباً، فإن لم یجد صلّی عریاناً جالساً یومیّ إیماءً یجعل سجوده اخفض من رکوعه، فإن كانوا جماعة تباعدوا فی المجالس، ثم صلّوا كذلك فرادی» (۲۰۶).

«کسی که لباس هایش را آب برده است، نباید نماز بخواند تا زمانی که از فوت وقت نماز بترسد. او باید در صدد پیدا کردن لباس باشد پس اگر نیافت، برهنه نماز بخواند درحالی‌که نشسته باشد و برای اعمال نماز اشاره کند و برای سجده بیشتر از رکوع خم شود. و اگر گروهی با این حالت باشند، در جاهای دور از همدیگر بنشینند و فرادی نماز بگذارند.»

تفصیل احکام

۱- پوشاندن بدن در هنگام نماز بر مرد و زن واجب است اعم از اینکه کسی باشد که به او نگاه کند یا نباشد. همچنین پوشاندن بدن واجب است در انجام دادن توابع نماز مانند قضای سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و همچنین بنا بر احتیاط مستحب در سجده سهو. در نماز میت، پوشاندن بدن واجب نیست ولی مستحب است، و همچنین در سجده تلاوت آیات سجده قرآن و در سجده شکر واجب نیست.

در وجوب پوشاندن بدن، بین نمازهای واجب و نمازهای مستحب فرقی وجود ندارد.

۲- مقدار پوشش واجب بر مرد در حال نماز، پوشاندن هر دو عورت است و مستحب است از زانو تا ناف را بپوشاند.

۳- اما مقدار پوشش واجب بر زن، پوشاندن همه بدن حتی سر و موهاست جز صورت و دستها تا مچ و ظاهر و باطن پاها تا مچ.

۴- بر زن در حال نماز واجب نیست که آرایشهایی که در صورت داردمانند سرمه، سرخه و سایر روغن‌ها و کرمهای زینتی و یا زیور آلات خود را بردارد و یا بپوشاند. هر چند که ممکن است پوشاندن آنها را از نگاه بیننده نامحرم واجب بدانیم. احوط این است که مویی را که به موی اصلی خود پیوند زده هم بپوشاند.

۵- دختری که هنوز به سن بلوغ شرعی نرسیده، هر چند قائل به صحت و مشروعیت نماز او باشیم، پوشاندن موی و سر و گردن بر او در حال نماز واجب نیست.

۶- اگر زن یا مرد، از اول نماز یا در اثنای نماز، عمداً پوشش را ترک کند، نماز او باطل می‌شود. اما اگر از ابتدا یا در اثناء، پوشش را فراموش کند، یا از باب غفلت، ترک کند، اقوا صحیح بودن نماز او است اگرچه احتیاط، اقتضا دارد که بعد از تمام کردن نماز، دوباره آن را بجا آورد. اما کسی که از باب ندانستن حکم شرعی، پوشش را ترک کند بنا بر احتیاط مانند کسی است که عمداً ترک کرده باشد.

۷- اگر در اثنای نماز، به علت وزیدن باد یا غفلت نماز گزار، قسمتی از اعضای که پوشاندن آن در نماز واجب است، برهنه شود، نماز او باطل نمی‌شود، ولی هنگامی که متوجه شد، واجب است فوراً آن را بپوشاند و نمازش صحیح است، ولی احتیاط ایجاب می‌کند که نماز را بعد از اتمام، دوباره بجا آورد مخصوصاً در صورتیکه پوشاندن بدن، وقت زیادی را طلبد.

۸- اگر لباس نمازگزار، پاره یا کوتاه باشد به گونه‌ای که مقدار واجب رادر بعضی از حالات مانند حالت ایستاده، بیوشاند اما در حالت دیگر مانند رکوع یا سجود، بیوشاند، شروع به نماز با آن لباس جایز است به شرطی که نمازگزار، به هر طریق ممکن بتواند عورت خود را در آن حالت دیگر، قبل از آشکار شدن، بیوشاند.

۹- جایز است از برگهای درخت، علف، گیاه، پنبه و پشم به عنوان ساتر و پوشش استفاده شود ولی احتیاط ایجاب می‌کند که از این پوشش‌ها تنها در حالات اضطرار استفاده شود. پوشاندن با مالیدن گل کفایت نمی‌کند مگر در حالات استثنائی. در شرایط عادی بهتر این است که بدن بالباسهای متعارف و معمولی پوشانده شود.

۱۰- کسی که پوشش شرعی واجد شرایط آتی ندارد، واجب است که هر چند با خریدن یا اجاره حتی به بیشتر از قیمت معمولی بازار، آن را تهیه کند مگر در صورتیکه اجحاف به حال او یا ضرر به مال او حساب شود. همچنین، قبول هبه، یا عاریه گرفتن، اگر در آن حرجی نباشد، بر او واجب است، بلکه می‌توان گفت: درخواست هبه و عاریه واجب است اگر مشقت و حرج نداشته باشد.

۱۱- کسی که پوشش شرعی ندارد ولی احتمال می‌دهد که تا قبل از پایان وقت بدست آورد، از باب احتیاط و بلکه بنا بر اقوا واجب است که نماز را از اول وقت به تأخیر اندازد تا لباس پیدا شود و اگر هم پیدا نشد به حسب وظیفه شرعی خود در آخر وقت نماز را بجا آورد.

۲- شرایط لباس نمازگزار

اشاره

علاوه بر چگونگی پوشش واجب در نماز که جزئیات آن ذکر گردید، لباس نمازگزار، شش شرط دارد:

۱- طاهر باشد.

۲- مباح باشد.

۳- از اجزاء مردار نباشد.

۴- از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد.

۵ و ۶- لباس نمازگزار مرد، از طلا و ابریشم نباشد.

تفصیل و جزئیات این شرایط را در سطور ذیل بیان می‌کنیم:

اول - طهارت

حدیث شریف

۱- خیران خادم می‌گوید: به امام معصوم علیه السلام نوشتم که شخصی لباسش، به شراب یا گوشت خوک آلوده شده، آیا می‌تواند با آن لباس نماز بخواند؟ اصحاب ما در این مورد اختلاف کرده‌اند، برخی می‌گویند: با آن نماز بخوان زیرا خداوند تنها نوشیدن شراب [و خوردن گوشت خوک] را حرام کرده است. برخی هم می‌گویند: با این لباس نماز نخوان. امام علیه السلام در جواب نوشت:

«لا تصلّ فيه فإنّه رجس» (۲۰۷).

«با این لباس نماز مگزار زیرا آن رجس و پلیدی است.»

۲- امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا بأس بالصلاة في الشيء الذي لا تجوز الصلاة فيه وحده، يصيب القدر، مثل القلنسوة والتكئة والجورب» (۲۰۸).

«چیزی که با آن به تنهایی نماز خوانده نمی‌شود مانند کلاه، بند شلوار و جوراب، اگر نجاست به آن اصابت کند، نماز خواندن با آن اشکال ندارد.»

۳- زراره در حدیث طولانی نقل کرده که صاحب وسائل آن را، قطعه‌قطعه نقل کرده است وی می‌گوید: از امام علیه السلام پرسیدم که به لباس من خون دماغ یا غیر آن یا منی اصابت کرده است، و من آن را علامت گذاری کردم تا این که آب پیدا کنم، پس آب پیدا کردم، و وقت نماز رسید ولی من فراموش کردم که لباسم نجس است و نماز خواندم و بعد از آن به یاد آوردم؟ امام علیه السلام فرمود:

«تعید الصلاة وتغسله.»

«نماز را اعاده می‌کنی و لباس را می‌شویی.»

قلت: فإن لم أكن رأيت موضعه وعلمت أنه أصابه فطلبت فلم أقدر عليه، فلما صليت وجدته؟

گفتم: اگر محل نجاست را ندیدم ولی می‌دانستم که نجاست به آن اصابت کرده، و هر چند جستجو کردم محل آن را نیافتم و زمانی که نماز گزاردم، یافتم؟ امام علیه السلام فرمود:

قال: «تغسله وتعید» (۲۰۹).

«لباس را می‌شویی و نماز را اعاده می‌کنی.»

قلت: فإن ظننت أنه قد أصابه ولم أتقن ذلك، فنظرت فلم أر فيه شيئاً ثم صليت فرأيت فيه؟

گفتم: اگر گمان کردم که نجاست به لباسم رسیده ولی یقین حاصل نکردم و نگاه کردم و چیزی ندیدم، سپس نماز گزاردم و بعد نجاست را دیدم؟ فرمود:

«تغسله، ولا تعید الصلاة.»

«لباس را می‌شویی ولی نماز را اعاده نمی‌کنی.»

گفتم: چرا؟ فرمود:

«لأنك كنت على يقين من طهارتك ثم شككت فليس ينبغي لك أن تنقض اليقين بالشك أبداً» (۲۱۰).

«چون تو یقین به طهارت داشتی و بعد شک کردی. پس هیچ وقت سزاوار نیست که یقین خود را به شک نقض نمایی.»

گفتم: اگر بدانم که نجس شده ولی محل نجاست را ندانم تا آن را بشویم؟ فرمود:

«تغسل من ثوبك الناحية التي ترى أنه أصابها، حتى تكون على يقين من طهارتك.»

«آن قسمتی را که فکر می‌کنی نجس شده بشوی تا یقین به طهارت خود پیدا کنی.»

گفتم: اگر شک کردم که نجاست به لباسم اصابت کرده یا نه، آیا لازم است بر من که در آن جستجو کنم؟ فرمود:

«لا، ولكنك إنما تريد أن تذهب الشك الذي وقع في نفسك» (۲۱۱).

«نه، ولی تو می‌خواهی شکی را که در دلت ایجاد شده از بین برداری.»

قلت: إن رأيت في ثوبي وأنا في الصلاة.

گفتم: اگر نجاست را در لباسم دیدم در حالیکه من مشغول نماز هستم؟ فرمود:

«تنقض الصلاة وتعید إذا شككت في موضع منه ثم رأيت، وإن لم تشك ثم رأيت رطباً قطعت وغسلته ثم بنيت على الصلاة لأنك لا

تدرى لعله شيء واقع عليك، فليس ينبغي أن تنقض اليقين بالشك أبداً» (۲۱۲).

«نماز را قطع می‌کنی و اعاده می‌کنی در صورتیکه در محلی از لباست، اول شک کرده‌ای و سپس نجاست را دیده‌ای. اما اگر اول

شک نداشته‌ای و بعد لباس را دیده‌ای، نماز را قطع می‌کنی و لباس را می‌شویی، سپس بنابر ادامه نماز می‌گذاری چون نمی‌دانی شاید چیزی به تو رسیده باشد، پس شایسته نیست به هیچ وجه یقین خود را به شک نقض نمایی.

۴- از امام صادق علیه السلام سؤال شد درباره مردی (شخصی) که ادرار می‌کند، پس قطره‌ای از بول به بدنش اصابت می‌کند و او نماز می‌خواند و بعد از نماز به یاد می‌آورد که بدنش را نشسته است؟ امام علیه السلام فرمود:
«یغسلها ویعید الصلاة» (۲۱۳).

«بول را بشوید و نمازش را اعاده نماید.»

۵- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«إن أصاب ثوب الرجل الدم فصلی فيه وهو لا يعلم فلا إعادة علیه، وإن هو علم قبل أن یصلی فینسی وصلی فيه فعلیه الإعادة» (۲۱۴).
«اگر خون به جامه مردی (شخصی) برسد و او نداند و با آن نماز بخواند، اعاده ندارد، اما اگر قبل از نماز بداند ولی فراموش کند و با آن نماز بگذارد، اعاده نماز واجب است.»

۶- امام علی علیه السلام فرمود:

«ما أبالی أبول أصابنی أم ماء إذا لم أعلم» (۲۱۵).

«باکی ندارم از اینکه بول به من اصابت کرده باشد یا آب تا زمانی که علم پیدا کنم.»

۷- ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره مردی (شخصی) که در لباس نجس به جنابت، دو رکعت نماز خوانده است و بعد از آن علم به نجاست پیدا کرده است؟ فرمود:
«علیه أن یتبدأ الصلاة».

«نماز را باید از اول شروع کند.»

بعد پرسیدم درباره کسی که لباس او به جنابت یا خون، نجس است اما او بعد از فراغت از نماز علم به نجاست پیدا کرده است؟ فرمود:

«مضت صلاته ولا شیء علیه» (۲۱۶).

«نماز او صحیح است و چیزی بر او نیست.»

۸- محمد بن مسلم می‌گوید: به امام علیه السلام گفتم: در حال نماز خواندن، در جامه‌ام خون می‌بینم، چه کنم؟ فرمود:

«إن رأیته وعلیک ثوب غیره فاطرحه وصل فی غیره، وإن لم یکن علیک ثوب غیره فامض فی صلاتک ولا إعادة علیک ما لم یزد علی مقدار الدرهم، وما کان أقل من ذلک فلیس بشیء، رأیته أو لم تره، وإذا كنت قد رأیته وهو أكثر من مقدار الدرهم فضیعت غسله وصلیت فيه صلاة كثيرة فأعد ما صلیت فيه» (۲۱۷).

«اگر خون را دیدی در حالیکه جامه دیگر نیز بر بدن داری، جامه نجس را بیرون آور و با آن جامه دیگر نماز را ادامه بده، و اگر غیر از آن، جامه دیگر بر تن نداری، به نمازت ادامه بده و اعاده بر تو نیست اگر آن خون از مقدار یک درهم بیشتر نباشد. و اگر کمتر از یک درهم باشد، اشکالی ندارد چه آن را دیده باشی یا ندیده باشی. اما اگر آن را دیدی و بیشتر از یک درهم بود و آن را نشستی و با آن نماز زیاد خواندی، همه نمازهایی را که با آن خوانده‌ای اعاده کن.»

۹- صفوان بن یحیی به امام ابوالحسن علیه السلام نوشت و پرسید درباره مردی (شخصی) که دو لباس دارد و یکی از آنها به بول نجس شده است اما او نمی‌داند کدام یک از آن دو است، و وقت نماز هم رسیده و از فوت وقت می‌ترسد و آب هم ندارد، چه کند؟ فرمود:

«یصلی فیهما جمیعاً» (۲۱۸).

«در هر دو لباس نماز بگزارد.»

تفصیل احکام

- ۱ - شرط اول لباس نماز گزار این است که همه لباسهای او، و همچنین بدن او، در حال نماز طاهر باشد، و اگر عمداً با لباس یا بدن نجس نماز بخواند، نماز او باطل است.
- ۲ - قطعه‌های کوچک لباس که به تنهایی نمی‌تواند مقدار واجب از بدن انسان را بپوشاند، مانند جوراب و کلاه، از این شرط استثنا شده است که سخن درباره آنها می‌آید.
- ۳ - حکم کسی که نجاست چیزی از نجاسات را نمی‌داند یا شرط بودن طهارت را در نماز نمی‌داند، مانند حکم عامد است، یعنی نماز او باطل است.
- ۴ - حکم لباس را دارد هر چیزی که نماز گزاری که در حالت خواب نماز می‌خواند، خود را به آن پیچیده است، اعم از اینکه پوشش و ساتر باشد یا اینکه ساتر و پوشش اصلی غیر از آن باشد. اگر چه اقوا این است که اگر ساتر نباشد و معمولاً لباس محسوب نشود، طهارت آن شرط نیست.
- ۵ - نماز تنها در صورتی باطل است که نماز گزار علم به وجود نجاست در لباس یا بدنش داشته باشد. این قاعده دارای فروع ذیل است:
 - الف - اگر نماز گزار بعد از فراغت از نماز بفهمد که جامه یا بدنش نجس بوده است، نماز او صحیح است ولی احتیاط مستحبی این است که اگر وقت باقی باشد اعاده کند.
 - ب - اگر نماز گزار می‌داند که جامه یا بدنش نجس است ولی فراموش کرده و با نجاست نماز خوانده است، پس اگر وقت باقی است باید اعاده کند، و اگر وقت فوت شده، بنابر احتیاط واجب، باید قضا نماید و فرقی بین علم به نجاست، بعد از نماز یا در اثنای آن نیست.
 - ج - اگر در اثنای نماز بفهمد که قبلاً (یعنی پیش از نماز) نجاستی در جامه یا لباسش وجود داشته است، اگر وقت زیاد است، نماز او باطل است. اما اگر وقت تنگ باشد، چنانچه امکان دارد که لباس خود را فوراً تطهیر یا عوض کند بدون اینکه موجب قطع نماز شود، اقدام کند و نمازش را تمام نماید و صحیح است، اما اگر امکان نداشته باشد، با همان حال نماز را تمام کند و صحیح است.
 - د - اگر در اثنای نماز بفهمد که در حال نماز، بدن یا لباس او نجس شده است، یا به وجود نجاست پی ببرد و احتمال دهد که در حین نماز، ایجاد شده باشد، پس اگر وقت، وسیع است و می‌تواند بدون انجام آنچه با نماز منافات دارد، لباسش را تطهیر یا عوض کند یا می‌تواند آن لباس نجس را از بدن بیرون آورد چون لباس دیگر هم به تن دارد، پس همان کار را انجام دهد و نماز را تمام نماید و صحیح است. اما اگر نتواند، نماز را باید اعاده کند. ولی اگر وقت تنگ باشد، با همان نجاست نماز را تمام کند و چیزی بر او نیست.
 - ۶ - بنابر قاعده پیشین، جهل به نجاست، موجب بطلان نماز نمی‌شود هر چند نماز در واقع با نجاست انجام شده باشد. نمونه‌ها و مثالهای این قاعده فراوان است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
 - الف - زمانی که جامه نجس خود را تطهیر کند و یقین به طهارت آن پیدا نماید ولی بعد از نماز متوجه شود که نجاست آن باقی مانده است، نماز او صحیح است.
 - ب - اگر لباسش قبلاً طاهر بوده، سپس در نجاست آن شک کند و بعد از نماز بفهمد که واقعاً نجس بوده است، نماز او صحیح است چون همانطور که در حدیث شریف آمد - یقین، هیچگاه به واسطه شک نقض نمی‌شود.

- ج - اگر بداند لباسش نجس بوده است ولی مسؤول تطهیر آن یا دوشاهد عادل از طاهر شدن آن خبر دهند و با آن نماز بخواند و بعد از نماز کشف خلاف شود، نماز او صحیح است.
- د - اگر مقداری خون یا چیزی نجس دیگر بریزد و شک کند که آیا روی لباسش ریخته یا روی زمین، و بعد از نماز بفهمد که روی لباسش ریخته است، نمازش صحیح است.
- ه - اگر در بدن یا لباسش خونی ببیند و یقین کند که از آن خون هایی است که ضرر به صحت نماز ندارد مانند خون پشه، یا خون زخمی که در نماز عفو شده، یا خیال کند که آن خون کمتر از یک درهم است ولی بعد از نماز کشف شود که از خونهای غیر مجاز در نماز یا بیشتر از مقدار مجاز بوده است، نمازش صحیح است.
- و - اگر بداند چیزی نجس است ولی فراموش کند و بعد با لباس یا بدن مرطوب آن را لمس نماید و بعد از نماز، نجاست آن چیز را به یاد آورد، نمازش صحیح است.
- ۷ - کسی که جز یک لباس نجس، لباس دیگری ندارد، با آن نماز بخواند و نمازش صحیح است مخصوصاً در صورتیکه بخاطر سردی هوا، یا بیماری یا حضور بیننده محترم، بیرون کردن آن لباس امکان نداشته باشد، اما اگر خارج کردن آن لباس امکان داشته باشد مثل اینکه او در یک مکان پوشیده، یا تنها در بیابان باشد، در این صورت نیز با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط مستحب این است که در حالت برهنه هم نماز را تکرار کند.
- ۸ - کسی که دو جامه دارد و می داند یکی از آن دو بطور نامعین نجس است، اگر وقت وسیع باشد نماز را با هر دو جامه تکرار کند، اما اگر تکرار نماز بخاطر ضیق وقت امکان نداشته باشد، در یکی از آنها در وقت نماز بخواند، و از باب احتیاط با لباسی دیگر هم در خارج وقت قضا نماید، و می تواند در آن جامه دیگر نماز بگذارد.

مواردی که از شرط طهارت استنا شده است

حدیث شریف

- ۱ - لیث مرادی روایت می کند که: به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی است که بدن او پر از دملها و زخم است، پوست بدن و لباسش، خونین و چرکین است و لباسش به منزله پوست بدنش است. امام فرمود:
- «یصلی فی ثیابه ولا یغسلها ولا شیء علیه» (۲۱۹).
- «در همان لباسش نماز بخواند و لازم نیست آن را بشوید و چیزی بر او نیست.»
- ۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:
- «إذا کان بالرجل جرح سائل فأصاب ثوبه من دمه فلا یغسله حتی یرأوینقطع الدم» (۲۲۰).
- «اگر در بدن شخص، زخمی باشد که خون از آن جریان دارد و لباسش هم خونین شده باشد، لازم نیست خون را بشوید تا اینکه بهبود یابد و خون قطع شود.»
- ۳ - امام باقر علیه السلام درباره خونی که در لباس است فرمود:
- «إن کان أقل من قدر الدرهم فلا یعید الصلاة، وإن کان أكثر من قدر الدرهم وکان رآه فلم یغسل حتی صلی فلیعد صلاته، وإن لم یکن رآه حتی صلی فلا یعید الصلاة» (۲۲۱).
- «اگر کمتر از مقدار درهم باشد، نماز را اعاده نکند، و اگر بیشتر از مقدار درهم باشد و آن را دیده ولی نشسته باشد و نماز بخواند، نمازش را باید اعاده نماید. اما اگر آن را ندیده و نماز خوانده باشد، نماز را اعاده نکند.»

۴ - ابوبصیر از یکی از دو امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت می‌کند که فرمود:

«لا تعاد الصلاة من دم لا تبصره غیر دم الحيض فإن قليله وكثيره في الثوب إن رآه أو لم يره سواء» (۲۲۲).

«اگر خون را نبینی، نماز اعاده نمی‌شود مگر خون حیض که قلیل و کثیر آن در لباس، ببیند یا نبیند یکسان است.»

۵ - محمد حلبی از امام صادق علیه السلام پرسید درباره مردی (شخصی) که در لباسش جنب شده یا اینکه بول به آن رسیده و جامه دیگر هم ندارد؟ امام فرمود:

«يصلّى فيه إذا اضطرّ إليه» (۲۲۳).

«اگر مضطرّ باشد در همان لباس نماز بخواند.»

۶ - از امام صادق علیه السلام سؤال شد درباره زنی که تنها یک پیراهن دارد و نوزادی دارد که بر آن ادرار می‌کند، چه کند؟ فرمود:

«تغسل القميص في اليوم مرّة» (۲۲۴).

«آن پیراهن را روزی یکبار بشوید.»

تفصیل احکام

از شرط طاهر بودن لباس و بدن نماز گزار، موارد چندی براساس روایات وارد، استثنا شده است:

۱ - آلوده شدن لباس یا بدن نماز گزار به خون زخمهایی که فعلاً در بدن او موجود باشد، تا این که کاملاً بهبود یابد. در این حالت، نماز با این خون جایز است، در صورتیکه عوض کردن لباس یا برطرف کردن خون از بدن و تطهیر آن دشوار باشد و به شرط اینکه زخم، بزرگ و ثابت باشد. اما زخم‌های کوچکی که بطور آنی و مقطعی ایجاد شده و به سرعت بهبود می‌یابد، خون این نوع زخمها در نماز بخشوده نیست.

بنابراین خونهایی که در اثر حوادث رانندگی و تصادف یا عمل جراحی، لباس و بدن شخص آسیب دیده را آلوده می‌کند و برطرف کردن آنها دشوار است، در نماز بخشوده شده است و نماز با آنها صحیح است.

اما خون دماغ یا خون دهن و لثه، از خونهای بخشوده شده محسوب نمی‌گردد زیرا این خونها، خون رخم نیست.

۲ - آلوده شدن بدن یا لباس به خون کمتر از یک درهم - که بنابر مشهور به اندازه بند انگشت شست دست انسان است - چه این خون از خود انسان باشد یا از غیر او یا از حیوان حلال گوشت. این حکم، خون حیض و نفاس را شامل نمی‌شود. اما با خون استحاضه، خون حیوانات نجس، خون مردار (میته) و خون حیوان حرام گوشت، بنابر احتیاط واجب، نماز صحیح نیست. شرط این مسأله این است که به خون، رطوبت دیگری نرسد، در غیر این صورت، از باب احتیاط، نماز صحیح نیست.

۳ - در حالات اضطرار، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است مانند موارد ذیل:

الف - عدم امکان تطهیر یا تعویض آن، بخاطر فقدان آب یا نداشتن جامه بدیل، و وجود مانع از برهنه شدن مانند سردی هوا یا بیماری یا حضور بیننده محترم.

ب - عدم امکان تطهیر یا تعویض بخاطر ضیق وقت.

ج - عدم امکان تطهیر یا تعویض بخاطر ترس.

۴ - زنی که مربی و پرستار کودک است، می‌تواند با لباس نجس شده به بول کودک، نماز بگذارد، و نماز او با شرایط ذیل صحیح است:

الف - امکان نداشتن تعویض لباس بخاطر نداشتن لباس دیگر یا به هر دلیل دیگر.

ب - شستن لباس نجس در هر روز یکبار.

گفته شده است که بدن زن مربی کودک، حکم لباس او را دارد ولی این قول مشکل است.

۵- تگه‌های کوچک از پوشیدن آنها که به تنهایی با آنها ستر عورت امکان ندارد، مانند: جوراب، کلاه، نعل، دستمال کوچک، کروات، کمربند و مانند آنها اگر نجس باشند نماز با آنها صحیح است، بشرطی که از اجزاء مردار (میته) یا حیوان نجس العین نباشند.

دوم - اباحه

حدیث شریف

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

«لو أنّ الناس أخذوا ما أمرهم الله فأنفقوه فيما نهاهم عنه ما قبله منهم، ولو أخذوا ما نهاهم الله عنه فأنفقوه فيما أمرهم الله به ما قبله منهم حتى يأخذوه من حق وينفقوه في حق» (۲۲۵).

«اگر مردم آنچه را خداوند به آن امر کرده، بگیرند و آن را در آنچه او آنها را از آن نهی کرده، انفاق کنند، این انفاق را از آنان قبول نمی‌کند، همچنین اگر آنچه را خداوند از آن نهی کرده بگیرند و آن را در آنچه خداوند امر کرده، انفاق کنند، از آنان نمی‌پذیرد، مگر اینکه از راه حق بگیرند و در راه حق انفاق نمایند.»

۲- از «تحف العقول» نقل شده که امام علی علیه السلام در وصیت خود به کمیل فرمود:

«یا کمیل، انظر فی ما تصلّی وعلی ما تصلّی إن لم یکن من وجهه وجلّه فلا قبول» (۲۲۶).

«ای کمیل! بین که در چه نماز می‌گزاری و بر روی چه نماز می‌گزاری. اگر از طریق شرعی و حلال نباشد، نماز تو مورد قبول حق تعالی نخواهد بود.»

۳- از امام مهدی (عج) نقل شده:

«لا یحلّ لأحد أن یتصرّف فی مال غیره بغیر اذنه» (۲۲۷).

«برای هیچ‌کس، تصرّف در مال غیر بدون اذن او، حلال نیست.»

تفصیل احکام

در صحت نماز - به حسب فتوای مشهور - شرط است که لباس نمازگزار مباح باشد یعنی غصبی نباشد. این حکم که موافق احتیاط است فروعی دارد:

۱- فرقی نیست در اینکه خود نمازگزار، لباس را غصب کرده باشد یا غیر او.

۲- فرقی نیست در اینکه آن لباس غصب شده، همان پوشش واجب در نماز باشد یا اینکه از لباسهای اضافی در بدن نمازگزار باشد و حتی تگه‌های کوچک مانند جوراب و کلاه هم بنابر اظهر همین حکم را دارد.

۳- نماز در جامه غصبی در حالات ذیل باطل می‌شود:

الف - نمازگزار در پوشیدن آن تعمد داشته و از باب اضطرار نپوشیده باشد.

ب - نمازگزار علم به غصب داشته باشد.

۴- اما اگر از باب اضطرار مانند اینکه برای حفظ جان خود از سرما و مرض لباس غصبی را بپوشد و لباس دیگری نداشته باشد، یا به جهت حفظ مال غیر آن را بپوشد، چون اگر نپوشد در معرض سرقت یا تلف خواهد بود، در این صورت نماز او صحیح می‌باشد.

۵- اگر از باب فراموشی یا ندانستن غصبی بودن، با جامه غصبی نماز بخواند، و بعد در اثنای نماز به یاد بیاورد یا بفهمد که غصبی

است، اگر بدون اختلال به هیئت نماز، می‌تواند آن را از بدن خارج کند و سائر دیگر هم بر تن دارد، فوراً این کار را انجام داده و به نماز خود ادامه دهد. اما اگر این کار امکان نداشته باشد و وقت وسیع باشد، نماز را قطع نماید. و بعد بالباس مباح، نماز را از نو بخواند، ولی اگر وقت تنگ باشد، در اثنای نماز، آن لباس غضبی را از تن بیرون کند و اگر مانعی در میان نباشد، مطابق وظیفه برهنگان نماز بخواند.

۶- بسیاری از فقها گفته‌اند: از موارد غضب است اینکه انسان با جامه‌ای نماز بخواند که آن را از مالی خریده باشد که حقوق شرعی مانند خمس و زکات به آن تعلق گرفته است. این قول موافق با احتیاط است.

سوّم - اجتناب از مردار (میته)

حدیث شریف

۱- محمد بن مسلم می‌گوید که او از امام علیه السلام پرسیده است درباره پوست حیوان مردار که اگر دباغی شود آیا پوشیدن آن در نماز جایز است؟ امام فرمود:

«لا، ولو دباغ سبعین مرّة» (۲۲۸).

«نه، هر چند هفتاد بار هم دباغی شود.»

۲- امام صادق علیه السلام درباره مردار گفت:

«لا تصلّ فی شیء منه ولا فی شسع» (۲۲۹).

«با هیچ چیزی از آن نماز مگزار حتّی اگر بند نعل و کفش از پوست حیوان مردار باشد.»

۳- امام کاظم علیه السلام فرمود:

«لا بأس بالصلاة فی الفراء الیمانی و فیما صنع فی أرض الإسلام.»

«نماز در پوستین یمانی و در آنچه در سرزمین اسلام تولید شده، اشکال ندارد.»

گفته شد: اگر در سرزمین اسلام، غیر مسلمانان هم ساکن باشند چه باید کرد؟ فرمود:

«إذا كان الغالب علیها المسلمین فلا بأس» (۲۳۰).

«اگر اغلب و اکثریت آنان، مسلمان باشند، اشکال ندارد.»

۴- امام ابو جعفر دوّم علیه السلام درباره خریدن پوستین از بازار فرمود:

«إذا كان مضموناً فلا بأس» (۲۳۱).

«اگر تضمین شده باشد اشکال ندارد.»

۵- عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من وارد بازار مسلمین می‌شوم یعنی بازار همین مردمی که ادعا دارند مسلمان هستند، و از آنان پوستین برای تجارت می‌خرم و به فروشنده آن می‌گویم: آیا این پوستین تذکیه شده (گرفته شده از حیوانی که به طریق شرعی ذبح شده باشد) است؟ می‌گوید: بلی. آیا من می‌توانم این پوستین را بفروشم با تعهد اینکه پاک و تذکیه شده است؟ امام فرمود:

«لا، ولكن لا بأس أن تبعها وتقول: قد شرط لی الذی اشتريتها منه أنها ذکیه.»

«نه، ولی اشکال ندارد که آن را بفروشی و بگوئی: کسی که من این را از او خریده‌ام به من تعهد داده که پاک و تذکیه شده است.»

گفتم: چه چیزی این معامله را باطل می‌کند؟ فرمود:

«استحلال اهل العراق للمیتة. وزعموا أنّ دباغ جلد المیتة ذکاته، ثمّ لم یرضوا أنّ یکذبوا فی ذلک إلاّ علی رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ وآله» (۲۳۲).

«حلال شمردن اهل عراق مردار را. آنان خیال می‌کنند که پوست حیوان مردار بادباغی طاهر می‌شود. آنان در این مورد راضی نشدند دروغ ببندند مگر بر رسول خدا صلی الله علیه وآله.»

۶- امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا بأس بالصلاة فيما كان من صوف المیتة، إنّ الصوف لیس فیہ روح» (۲۳۳).

«نماز در چیزی که از پشم حیوان مردار است اشکال ندارد زیرا پشم روح ندارد.»

۷- از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

«الشعر والصوف والریش وكلّ نابت لا یكون میتاً» (۲۳۴).

«موی و پشم و پر و هر چه روئیدنی است، مردار محسوب نمی‌شود.»

تفصیل احکام

از شرایط صحّت نماز این است که لباس نمازگزار حتّی قطعه‌های کوچک آن که به تنهایی نمی‌تواند مقدار واجب از بدن را در نماز بپوشاند، نباید از اجزاء حیوان مردار (۲۳۵) مانند پوست و پوستین آن باشد.

جزئیات این شرط بدین شرح است:

۱- در این حکم فرقی بین حیوان حلال گوشت یا حرام گوشت وجود ندارد.

۲- همچنین فرقی نیست بین حیوانی که در هنگام ذبح، خون جهنده دارد و مردار آن نجس است مانند گوسفند، یا حیوانی که خون جهنده ندارد و مردار آن هم نجس نیست مانند ماهی، بنابر احتیاط.

۳- نیز فرقی وجود ندارد بین اینکه پوست حیوان، دباغی شده یا نشده باشد.

۴- جامه‌ای که از اجزای حیوان ساخته شده، اگر از دست مسلمان خریده شود یا اثر استفاده آن توسط مسلمان در آن دیده شود، طاهر محسوب می‌شود به شرط اینکه این وضعیت، علامتی باشد که معمولاً در عرف موجب اطمینان به تذکیر آن می‌شود. اما بازار مسلمانانی که اکثر کالاهای خود را از خارج وارد می‌کنند و به ضوابط شرعی هم اهتمام نمی‌ورزند، یا در کشورهای بی‌گناهی که مردم آن اصلاً به دین و احکام دین اعتنایی ندارند، اعتماد کردن به آنها جایز نیست.

۵- بنابر احتیاط، همراه داشتن چیزی از اجزاء مردار یا چیزی که ساخته شده از اجزاء مردار است، در نماز موجب بطلان نماز است اگرچه لباس و پوشیدنی شمرده نشود.

۶- اگر از روی جهل در لباسی ساخته شده از اجزاء مردار، نماز بخواند، نمازش در دو صورت صحیح است: اول اینکه جاهل به موضوع باشد یعنی نداند که این لباس از مردار ساخته شده است. دوم اینکه جاهل غیر مقصر به حکم باشد یعنی جهل او از روی عذر باشد. اما اگر جاهل او به حکم (باطل بودن نماز با اجزاء مردار) بدون عذر باشد، احتیاط اقتضای کند که نمازش را اعاده کند.

۷- اگر از روی فراموشی در لباسی گرفته شده از مردار، نماز بخواند، پس اگر آن مردار از حیواناتی باشد که در هنگام ذبح، خون جهنده دارد، واجب است نماز را چه در وقت یا خارج آن اعاده نماید، اما اگر از حیواناتی باشد که خون جهنده ندارد، نمازش صحیح است.

۸- در موردی که شک کند آیا لباس او از پوست حیوان مردار یا از غیر پوست ساخته شده است، نماز با آن اشکال ندارد.

چهارم - اجتناب از اجزاء حیوان حرام گوشت

حدیث شریف

۱ - در وصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام آمده است:
«یا علی، لا تصل فی جلد ما لا یشرّب لبنه ولا یؤکل لحمه» (۲۳۶).

«ای علی! در پوست حیوانی که شیرش نوشیده نمی‌شود و گوشتش خورده نمی‌شود نماز مگزار.»

۲ - ابراهیم بن محمد همدانی می‌گوید: به امام معصوم علیه السلام نوشتم که موی یا کرک حیوان حرام گوشت، بر روی لباسم می‌افتد، و شرایط هم شرایط تقیه و ضرورت نیست، چه کنم؟ امام علیه السلام در جواب نوشت:
«لا تجوز الصلاة فیہ» (۲۳۷).

«نماز با آن جایز نیست.»

۳ - ابن مقاتل می‌گوید: از امام ابوالحسن علیه السلام سؤال کردم درباره نماز در پوست سمور و سنجاب و روباه؟ امام فرمود:
«لا خیر فی ذاکله، ما خلا السنجاب فإنه دابة لا تأکل اللحم» (۲۳۸).

«در هیچ کدام از آنها خیری نیست مگر سنجاب که حیوانی است که گوشت نمی‌خورد.»

۴ - سماعه می‌گوید: از امام معصوم علیه السلام سؤال کردم درباره گوشت و پوست حیوانات درنده. امام فرمود:

«أما لحوم السباع من الطیر والدواب فإننا نکرهه، وأما الجلود فآکبوا علیها ولا تلبسوا منه شیئاً تصلون فیہ» (۲۳۹).

«اما گوشت پرندگان و چارپایان درنده ما از آنها کراهت داریم، اما پوست آنها را در سوار شدن، از آنها استفاده کنید ولی برای نماز از آنها نپوشید.»

۵ - علی بن مهزیار می‌گوید: ابراهیم بن عقبه به امام علیه السلام نوشت که: در نزد ما جورابها و بندهای شلواری ساخته شده از کرک خرگوش است آیا نماز در کرک خرگوش بدون تقیه و ضرورت جایز است؟ امام به او نوشت:
«لا تجوز الصلاة فیها» (۲۴۰).

«نماز در آنها جایز نیست.»

۶ - مردی از امام صادق علیه السلام درباره پوست خز پرسید. امام فرمود:

«لیس بها بأس.»

«اشکال ندارد.»

آن مرد گفت: فدایت گردم، کار من همین است. خز سگهایی است که از آب خارج می‌شوند. امام علیه السلام فرمود:

«إذا خرجت من الماء تعیش خارجة من الماء؟»

«آیا اگر از آب خارج شدند، در بیرون از آب زندگی می‌کنند؟»

آن مرد گفت: نه. امام فرمود:

«لا بأس به» (۲۴۱).

«اشکال ندارد.»

تفصیل احکام

جایز نیست لباس نمازگزار از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد، هرچند تذکیه شده باشد یا در حال زنده بودن از آن گرفته شده باشد. فروع این مسأله به شرح ذیل است:

۱ - نماز خواندن در لباس گرفته شده از پوست، پوستین، موی، پشم، کرک و پر حیوان غیر مأکول اللحم (حرام گوشت) جایز نیست.

۲ - اگر لباس نمازگزار به فضل حیوان حرام گوشت آلوده باشد، نماز اوباطل است، و همچنین بنا بر احتیاط مستحب در جامه‌ای که چیزی از موی حیوان حرام گوشت مانند سمور روی آن قرار گرفته، نباید نماز خوانده شود.

۳ - برخی از فقها گفته‌اند: فرقی نیست بین حیوان حرام گوشتی که در هنگام ذبح خون جهنده دارد یا حیوانی که چنین نیست مانند ماهی حرام گوشت. البته در قسم اخیر اشکال است.

۴ - فرقی نیست در عدم جواز بین اینکه همه لباس، یا قسمتی از آن، یا بعضی از اجزاء آن مانند: دگمه و نخ و مانند آن، از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد، حتی آن قطعه‌های کوچک مانند جوراب و کلاه و غیره در این جا جایز نیست، اما آنچه را از اجزاء حیوان حرام گوشت، نمازگزار در حال نماز با خود حمل می‌کند اشکال ندارد.

۵ - از این حکم، پوست و پوستین خز (۲۴۲) و کرک خالص آن که به کرک خرگوش و روباه مخلوط نشده باشد، و همچنین پوست و پوستین سنجاب (۲۴۳) استثنا شده است یعنی نماز در پوست خز و سنجاب جایز است.

۶ - کسی که از روی جهل در اجزاء حیوان حرام گوشت نماز بخواند، بنا بر اقوا نماز او صحیح است.

۷ - اما کسی که فراموش کرده است، بنا بر احتیاط باید نماز را اعاده کند.

۸ - اما در لباسی که شک دارد آیا از اجزاء حرام گوشت تهیه شده یا از غیر آن، نماز اشکال ندارد.

پنجم - اجتناب از طلا

حدیث شریف

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا یلبس الرجل الذهب ولا یصلی فیہ لانه من ثیاب اهل الجنه» (۲۴۴).

«مرد، طلا نمی‌پوشد و در لباس طلا باف نماز نمی‌خواند زیرا طلا از لباس‌های اهل بهشت است.»

۲ - باز هم امام صادق علیه السلام فرمود:

«... وجعل الله الذهب فی الدنيا زینة النساء فحرم علی الرجال لبسه والصلاة فیہ» (۲۴۵).

«... خداوند در دنیا، طلا را زینت زنان قرار داده و پوشیدن و نماز خواندن با آن را برای مردان، حرام نموده است.»

۳ - امام باقر علیه السلام فرمود:

«إن رسول الله صلی الله علیه وآله نهام عن سبع منها التختّم بالذهب» (۲۴۶).

«پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مردان را از هفت چیز منع کرده است که از آن جمله است انگشتر طلا در دست کردن.»

۴ - محمد بن مسلم روایت می‌کند که: داندانهای امام محمد باقر علیه السلام سبست شده بود پس با (روکش) طلا، آن را محکم کرد.»

تفصیل احکام

برای مرد جایز نیست که با پوشیدن طلا نماز بگذارد. چنانکه پوشیدن و آرایش کردن به طلا بطور کلی برای او جایز نیست اعم از اینکه طلا، به صورت لباس طلا باف باشد یا با نخهای طلایی دوخته شده باشد، یادگمه‌های آن از طلا باشد، یا به صورت گردن‌بند و زنجیر طلایی به گردن آویزان نماید، یا به صورت انگشتر طلایی یا ساعت طلایی یا چارچوب طلایی عینک استفاده کند. این مسأله فروعی دارد:

- ۱ - فرقی نیست بین اینکه طلای خالص باشد یا مخلوط، اگر در عرف بگویند که او طلا پوشیده است.
- ۲ - حمل طلا در جیب مانند سکه‌های طلا، یا زیور آلات طلا، اشکال ندارد. چنانکه دندان طلا هم اشکال ندارد.
- ۳ - نماز با سلاحهایی که در ساختن آنها از طلا استفاده شود مانند شمشیر یا خنجر طلایی اشکال ندارد مگر در عرف، آن را «پوشیدن طلا» بنامند که در این صورت احتیاط، اقتضا می‌کند از آن اجتناب نماید.
- ۴ - در حرام بودن طلا برای مرد در نماز و غیر نماز، فرقی نیست بین این که طلا، در معرض دید دیگران باشد یا به گونه‌ای پوشیده باشد که دیده نشود.
- ۵ - اگر مردی با طلا نماز گزارد ولی نداند یا فراموش کند که آن چیز طلاست، ظاهراً نماز او صحیح است.
- ۶ - پوشیدن آنچه که شک دارد آیا طلاست یا غیر آن، در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

ششم - اجتناب از ابریشم

حدیث شریف

- ۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: «إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى (فی حدیث المناهی) عن لبس الحریر والديباچ والقز للرجال، فأما النساء فلا بأس» (۲۴۷).
- «پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در حدیث مناهی (مردان را، از پوشیدن ابریشم، دیباچ و قز منع فرمود، اما برای زنان اشکال ندارد.»
- ۲ - اسماعیل بن سعد احوص می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که آیا مرد می‌تواند در جامه ابریشمین نماز بگذارد؟ امام علیه السلام فرمود: «لا» (۲۴۸).
- «نه.»
- ۳ - محمد بن عبد الجبار می‌گوید: به امام ابو محمد علیه السلام نوشتم و پرسیدم که آیا با کلاه ابریشم خالص یا با کلاه دیباچ می‌توان نماز خواند؟ فرمود: «لا تحل الصلاة فی حریر محض» (۲۴۹).
- «نماز در ابریشم خالص جایز نیست.»
- ۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «لا يصلح للرجل أن يلبس الحریر إلّا فی الحرب» (۲۵۰).
- «برای مرد پوشیدن ابریشم جز در جنگ، شایسته نیست.»
- ۵ - باز هم از امام صادق علیه السلام روایت شده که درباره جامه‌ای که ابریشم دارد، فرمود: «إن كان فيه خلط فلا بأس» (۲۵۱).
- «اگر مخلوط باشد، اشکال ندارد.»

۶ - پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

«رفع عن أمتی: الخطأ، والنسیان، وما أکرهوا علیه، وما لا یطیقون» (۲۵۲).

«از اُمت من، خطا و نسیان و آنچه بر آن مجبور شده‌اند و آنچه خارج از قدرت آنان باشد، برداشته شده است.»

تفصیل احکام

برای مرد پوشیدن حریر خالص، در حال نماز و غیر نماز جایز نیست. ابریشم، قز و دیباج نیز گفته می‌شود که همگی به یک معنی و مبطل نماز می‌باشد. اینک به فروع مسأله می‌پردازیم:

۱ - در عدم جواز، فرقی نیست بین اینکه لباس ابریشم، همان ساتر شرعی نماز گزار باشد یا جامه‌ای اضافه بر آن.

۲ - بنابر احتیاط واجب، پوشیدن لباسهای کوچک ابریشمین نیز جایز نیست مانند جوراب، کلاه، دست کش، کمربند، کروات و غیره که به تنهایی ساتر عورتین نیستند.

۳ - در حال جنگ، پوشیدن ابریشم جایز است و بنابر اقوا نماز نیز در این هنگام جایز است، ولی احوط این است که اگر ضرورتی نباشد نماز با آن خوانده نشود.

۴ - در جامه‌ای که مخلوطی است از ابریشم با پنبه یا پشم یا هر چیز دیگری که نماز با آن جایز است، به گونه‌ای که در عرف، ابریشم خالص، صدق نکند، نماز خواندن جایز است.

۵ - اگر جامه انسان، مخلوطی باشد از قطعه‌ای ابریشم خالص و قطعه‌های دیگر از غیر ابریشم، پس اگر در عرف، پوشیدن ابریشم صدق کند، پوشیدن آن حرام و نماز با آن باطل است. اما اگر در عرف، پوشیدن ابریشم گفته نشود، اشکال ندارد، و در صورت شک در صدق عرفی، اصل، براءت است و نماز با آن صحیح می‌باشد. پس ملاک و معیار در همه فروع مشابه، صدق عرفی است.

۶ - نماز با ابریشم، در صورتیکه برای امور پزشکی و درمانی مانند بستن زخم و شکستگی و غیره استفاده شده باشد اشکال ندارد.

۷ - اگر از باب جهل یا فراموشی در لباس ابریشمین، نماز بخواند، اقوا عدم وجوب اعاده نماز است، هر چند احتیاط مقتضی است که اعاده نماید.

۸ - اگر انسان، لباسی غیر از ابریشم نداشته باشد و از باب اضطرار، بخاطر سردی هوا یا بیماری و غیره، مجبور به پوشیدن آن باشد، نماز با آن اشکال ندارد، اما اگر از باب اضطرار نباشد و تنها به این دلیل بپوشد که اوساتر و پوششی غیر از آن ندارد، اقوا صحت نماز در لباس ابریشمین است، و احوط این است که به حالت برهنه هم نماز را اعاده نماید.

۳ - حالات اضطرار و برهنگی

حدیث شریف

۱ - امام صادق علیه السلام درباره مرد (شخص) برهنه‌ای که لباسی با خود ندارد، فرمود:

«إذا کان حیث لا یراه أحد فلیصل قائماً» (۲۵۳).

«اگر در وضعیتی باشد که کسی او را نمی‌بیند، ایستاده نماز بخواند.»

۲ - سماعه می‌گوید: از امام علیه السلام پرسیدم درباره مردی که در بیابانی قرار دارد و دچار جنابت شده است و جز یک جامه که در آن جنب شده، لباس دیگری ندارد و آب هم ندارد. امام فرمود:

«یتیمم ویصلی عریاناً قائماً یومئ إیماء» (۲۵۴).

«تیمم کند و برهنه و ایستاده نماز بخواند و برای افعال نماز اشاره کند.»

۳ - علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم درباره کسی که مورد غارت دزدان قرار گرفته، یا کالایش غرق شده و او برهنه مانده و وقت نماز هم رسیده است، چگونه نماز بخواند؟ فرمود:

«إن أصاب حشيشاً یستر به عورته أتمّ صلاته بالرکوع والسجود، وإن لم یصب شيئاً یستر به عورته أوماً وهو قائم» (۲۵۵).

«اگر گیاهی پیدا می‌شود که عورتش را با آن بپوشاند، نمازش را با رکوع و سجود عادی بجا آورد، و اگر چیزی را که عورتش را بپوشاند نمی‌یابد، ایستاده نماز بخواند و به جای افعال نماز اشاره کند.»

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«العاری الذی لیس له ثوب إذا وجد حفیره دخلها ویسجد فیها ویرکع» (۲۵۶).

«شخص برهنه‌ای که لباسی ندارد، اگر گودالی وجود داشته باشد، داخل آن شود و در آنجا سجده و رکوع نماید.»

۵ - امام باقر علیه السلام فرمود:

«من غرقت ثیابه فلا ینبغی له أن یصلی حتی یخاف ذهاب الوقت یتغی ثیاباً، فإن لم یجد صلی عریاناً جالساً یومی إیماءاً، یجعل سجوده أخفض من رکوعه، فإن كانوا جماعة تباعدوا فی المجالس، ثم صلوا کذلک فرادی» (۲۵۷).

«کسی که لباس او در آب غرق شده است، شایسته نیست نماز بخواند تا موقعی که به پایان وقت نماز نزدیک شود. او باید در صدد تهیه لباس باشد و اگر نیافت، برهنه‌ودر حال نشسته نماز بخواند و (برای رکوع و سجود) اشاره کند، و برای سجده، پایین‌تر از رکوع، سر خود را خم کند و اگر آنان، جماعتی باشند، دور از هم بنشینند و فرادی نماز بخوانند.»

۶ - امام صادق علیه السلام پیرامون اضطرار فرمود:

«لیس شیء مما حرّم الله إلّا وقد أحله لمن اضطرّ إلیه» (۲۵۸).

«هیچ چیزی نیست از آنچه خداوند حرام کرده، مگر اینکه آن را برای شخص مضطرّ، حلال نموده است.»

تفصیل احکام

۱ - اگر لباس انسان، در ابریشم، یا پوستین و پوست حیوان حرام گوشت یا بافته شده از پشم، موی، کُرک و پر آن، یا در جامه نجس، منحصر شود و لباس دیگری نداشته باشد، اقوا این است که نماز با آن جایز است، و احتیاط مستحبّ آن است که در حالت برهنه هم نماز را اعاده کند.

۲ - اما اگر لباس او در پوست یا پوستین حیوان مردار یا بافته شده از پشم، موی، کُرک و پر آن، یا در جامه طلا باف یا غضب شده، منحصر شود و لباس دیگری نداشته باشد، چنانچه بخاطر سرما یا بیماری و غیره، مجبور به پوشیدن آن باشد، نماز با آن اشکال ندارد، اما اگر مجبور نباشد، باید آن را از بدن بیرون کند و اگر هیچ ساتر دیگری مانند برگ‌های درخت و گیاه و گل وجود نداشته باشد، برهنه نماز بخواند با کیفیتی که بعداً اشاره خواهیم کرد.

۳ - کسی که هیچ چیزی را که با آن عورتش را بپوشاند نیابد حتی برگ درخت و گیاه و گل یا گودال و آب کدوری که در آن بایستد، واجب است برهنه نماز بخواند.

۴ - کسی که وظیفه او برهنه نماز خواندن است، در صورتیکه نامحرم او را می‌بیند، اقوا این است که ایستاده بخواند و اشاره با سر به رکوع و سجود کفایت می‌کند و باید در اشاره به سجده سر را پائین‌تر از اشاره به رکوع قرار دهد، و احتیاط مستحبّ اقتضا می‌کند که علاوه بر آن، بصورت عادی و بارکوع و سجده هم نماز بخواند و با دستش، عورتش را بپوشاند، و همچنین در حال نشسته و با اشاره هم نماز بگذارد، یعنی هر نماز واجب را سه بار بخواند که بار اول واجب و دو بار دیگر از باب احتیاط مستحبّ است.

اما اگر در وضعیتی باشد که نامحرم او را می‌بیند پس نشسته نماز بخواند و برای رکوع و سجده خم شود به مقداری که عورت او نمایان نشود و اگر خم شدن هم امکان نداشته باشد، با سر اشاره کند.

۴- آداب لباس نمازگزار

اشاره

در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام درباره لباس نمازگزار وارد شده، مکروهات و مستحباتی به عنوان آداب نیز بیان گردیده است که موارد آن فراوان است و ما تنها بخشی از آنها را با ذکر متن حدیث بدون اضافه کردن سخن دیگری، بیان می‌کنیم.

۱- نیکوترین جامه

امام حسن مجتبی علیه السلام، هنگامی که به نماز می‌ایستاد، بهترین جامه‌اش را می‌پوشید. به او گفته شد: ای فرزند رسول خدا! برای چه کسی بهترین لباس را می‌پوشی؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي، وَهُوَ يَقُولُ: (خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْمَلَ ثِيَابِي» (۲۵۹).
 «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد، و من برای پروردگارم، لباس زیبایی پوشم. خداوند می‌فرماید: «در نزد هر مسجدی، زینت خود را برگزید.» پس من هم دوست دارم زیباترین لباسم را بپوشم.»

۲- نماز با عطر

امام صادق علیه السلام فرمود:

«كانت لرسول الله صلى الله عليه وآله ممسكة إذا هو توضأ أخذها بيده وهي رطبة، فكان إذا خرج عرفوا أنه رسول الله برائحة» (۲۶۰).
 «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ظرف مشک می‌داشت و هر وقتی که وضو می‌گرفت، بادیست مرطوب خود آن را لمس می‌کرد، و هنگامی که خارج می‌شد، مردم با بوی مشک، می‌فهمیدند که او رسول خدا است.»
 نیز حضرت فرمود:

«صلاة متطيب أفضل من سبعين صلاة بغير طيب» (۲۶۱).

«یک نماز با بوی خوش از هفتاد نماز بدون بوی خوش بهتر است.»

همچنین عبدالله بن حارث روایت می‌کند: «علی بن الحسین علیه السلام در مسجد خود، ظرف مشک می‌داشت و وقتی که برای نماز وارد مسجد می‌شد، از آن، خود را خوشبو می‌نمود.»

۳- انگشتر نقره

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«لا تَخْتَمُوا بِغَيْرِ الْفِضَّةِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَا طَهَّرْتُ كَفًّا فِيهَا خَاتَمٌ مِنْ حَدِيدٍ» (۲۶۲).

«از غیر نقره، انگشتر نگیرید زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دستی که در آن انگشتری از آهن باشد، پاک نخواهد شد.»

۴- کراهت لباس سیاه

کلینی می‌گوید: روایت شده که در لباس سیاه نماز مگزارید اما کفش، عبا یا عمامه (اگر سیاه باشد) اشکال ندارد. (۲۶۳)

۵- دهان پوش و نقاب

سماعه روایت می‌کند: از امام پرسیدم درباره کسی که نماز می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کند در حالیکه (لثام) دهان پوش بر دهن بسته است؟ فرمود:

«لا بأس به وإن كشف عن فيه فهو أفضل.»

«اشکال ندارد، ولی اگر از روی دهن خود بردارد بهتر است.»

گفت: از امام درباره زنی پرسیدم که نماز می‌خواند در حالیکه نقاب بر خود دارد؟ فرمود:

«إن كشفت عن موضع السجود فلا بأس وإن أسفرت فهو أفضل» (۲۶۴).

«اگر موضع سجده را برهنه کند، اشکال ندارد ولی اگر نقاب را از صورت خود بردارد بهتر است.»

۶- جامه‌ای که نقش و تصویر دارد

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت کراهت داشته است از اینکه نماز بخواند در جامه‌ای که نقش تصاویر دارد. (۲۶۵)

۷- نماز در مقابل تصویر

لیث مرادی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در خانه، در طرف راست یا چپ نماز گزار، پشتی (بالش)هایی قرار دارد که در آنها تصاویری، نقاشی شده است، آیا اشکال دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

«لا بأس ما لم تكن تجاه القبلة، فإن كان شيء منها بين يديك مما يلي القبلة فغطه وصل، وإذا كانت معك دراهم سود فيها تماثيل فلا تجعلها من بين يديك واجعلها من خلفك» (۲۶۶).

«اشکال ندارد اگر در جهت قبله قرار نداشته باشد. اما اگر چیزی از آن بالش‌ها در مقابل تو و در جهت قبله قرار داشته باشد، آن را با چیزی بپوشان، بعد نماز بخوان. و اگر همراه تو در هم‌های سیاهی باشد [سکه‌هایی] که نقش و تصویر دارد، آنها را در مقابلت قرار نده بلکه پشت سرت بگذار.»

علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام درباره خانه یا طاقی پرسیدم که در آن مجسمه‌هایی وجود دارد، آیا در آنجا نماز بخوانم؟ امام فرمود:

«لا تصلی فيها و شيء منها مستقبلك إلا أن لا تجد بدأً فتقطع رؤوسها، وإلا فلا تصلی» (۲۶۷).

«در آنجا نماز نخوان اگر چیزی از آنها برابر توست، مگر این که مضطرب باشی که در این صورت باید سرهای آن مجسمه‌ها را قطع کنی، و الا در آنجا نماز نخوان.»

۸- انگشتر نقش‌دار

از امام صادق علیه السلام سؤال شد درباره مردی که انگشتری در دست می‌کند که نقش پرنده یا غیر آن دارد؟ امام فرمود:

«لا تجوز الصلاة فيه» (۲۶۸).

«نماز با آن جایز نیست.»

۹- بازبودن دگمه‌ها

ابراهیم احمری می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره مردی که نماز می‌خواند و دگمه‌های او باز است. امام فرمود: «لا ینبغی ذلک» (۲۶۹).
«این کار شایسته نیست.»

۱۰- با دستمال دیگران

امام صادق علیه السلام فرمود:
«صلِّ فی مندیلک الذی تتمندل به، ولا تصلِّ فی مندیل یتمندل به غیرک» (۲۷۰).
«با دستمالی (حوله) که خود از آن استفاده می‌کنی نماز بخوان و با دستمال (یا حوله‌ای) که دیگری از آن استفاده می‌کند نماز نخوان.»

۵- مکان نمازگزار

در کجا نماز بخوانیم؟
حدیث شریف

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
«جُعِلت لی الأرض مسجداً و ترابها طهوراً، اینما أدر کنتی الصلاة صلّیت» (۲۷۱).
«زمین برای من مسجد و خاک آن پاک و پاک کننده قرار داده شده، هر جا که وقت نماز رسد، نماز می‌گذارم.»
۲- در کتاب «تحف العقول» آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به کمیل فرمود:
«یا کمیل، انظر فی ما تصلّی و علی ما تصلّی، إن لم یکن من وجهه و حلّه فلا قبول» (۲۷۲).
«ای کمیل! بین با چه لباس و در کدام مکان نماز می‌خوانی، اگر از راه شرعی و حلال نباشد، نماز تو قبول نمی‌شود.»
۳- در حدیثی از امام مهدی علیه السلام آمده است:
«لا یحلّ لأحد أن یتصرّف فی مال غیره بغیر إذن» (۲۷۳).

«برای هیچ کس حلال نیست که در مال دیگری بدون اذن او تصرّف نماید.»

۴- در کتاب «تحف العقول» آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه‌الوداع فرمود:
«أیها الناس، إنّما المؤمنون اخوة و لا یحلّ لمؤمن مال أخیه إلّا عن طیب نفس منه» (۲۷۴).

ای مردم! مؤمنان با هم برادرند و برای هیچ مؤمنی، مال برادرش حلال نیست مگر با رضایت قلبی او.»

۵- محمّد بن عبدالله حمیری می‌گوید: به فقیه (امام) علیه السلام نوشتم و پرسیدم درباره کسی که قبور ائمه را زیارت می‌کند آیا جایز است بر قبر سجده کند؟ آیا برای کسی که در نزد قبور نماز می‌خواند، جایز است که پشت قبر بایستد و قبر را قبله قرار دهد و در مقابل سر یا پاهای او بایستد؟ و آیا جایز است در جلو قبر بایستد و نماز بخواند و قبر را پشت سر خود قرار دهد؟ امام علیه السلام جواب داد:

«وَأما السجود علی القبر فلا یجوز فی نافله و لا فریضة و لا زیارة، بل یضع خدّه الأیمن علی القبر، و أما الصلاة فإنّها خلفه و یجعله الامام، و لا یجوز أن یصلّی بین یدیه لأنّ الإمام لا یتقدّم و یصلّی عن یمینه و شماله» (۲۷۵).

«اُمّی سجده بر قبر جایز نیست نه در نافله، نه در فریضه و نه در زیارت، بلکه طرف راست صورت خود را روی قبر بگزارد. اما نماز باید در پشت قبر باشد و قبر رادر پیش روی خود قرار دهد و جایز نیست پیش روی قبر نماز بخواند زیرا نباید بر امام جلو افتاد، و طرف راست یا چپ قبر نماز خواندن اشکال ندارد.»

۶- در یک حدیث مفصل درباره نماز، امام باقر علیه السلام فرمود:

«... وقم منتصباً، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ لَمْ يَقُمْ صَلْبَهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ» (۲۷۶).

«... راست بایست زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که راست نایستد، نماز نخوانده است.»

۷- در خبر سلیمان بن صالح از امام صادق علیه السلام آمده است:

«لَا يَقِيمُ أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَهُوَ مَاشٍ وَلَا رَاكِبٌ وَلَا مُضْطَجِعٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضاً، وَلِيَتِمَّ كُنْ فِي الْإِقَامَةِ كَمَا يَتِمُّ كُنْ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ إِذَا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ فَهَوِيَ صَلَاةً» (۲۷۷).

«هیچ کس در حال راه رفتن و سواره و خوابیده نماز نخواند مگر اینکه مریض باشد، و در حال اقامه گفتن هم باید تمکن و استقرار داشت مانند حال نماز، زیرا وقتی به اقامه شروع می کند به نماز شروع کرده است.»

۸- علی بن جعفر روایت می کند که از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسیده است درباره اینکه آیا بر روی سکو یا تخته‌ای که بین دو درخت خرما آویزان است می توان نماز خواند؟ امام علیه السلام فرمود:

«إِنْ كَانَ مُسْتَوِياً يَقْدِرُ عَلَى الصَّلَاةِ فِيهِ فَلَا بَأْسَ» (۲۷۸).

«اگر هموار و پا برجا باشد که بتواند بر روی آن نماز بخواند، اشکال ندارد.»

۹- ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره اینکه مرد و زن باهم یکجا نماز می خوانند و زن در طرف راست مرد و در کنار او ایستاده است. امام علیه السلام فرمود:

«لَا، حَتَّى يَكُونَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ، أَوْ ذِرَاعٌ، أَوْ نَحْوَهُ» (۲۷۹).

«نه، مگر اینکه بین آن دو یک و جب یا یک ذراع یا مانند آن فاصله باشد.»

۱۰- از امام صادق علیه السلام روایت شده درباره اینکه مرد نماز می خواند و زن هم در کنار او نماز می گزارد. امام علیه السلام فرمود:

«لَا بَأْسَ» (۲۸۰).

«اشکال ندارد.»

۱۱- فضیل می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّيتْ بَكَّةَ لِأَنَّهَا تَبْكُ فِيهَا الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ، وَالْمَرْأَةُ تَصَلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ يَسَارِكَ وَمَعَكَ وَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ، وَإِنَّمَا يَكْرَهُ فِي سَائِرِ الْبُلْدَانِ» (۲۸۱).

«شهر مکه، بگه نامیده شده زیرا در آنجا مردان و زنان، تراکم و ازدحام دارند به گونه‌ای که زن، همراه تو، در جلوتر، در طرف راست تو، در طرف چپ تو نماز می گزارد و این عمل اشکال ندارد، اما در سایر شهرها کراهت دارد.»

۱۲- زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم درباره اینکه زن در نزد مرد نماز می خواند. امام فرمود:

«لَا تَصَلِّي الْمَرْأَةُ بِحِيَالِ الرَّجُلِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدَامَهَا وَلَوْ بِصَدْرِهِ» (۲۸۲).

«زن مقابل مرد نماز نخواند مگر اینکه مرد، هر چند به اندازه سینه‌اش، جلوتر از زن باشد.»

۱۳- یونس بن یعقوب می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که نماز واجب فرامی رسد و من در کعبه هستم آیا در کعبه نماز بخوانم؟ امام علیه السلام فرمود:

«صلِّ» (۲۸۳)

«نماز بخوان.»

۱۴ - امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که او علی بن الحسین علیه السلام را دیده است که در کعبه دو رکعت نماز بجا می‌آورد. (۲۸۴)

احکام پوشانیدن بدن در نماز

۱- وجوب پوشانیدن بدن در نماز:

تفصیل احکام

۱ - نماز گزاردن در هر مکان، جایز است زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «زمین برای من مسجد و خاک آن، طهور قرار داده شده است. در هر جا که وقت نماز برسد، نماز می‌گزارم. (۲۸۵)»

۲ - مکان نماز گزار از هر نجاست مرطوبی که سرایت می‌کند و بدن یا لباس نماز گزار را آلوده می‌گرداند، باید پاک باشد، اما اگر نجاست خشک باشد اشکال ندارد، مگر در محل سجده که پیشانی روی آن گذاشته می‌شود که باید از هر نوع نجاست حتی نجاست خشک پاک باشد.

۳ - فقها گفته‌اند: در برخی از اماکن نماز صحیح نیست یا به جهت اینکه منجر به ارتکاب حرامی می‌شود یا بخاطر اینکه با بجا آوردن نماز بطور صحیح، منافات دارد. این موارد عبارتند از:

الف - نماز در مکان غضبی یا هر مکانی که صاحب آن اجازه نداده باشد. جزئیات این مورد را بعداً ذکر خواهیم کرد (بدون شک، قول فقها در این مورد مطابق با احتیاط است).

ب - نماز در جایی که ایستادن در آن حرام باشد مثل اینکه اسماء جلاله و متبرکه که یا آیات قرآن کریم، بر روی فرش یا سنگفرش، نقش شده باشد. همچنین نماز بر روی قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام جایز نیست زیرا این عمل، هتک حرمت آنان محسوب می‌شود.

ج - نماز در محلی جلوتر از قبر معصوم علیه السلام یا برابر با آن مگر اینکه حایلی وجود داشته باشد، به شرط این که عرف، وجود حایل را عامل برطرف کننده بی‌احترامی و بی‌ادبی نسبت به مقام معصوم، بدانند.

د - نماز در اماکنی که زندگی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد مانند اماکنی در جبهه‌های جنگ که در هر لحظه در معرض بمباران می‌باشد، یا اماکنی که در معرض هجوم حیوانات درنده است، یا ساختمانهایی که در حال فرو ریختن و سقوط می‌باشد. عدم صحت نماز در اماکن یاد شده، مطابق با احتیاط مستحب است.

ه - نماز در مکانی که متحرک است و استقرار ندارد، مانند وسیله نقلیه متحرک در غیر حالت اضطرار، یا جایگاهی که لرزان است به گونه‌ای که باعث سلب طمأنینه و آرامش واجب، از نماز گزار می‌شود.

و - نماز در جایی که نماز گزار نمی‌تواند نمازش را بطور صحیح بجا آورد، مانند نماز در میان ازدحام شدید جمعیت که ممکن است نماز انسان را با بطلان، مواجه سازد، یا نماز در محلّ وزش تندباد یا ریزش شدید باران که ممکن است از به اتمام رساندن نماز مانع شود. احتیاط مستحب این است که در چنین اماکنی، نماز شروع نشود و همچنین در هر جایی که نماز گزار اطمینان نداشته باشد که می‌تواند نماز را در آنجا به اتمام رساند.

ز - نماز در مکانی که با بجا آوردن آن بطور صحیح و کامل منافات داشته باشد مثل اینکه سقف مکان خیلی پایین باشد که از

راست ایستادن نماز گزار بطور کامل مانع شود، یا اینکه آن مکان خیلی تنگ باشد در حدی که از ادای رکوع و سجود بطور صحیح، مانع شود.

۴ - گفته‌اند: واجب است در حال نماز، زن، عقب‌تر از مرد بایستد و نباید مکان هر دو، برابر هم یا اینکه زن جلوتر از مرد باشد، ولی اقوا این است که این حالت کراهت دارد مگر اینکه، هیچگونه فاصله‌ای بین زن و مرد نباشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب، نماز باید اعاده شود.

امّا اگر بین زن و مرد، حایلی وجود داشته باشد، یا مسافتی که کمتر از ده ذراع نباشد (در حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ سانتی‌متر) بین آنان فاصله باشد، کراهت یا حرمت - بنا بر قول به حرمت - مرتفع می‌گردد.

همچنین در حالات اضطرار و تنگی وقت نیز، کراهت مرتفع می‌شود ولی در عین حال نباید زن و مرد در هنگام نماز، پهلو به پهلو و چسبیده بهم بایستند بلکه احتیاط واجب این است که فاصله اندکی هر چند به اندازه یک ذراع یا یک وجب بین آنان باقی بماند مگر در مکه مکرمه.

۵ - اقوا این است که نماز - واجب یا مستحب - در بام کعبه و در داخل کعبه جایز است و به هر طرف از چهار طرف که رو کند، نماز او صحیح است.

شرط اباحه

حدیث شریف

۱ - سماعه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ أَيْتَمَنَهُ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرَأٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِئَةٍ نَفْسٍ مِنْهُ» (۲۸۶).

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در نزد او امانتی است، باید آن را به صاحب آن برگرداند زیرا خون مسلمان برای کسی حلال نیست و همچنین مال او مگر با رضایت و خشنودی او.»

۲ - در نهج البلاغه از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«الحجر الغصب فی الدار رهن علی خرابها» (۲۸۷).

«سنگ غصبی در بنای خانه، گرو ویرانی آن است.»

۳ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من أخذ أرضاً بغير حقّ كلّف أن يحمل ترابها إلى المحشر» (۲۸۸).

«کسی که زمینی را بناحق، در اختیار خود بگیرد، از طرف خداوند مکلف می‌شود که خاک آن را به روز محشر حمل کند.»

تفصیل احکام

۱ - غضب حرام است و تصرف در هر چیز غصبی، چه از طرف خود غاصب یا غیر او، نیز حرام است، و همچنین در حالات عادی و طبیعی نیز، تصرف در مال دیگری بدون اذن او جایز نیست.

اما آیا نماز در مکان غصبی، یا مکانی که صاحب آن اجازه نداده است، باطل است یا خیر؟ مشهور بین فقها، باطل بودن نماز است، و قول دیگری به صحیح بودن نماز وجود دارد، و عمل به قول مشهور، مطابق با احتیاط است. فروع و جزئیات بعدی که ذکر می‌شود،

مبتنی بر قول مشهور فقهای باشد.

۲- غضب گاهی بر عین مکان واقع می‌شود مثل اینکه خود زمین از صاحبش غضب شود. گاهی هم غضب بر منفعت واقع می‌شود مانند تصرف در مکان استیجاری بدون اذن مستأجر که در این صورت نیز تصرف حرام است هر چند مالک مکان استیجاری اذن هم بدهد، زیرا در مدت عقد اجاره مستأجر، مالک منفعت است. بنابر قول مشهور و احتیاط، نماز در این مکان هم باطل است.

۳- نماز تنها در صورتی باطل است که نماز گزار علم به غضب و تعدد داشته باشد، امّا در حالات غفلت یا ندانستن یا فراموش کردن، نماز -ان شاء الله- صحیح است. امّا کسی که حکم شرعی، یعنی حرمت را نمی‌داند، بنابر اقوا نماز او صحیح است اگرچه بنابر احتیاط واجب، و به حسب نظر مشهور در باطل بودن نماز در مکان غضبی، نماز او باطل است مخصوصاً در صورتی که او جاهل مقصر باشد.

۴- هر نوع استفاده‌ای که عرف جامعه آن را استفاده و تصرف در چیز غضبی بدانند، بنابر احتیاط، موجب بطلان نماز می‌شود مانند: - نماز در کشتی، هواپیما و ماشین غضبی.

- نماز در خیمه غضبی یا در زیر سقف غضبی، اگر عرف چنین نمازی را تصرف در خیمه یا سقف تلقی کند.

- نماز بر روی سقفی مباح که زمینش غضبی باشد، در صورتی که عرف آن را استفاده از غضب تلقی کند.

۵- اگر کسی، مکانی را با پولی بخرد که زکات یا خمس آن را نداده‌است، ظاهر این است که معامله صحیح است، امّا بر مالک لازم است که زکات یا خمس یا هر حق شرعی دیگری را که بر او می‌باشد، از هر مالی که بخواهد، پرداخت نماید. بنابراین نماز هم در این مکان -ان شاء الله- صحیح است.

۶- اگر شخصی بمیرد و بر ذمه او حقوق مردم باقی باشد، برای ورثه، قبل از پرداخت حقوق مردم یا ضمانت پرداخت با اذن حاکم شرعی، هیچ‌گونه تصرف در ارثیه حتی به صورت نماز خواندن در منزلش جایز نیست. و احتمال می‌رود که اگر حقوق مردم، چیزی اندک و تصمیم ورثه هم بر پرداخت آن باشد، تصرف جایز باشد. والله العالم.

۷- همچنین برای ورثه جایز است، در صورتی که پرداخت حقوق طلبکاران را ضمانت کنند، در ارثیه مدیون تصرف کنند یا نماز بخوانند، هر چند که بدهکاریهای او، همه تر که را شامل شود.

۸- بدون اجازه صریح مالک یا اماره عقلانی که دلالت بر موافقت و رضایت او کند، نماز خواندن در ملک دیگران جایز نیست.

۹- امّا در اراضی بسیار پهناور مانند زمینهای واقع در بیابانها و راهها و جاده‌ها که معمولاً اجتناب از آنها دشوار است، نماز در آنها جایز است هر چند موافقت یا رضایت مالک بدست نیاید.

آداب مکان نماز گزار

اشاره

فقها، شماری از آداب مربوط به مکان نماز گزار و مکروهات و مستحبات آن را بر شمرده‌اند که ما قسمتی از آنها را با ذکر روایات شریفه منقول از معصومین علیهم السلام، بیان می‌کنیم، و ظاهر این است که امر و نهی موجود در این روایات، دلالت بر استحباب و کراهت دارند نه وجوب و حرمت.

۱- در مساجد نماز بخوان

امام علی علیه السلام می‌فرمود:

«من اختلف إلى المسجد أصاب إحدى الثمان: أخطأ مستفاداً في الله، أو علماً مستطرفاً، أو آية محكمة، أو يسمع كلمة تدل على هدى، أو رحمة منتظرة، أو كلمة ترد عن ردى، أو يترك ذنباً خشيةً أو حياءً» (۲۸۹).

«کسی که به مسجد آمد و شد داشته باشد به یکی از هشت چیز می‌رسد: برادری که در راه خدا از او استفاده خواهد شد، یا دانشی جدید و بدیع، یا آیه‌ای محکم، یا سخنی می‌شنود که او را به راه هدایت، رهنمون می‌شود، یا به رحمت مورد انتظاری می‌رسد، یا سخنی می‌شنود که وی را از هلاکت باز می‌دارد و یا گناهی را از جهت خوف و ترس و یا از جهت شرم و حیا ترک می‌کند.»

۲- همسایه مسجد

امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که امام علی علیه السلام می‌فرمود:
«ليس لجار المسجد صلاة إذا لم يشهد المكتوبة في المسجد إذا كان فارغاً صحيحاً» (۲۹۰).
«برای همسایه مسجد، نمازی نیست، اگر نماز واجب را در مسجد حضور نیابد، در صورتی که فراغت داشته و سالم باشد.»

۳- در جاهای مختلف نماز بگذارید

ابو کهمس از امام صادق علیه السلام پرسید درباره اینکه آیا انسان نوافل خود را در یکجا بخواند یا در جاهای مختلف؟ امام فرمود:
«لا، بل هاهنا وهاهنا فإنها تشهد له يوم القيامة» (۲۹۱).
«نه، بلکه در این جا و این جا (یعنی در محل‌های مختلف) زیرا این محل‌ها، در روز قیامت به نفع او گواهی خواهند داد.»
نیز در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«صلّوا في المساجد في بقاع مختلفة، فإن كل بقعة تشهد للمصلّي عليها يوم القيامة» (۲۹۲).
«در مساجد، در جاهای مختلف نماز بگذارید زیرا هر محلی در روز قیامت برای کسی که روی آن نماز گزارده، شهادت خواهد داد.»

۴- نماز در کلیساها

امام علی علیه السلام فرمود:
«لا بأس بالصلاة في البيعة والكنيسة، الفريضة والتطوع، والمسجد أفضل» (۲۹۳).
«نماز در معابد یهود و نصارا (کلیساها) اشکال ندارد چه نماز واجب باشد یا مستحب ولی مسجد بهتر است.»

۵- بین خود و عابران، حائلی قرار ده

امام صادق علیه السلام فرمود:
«كان طول رحل رسول الله صلى الله عليه وآله ذراعاً، فإذا كان صلى وضعه بين يديه يستتر به ممن يمر بين يديه» (۲۹۴).
«طول رحل (۲۹۵) پالان شتر (پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یک ذراع بود و هنگامی که نماز بجای آورد آن را پیش روی خود قرار می‌داد تا بین او و کسانی که از پیش روی حضرت عبور می‌کردند، فاصله و پوشش واقع شود.»

۶- در این مکان‌ها نماز نخوان

امام صادق علیه السلام فرمود:

«عشره مواضع لا یُصلی فیها: الطین، والماء، والحمام، والقبور، ومسان الطريق (أی وسط الطريق)، وقری النمل، ومعطن الإبل، ومجرى الماء، والسبخ، والثلج» (۲۹۶).

«در ده جاه نماز خوانده نمی‌شود: در میان گِل، آب، حَمّام، قبور، وسط راه، لانه‌های مورچه، خوابگاه شتران، مجرای آب، زمین شوره زار و یخ.»

۷- در خانه‌ای که مجوسی باشد

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا تصل فی بیت فیہ مجوسی، ولا بأس بأن تصلی وفیه یهودی أو نصرانی» (۲۹۷).

«در خانه‌ای که در آن مجوسی باشد نماز نخوان، اما اشکال ندارد در خانه‌ای نماز بخوانی که یهودی یا نصرانی در آن باشد.»

۸- خانه‌ای که در آن شراب باشد

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا تصل فی بیت فیہ خمر أو مسکر» (۲۹۸).

«در خانه‌ای که در آن شراب یا مست کننده دیگری باشد نماز نخوان.»

۹- بین قبرها

امام صادق علیه السلام از پدران خود نقل می‌کند که:

«نهی رسول الله صلی الله علیه وآله أن یصلی الرجل فی المقابر والطرق والأودیة ومرابط الإبل وعلی ظهر الکعبه» (۲۹۹).

«پیامبر خدا منع کرد از اینکه کسی در قبرستانها، راهها، آسیابها، درّه‌ها، طویله‌های شتران و بر بام کعبه نماز بخواند.»

۱۰- کراهت ایستادن در مقابل تصاویر

محمّد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که نماز می‌خوانم در حالیکه در جلو روی من تصاویری است که من به سوی آنها نگاه می‌کنم؟ امام فرمود:

«لا اطرّح علیها ثوباً ولا بأس بها إذا كانت عن یمینک أو شمالک أو خلفک أو تحت رجلک أو فوق رأسک، وإن كانت فی القبلة فألق علیها ثوباً وصل» (۳۰۰).

«نه، پارچه‌ای روی آنها بینداز اما اگر در طرف راست یا چپ یا پشت سر یا زیر پاو یا بالای سر تو باشد اشکال ندارد و اگر در جهت قبله باشد، پارچه‌ای روی آنها بینداز و نماز بخوان.»

۱۱- خانه‌ای که در آن سگ باشد

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا یصلی فی دار فیها کلب، إلّا أن یکون کلب صید واغلت دونه بأفلا بأس، فإنّ الملائکه لا تدخل بیتاً فیہ کلب، ولا بیتاً فیہ تماثل، ولا بیتاً فیہ بول مجموع فی آنیه» (۳۰۱).

«در خانه‌ای که سگ وجود دارد، نماز خوانده نمی‌شود، مگر اینکه سگ شکاری باشد و درب را بر آن ببندی که در این صورت

اشکال ندارد. فرشتگان در خانه‌ای که سگ باشد و همچنین در خانه‌ای که در آن تصاویر و عکس وجود داشته باشد یا درخانه‌ای که در آن بول در یک ظرف جمع شده باشد، وارد نمی‌شوند.»

۱۲- نماز در حمام

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که نماز در حمام چگونه است؟ امام فرمود:
 «إِذَا كَانَ مَوْضِعًا نَظِيفًا فَلَا بَأْسَ» (۳۰۲).
 «اگر جای پاکیزه و تمیزی باشد، اشکال ندارد.»

۱۳- نماز در راه

امام رضا علیه السلام فرمود:
 «كُلَّ طَرِيقٍ يُوطَأُ وَيَتَطَرَّقُ، كَانَتْ فِيهِ جَادَةٌ أَمْ لَمْ تَكُنْ، لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةَ فِيهِ».
 «هر راهی که زیر پای و محل رفت و آمد است، چه جاده (راه عمومی) از آنجا باشد یا نباشد، نماز در آنجا شایسته نیست.»
 راوی پرسید: پس در کجا نماز بخوانم؟ امام علیه السلام فرمود:
 «يَمْنَةً وَيَسْرَةً» (۳۰۳).
 «کمی به طرف راست پا چپ راه نماز بخوان.»

۱۴- نماز در برابر آتش

امام صادق علیه السلام فرمود:
 «لَا يَصَلِّي الرَّجُلُ فِي قِبْلَتِهِ نَارًا أَوْ حَدِيدًا».
 «در جایی که در پیش روی شخص، آتش یا آهن قرار داشته باشد، نباید نماز بخواند.»
 راوی می‌گوید: آیا اگر در مقابل او آتشدانی از مس قرار داشته باشد نماز بخواند؟ فرمود:
 «نعم، فَإِنْ كَانَ فِيهَا نَارٌ فَلَا يَصَلِّي حَتَّى يَنْخِيهَا عَنْ قِبْلَتِهِ».
 «بلی. ولی اگر در آن آتشدان، آتش باشد، نماز نخواند مگر اینکه آن را از طرف قبله خود دور کند.»
 از امام سؤال شد درباره کسی که نماز می‌خواند و در مقابل او چراغی آویزان باشد که در آن آتش باشد؟ فرمود:
 «إِذَا ارْتَفَعَ كَانَتْ أَسْرًا، لَا يَصَلِّي بِحِيَالِهِ» (۳۰۴).
 «اگر آن چراغ، در بلندی قرار گیرد، بدتر است، رو به روی آن نماز خوانده نشود.»
 همچنین روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود:
 «لَا بَأْسَ بِهِ، لِأَنَّ الَّذِي يَصَلِّي لَهُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ» (۳۰۵).
 «اشکال ندارد زیرا کسی که این شخص برای او (خداوند) نماز می‌خواند، نزدیکتر از آن چراغ به او است.»

۱۵- اشکال ندارد

علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر پرسید:
 - درباره شخصی که نماز می‌خواند و در پیش روی او تاک انگور قرار دارد که میوه دارد؟ فرمود:

«اشکال ندارد.»

- درباره کسی که نماز می‌گزارد و در مقابل او درخت خرما با میوه‌اش قرار دارد؟ فرمود:

«اشکال ندارد.»

- درباره مردی که نماز می‌خواند و در برابر او مقداری گل وجود دارد؟ فرمود:

«اشکال ندارد.»

- درباره شخصی که نماز می‌خواند و در برابر او جالباسی قرار دارد که لباس روی آن آویزان است؟ فرمود:

«اشکال ندارد.»

- درباره فردی که در برابر او سیر یا پیاز قرار دارد آیا می‌تواند نماز بگزارد؟ فرمود:

«اشکال ندارد.»

- درباره اینکه آیا انسان می‌تواند بر روی علف روئیده در زمین نماز بخواند؟ فرمود:

«اگر پیشانی را بر زمین بچسپاند اشکال ندارد.»

- درباره نماز بر روی گیاهان و چمن در حالیکه به زمین خشک دسترسی دارد؟ فرمود:

«اشکال ندارد. (۳۰۶)»

تفصیل احکام

ساختن و آباد کردن مساجد، مستحب است زیرا مساجد، خانه عبادت و تقرب به خداوند هستند، و شایسته است از افراط در آرایش و تزیین مسجد که با روحانیت و معنویت آن، منافات داشته باشد، پرهیز شود. واحوط این است که مسجد با عکس و تصاویر جان‌داران تزیین نشود.

همچنین مستحب مؤکد است که مسجد با عبادت و نیایش، و بخصوص با برپا داشتن نمازهای یومیّه احیاء شود. در روایات تأکید به عمل آمده که برای همسایه مسجد، نمازی نیست مگر در مسجد.

در روایات شریف مجموعه‌ای از احکام، سنن و آداب درباره مسجد ذکر شده که به پاره‌ای از آنها در سطور ذیل اشاره می‌کنیم:

مستحبات

۱ - مستحب است کسی که وارد مسجد می‌شود پاکیزه و با طهارت باشد، و نماز تحیت مسجد را که دو رکعت است بجا آورد، و بجا آوردن یکی از نمازهای واجب یا مستحب هم (بجای نماز تحیت مسجد) کفایت می‌کند.

۲ - مستحب است در موقع مسجد رفتن، خود را خوشبو کند و لباس‌های پاکیزه بپوشد.

۳ - همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد وارد شود و از همه دیرتر خارج گردد، و در هنگام وارد شدن، پای راست و در موقع خارج شدن، پای چپ را جلو بگذارد.

۴ - روشن کردن مسجد، کوشش در نظافت و اهتمام به طهارت و پاکیزگی مسجد، مستحب است.

۵ - تردد و رفت و آمد زیاد به مسجد مستحب است. همچنین مستحب است نماز گزاردن در مسجدی که اهل آن محل در آن نماز نمی‌خوانند تا از تعطیل شدن آن جلوگیری گردد.

۶ - نوسازی مسجدی که روبه خرابی است مستحب است. بلکه جایز است خراب کردن و از نوساختن آن حتی اگر بنای اول آن محکم باشد، در صورتیکه توسعه آن مسجد مورد نیاز باشد.

۷- بهتر است سرویسهای بهداشتی و محلّ وضو در حیاط ورودی مسجد یا در جایی جدا از نماز خانه مسجد ساخته شوند.

مکروهات

- ۱- مکروه است اینکه کسی مسجد را، راه عبور خود قرار دهد مگر اینکه دو رکعت نماز بجا آورد و بعد به راه خود ادامه دهد.
- ۲- مکروه است آلوده کردن مسجد با آب دهن و اخلاط سینه و انداختن چیزهای کثیف.
- ۳- بلند کردن صدا به گونه‌ای که مزاحم نماز گزاران شود مکروه است مگر در اذان و مانند آن.
- ۴- اعلان گمشده در مسجد و خواندن شعر (به استثنای مواعظ) و مبادله سخنان دنیایی و عقد معاملات خرید و فروش در مسجد مکروه است.
- ۵- برای کسی که سیر خورده، یا پیاز و مانند آن از چیزهایی که بوی آن دیگران را آزار می‌دهد، وارد شدن به مسجد مکروه است و شایسته است کسی که پاهایش بوی عرق می‌دهد، قبل از وارد شدن به مسجد، پاهای خود را بشوید.
- ۶- آوردن کودکان به مسجد مکروه است مگر به منظور آموزش نماز و تربیت آنان بر اساس فضا و آداب دینی.

احکام

- ۱- مساجد، خانه‌های خدا هستند و لذا فروش، تصرفات شخصی، و ملحق کردن آنها به املاک شخصی جایز نیست، همچنین جایز نیست بیرون آوردن چیزی از مسجد اعم از اثاث، فرش و سایر وسائل و امکانات آن، یا مواد ساختمانی آن از قبیل: آهن، آجر، ریگ و ماسه، درب و پنجره و... مگر اینکه بر اساس مصلحت خود مسجد باشد.
- ۲- مواظبت بر طهارت مسجد واجب است و نجس کردن مسجد به هیچ وجه جایز نیست، و اگر هم نجس شد واجب است فوراً به تطهیر و زایل کردن نجاست، اقدام شود چه ساختمان مسجد باشد یا اثاث و لوازم آن.
- ۳- دفن اموات در مساجد، در صورتی که باعث آلوده شدن آن شود جایز نیست. و احوط این است که در هیچ حالتی، مرده در مسجد دفن نشود.

نمایه

- (۱) این قسمت از بحث، از جلد چهارم کتاب «التشریح الاسلامی» نوشته مؤلف، برگرفته شد. و بخاطر اهمیت موضوعی آن در این جا درج گردیده است.
- (۲) سوره انفال، آیات ۴ - ۳.
- (۳) بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۸، ح ۳۵.
- (۴) همان، ج ۸۲، ص ۳۷. الخصال، ج ۲، ص ۱۶۷.
- (۵) الخصال، ج ۲، ص ۲۲۷.
- (۶) بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۸، ح ۳۶.
- (۷) سوره یونس، آیه ۸۷.
- (۸) بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۵، ح ۳۰.
- (۹) سوره ابراهیم، آیه ۳۱.
- (۱۰) بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۴، ح ۴.

- (۱۱) همان، ص ۲۰۹، ح ۲۱.
- (۱۲) سوره بقره، آیات ۳ - ۱.
- (۱۳) سوره نمل، آیات ۳ - ۱.
- (۱۴) سوره بقره، آیه ۲۷۷.
- (۱۵) بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۷، ح ۱۲.
- (۱۶) سوره کوثر.
- (۱۷) سوره حج، آیه ۴۱.
- (۱۸) سوره مائده، آیه ۵۵.
- (۱۹) سوره توبه، آیه ۱۸.
- (۲۰) سوره توبه، آیه ۷۱.
- (۲۱) بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲، ح ۲.
- (۲۲) سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
- (۲۳) سوره هود، آیه ۱۱۴.
- (۲۴) سوره شوری، آیه ۳۸.
- (۲۵) سوره انبیاء، آیه ۷۳.
- (۲۶) سوره جمعه، آیه ۹.
- (۲۷) سوره نور، آیات ۳۷ - ۳۶.
- (۲۸) سوره مؤمنون، آیات ۱ و ۲.
- (۲۹) سوره انعام، آیه ۹۲.
- (۳۰) سوره فاطر، آیه ۱۸.
- (۳۱) سوره بقره، آیات ۱۱۰ - ۱۰۹.
- (۳۲) سوره بقره، آیات ۴۶ - ۴۵.
- (۳۳) همان، آیه ۱۷۷.
- (۳۴) سوره حج، آیات ۳۵ - ۳۴.
- (۳۵) سوره روم، آیه ۳۱.
- (۳۶) سوره فاطر، آیه ۲۹.
- (۳۷) سوره مزمل، آیه ۲۰.
- (۳۸) سوره مائده، آیه ۱۲.
- (۳۹) سوره معارج، آیات ۲۳ - ۱۹.
- (۴۰) سوره معارج، آیه ۳۴.
- (۴۱) سوره مؤمنون، آیه ۹.
- (۴۲) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب اعداد الفرائض ونوافلها، ص ۴، حدیث ۷.
- (۴۳) سوره نساء، آیه ۱۰۳.

- (۴۴) سوره نساء، آیه ۱۰۱.
- (۴۵) تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۷، نقل از کافی.
- (۴۶) سوره نساء، آیه ۱۰۲.
- (۴۷) سوره توبه، آیه ۵.
- (۴۸) سوره توبه، آیه ۱۱.
- (۴۹) سوره مجادله، آیه ۱۳.
- (۵۰) سوره ابراهیم، آیات ۴۰ - ۳۷.
- (۵۱) سوره مریم، آیه ۵۵.
- (۵۲) سوره طه، آیه ۱۳۲.
- (۵۳) سوره لقمان، آیه ۱۷.
- (۵۴) سوره حج، آیه ۷۸.
- (۵۵) سوره بقره، آیه ۸۳.
- (۵۶) سوره توبه، آیه ۵.
- (۵۷) سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
- (۵۸) سوره انعام، آیات ۷۲ - ۷۱.
- (۵۹) سوره نور، آیات ۵۵ و ۵۶.
- (۶۰) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱.
- (۶۱) سوره لقمان، آیات ۳ و ۴.
- (۶۲) سوره معارج، آیات ۲۳ - ۱۹.
- (۶۳) سوره اعراف، آیه ۱۷۰.
- (۶۴) سوره بینه، آیه ۵.
- (۶۵) سوره طه، آیه ۱۴.
- (۶۶) سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
- (۶۷) سوره طه، آیه ۱۴.
- (۶۸) سوره اعلی، آیات ۱۵ - ۱۴.
- (۶۹) سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.
- (۷۰) سوره مریم، آیه ۳۱.
- (۷۱) سوره مائده، آیه ۹۱.
- (۷۲) سوره هود، آیه ۱۱۴.
- (۷۳) سوره جمعه، آیه ۹.
- (۷۴) سوره مائده، آیه ۶.
- (۷۵) سوره احزاب، آیات ۴۳ - ۴۲.
- (۷۶) سوره اسراء، آیه ۱۱۰.

- (۷۷) همان، آیه ۷۸.
- (۷۸) سوره مزمل، آیات ۱ - ۲.
- (۷۹) سوره اسراء، آیه ۷۹.
- (۸۰) سوره مؤمنون، آیات ۱ - ۲.
- (۸۱) سوره بقره، آیه ۴۳.
- (۸۲) سوره جمعه، آیه ۹.
- (۸۳) سوره ماعون، آیات ۴ - ۷.
- (۸۴) سوره نساء، آیه ۱۴۲.
- (۸۵) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱.
- (۸۶) سوره انفال، آیه ۳۵.
- (۸۷) تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۸۶.
- (۸۸) تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۸۵.
- (۸۹) سوره مائده، آیه ۵۸.
- (۹۰) سوره مریم، آیه ۵۹.
- (۹۱) سوره قیامت، آیات ۳۱ - ۳۲.
- (۹۲) سوره علق، آیات ۹ - ۱۰.
- (۹۳) المحجّه البيضاء، ج ۱، ص ۳۰۱.
- (۹۴) نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۸.
- (۹۵) سوره مدثر، آیات ۴۶ - ۳۸.
- (۹۶) مستدرک وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب افعال الصلاة، حدیث ۱. صاحب وسائل الشیعه نیز در همان کتاب و باب با اختلاف اندک در الفاظ، این حدیث را نقل کرده است.
- (۹۷) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ص ۴، حدیث ۷.
- (۹۸) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ص ۳، حدیث ۲.
- (۹۹) همان، باب ۱۳، ص ۳۲، حدیث ۳.
- (۱۰۰) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ص ۴۱، حدیث ۲۵.
- (۱۰۱) سوره اسراء، آیه ۷۸.
- (۱۰۲) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ص ۵، حدیث ۱.
- (۱۰۳) همان، باب ۱۲، ص ۳۰، حدیث ۱.
- (۱۰۴) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۰، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، ص ۲۵، حدیث ۱.
- (۱۰۵) نماز آیات در موقع خورشید گرفتگی (کسوف) یا ماه گرفتگی (خسوف) یا زلزله و سایر حوادث طبیعی که باعث خوف و ترس اکثریت مردم می‌شود، واجب می‌گردد. جزئیات آن در آینده بیان می‌شود.
- (۱۰۶) در این مورد به کتابهای موقّق ادعیه و کتابهای مفصل احادیث مراجعه شود.
- (۱۰۷) سوره بقره، آیه ۲۳۸.

- ۱۰۸) تفسیر میزان، ج ۲، ص ۲۶۰.
- ۱۰۹) سوره نساء، آیه ۱۰۳.
- ۱۱۰) سوره اسراء، آیه ۷۸.
- ۱۱۱) تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۰۵. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۲۲.
- ۱۱۲) سوره هود، آیه ۱۱۴.
- ۱۱۳) تفسیر میزان، ج ۱۱، ص ۶۶.
- ۱۱۴) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب المواقیت، ص ۸۰، ح ۱۰.
- ۱۱۵) همان، ص ۷۹، حدیث ۳.
- ۱۱۶) همان، ص ۸۰، حدیث ۱۱.
- ۱۱۷) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب المواقیت، ص ۸۱، ح ۱۴.
- ۱۱۸) همان، ص ۸۳، ح ۲۲.
- ۱۱۹) همان، ص ۸۲، ح ۱۷.
- ۱۲۰) مستدرک الوسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب المواقیت، ح ۱.
- ۱۲۱) سوره مؤمنون، آیه ۹. سوره معارج، آیه ۳۴.
- ۱۲۲) مستدرک الوسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب المواقیت، ح ۶.
- ۱۲۳) وسائل الشیعه، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، باب ۳، ص ۸۹، ح ۱۲.
- ۱۲۴) سوره ماعون، آیه ۵.
- ۱۲۵) همان، ص ۹۱، ح ۲۰.
- ۱۲۶) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۴، ابواب المواقیت، ص ۹۲، ح ۷.
- ۱۲۷) همان، ص ۹۵، ح ۲۱.
- ۱۲۸) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۴، ابواب المواقیت، ص ۹۴، ح ۱۸.
- ۱۲۹) همان، ج ۳، ص ۹۲، ح ۶.
- ۱۳۰) یعنی نماز نافله است.
- ۱۳۱) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۵، ابواب المواقیت، ص ۹۷، ح ۵.
- ۱۳۲) همان، ص ۹۶، ح ۴.
- ۱۳۳) قدم یک مقیاس عرفی است و بین انگشت بزرگ پا و پاشنه پا را قدم می‌گویند، و به حسب مقیاسهای تقریبی عرفی، هر قدم، یک هفتم قامت انسان متوسط را تشکیل می‌دهد و همچنین هر دو قدم مساوی یک ذراع است. درباره زوال، و شاخص و سایه آن، در آینده شرح بیشتری خواهد آمد.
- ۱۳۴) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۱، ابواب المواقیت، ص ۱۱۹، ح ۱.
- ۱۳۵) مستدرک الوسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۰، ابواب المواقیت، ح ۱.
- ۱۳۶) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۱، ابواب المواقیت، ص ۱۱۹، ح ۲.
- ۱۳۷) ساعت آفتابی این است که در یک سطح کاملاً هموار، شاخص معتدل و راست با زوایای قائمه، نصب شود. با بر آمدن آفتاب، این شاخص یک سایه طولانی به سمت مغرب دارد و هر چند آفتاب از مشرق به سمت وسط آسمان بالا می‌آید، سایه

شاخص رو به کاهش می‌رود تا اینکه در برخی از مناطق استوائی، این سایه بطور کامل از بین می‌رود، و در دیگر مناطق به کمترین حد خود می‌رسد. با از بین رفتن کامل سایه یا رسیدن آن به کمترین حد خود، خورشید به وسط آسمان رسیده است. و از لحظه بعدی که سایه برای بار دوم ظهور می‌کند (در حالت اول یعنی آنجا که کاملاً سایه از بین رفته است) یا مجدداً رو به سمت مشرق، زیادتر می‌شود (در حالت دوم یعنی آنجا که به کمترین درجه خود رسیده است) زوال خورشید تحقق یافته، یعنی خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب مایل شده و ظهر شرعی تحقق یافته است.

(۱۳۸) منظور از شاخص در کتابهای فقهی غالباً چیزی است که به اندازه طول قامت انسان متوسطو یا به حسب مقیاسهای عرفی قدیم، مساوی هفت قدم یا سه ذراع و نیم باشد.

(۱۳۹) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۶، ابواب المواقیت، ص ۱۳۰، ح ۱۶.

(۱۴۰) همان، ح ۱۹.

(۱۴۱) همان، ص ۱۲۸، ح ۹.

(۱۴۲) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۶، ابواب المواقیت، ص ۱۳۳، ح ۲۹.

(۱۴۳) همان، ج ۳، ب ۱۷، ص ۱۳۴، ح ۴.

(۱۴۴) همان، ص ۱۳۵، ح ۶.

(۱۴۵) مستدرک الوسائل، کتاب الصلاة، باب ۱۳، ابواب المواقیت، ح ۳.

(۱۴۶) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۶، ابواب المواقیت، ص ۱۲۶، ح ۱.

(۱۴۷) همان، باب ۵۵، ص ۱۹۸، ح ۱.

(۱۴۸) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۶، ابواب المواقیت، ص ۱۵۲، ح ۶.

(۱۴۹) همان، ص ۱۵۱، ح ۱.

(۱۵۰) مستدرک الوسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۰، ابواب المواقیت، ح ۲.

(۱۵۱) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۷، ابواب المواقیت، ص ۱۵۳، ح ۴.

(۱۵۲) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۸، ابواب المواقیت، ص ۱۵۴، ح ۱.

(۱۵۳) وسائل الشیعه، ج ۶، کتاب الزکاة، باب ۵۱، ابواب المستحقین للزکاة، ص ۲۱۲، ح ۲.

(۱۵۴) همان، ج ۳، باب ۱۳، ابواب موقیت الصلاة، ص ۱۲۳، ح ۸.

(۱۵۵) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۵، ابواب موقیت الصلاة، ص ۱۵۰، ح ۱.

(۱۵۶) همان، باب ۳۰، ص ۱۵۸، ح ۴.

(۱۵۷) همان، ح ۲.

(۱۵۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۵، ابواب موقیت الصلاة، ص ۱۶۴، ح ۱.

(۱۵۹) همان، باب ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۳.

(۱۶۰) همان، ج ۴، ابواب الأذان والاقامة، باب ۳، ص ۶۱۹، ح ۷.

(۱۶۱) همان، ص ۶۱۸، ح ۲.

(۱۶۲) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۸، ابواب المواقیت، ص ۱۰۳، ح ۳.

(۱۶۳) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۵۲، ابواب المواقیت، ص ۱۹۵، ح ۳.

(۱۶۴) همان، باب ۴۴، ص ۱۸۳، ح ۹.

- ۱۶۵) همان، باب ۵۴، ص ۱۹۷، ح ۴.
- ۱۶۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۲، ابواب المواقیت، ص ۱۲۱، ح ۲.
- ۱۶۷) همان، باب ۹، ص ۱۱۱، ح ۲.
- ۱۶۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۵۷، ابواب المواقیت، ص ۱۹۹، ح ۱.
- ۱۶۹) همان، باب ۳۸، ص ۱۷۱، ح ۶.
- ۱۷۰) همان، باب ۳۲، ص ۱۶۰، ح ۱.
- ۱۷۱) نمازهای مستحب بر سه قسم می‌باشد:
- ۱ - نوافل یومیّه که دارای وقت خاصی هستند.
- ۲ - نمازهای مستحبّ که در روایات به جهت علل معینی مانند زیارت و غیره وارد شده‌اند.
- ۳ - نمازهایی که نصّ معینی در مورد آنها وارد نشده ولی از باب اینکه نماز وسیله تقرّب هر پرهیزکاری است به خداوند، بجا آورده می‌شود. این قسم سوّم نمازهای مستحبّی، ابتدائی (مبتدأه) نامیده می‌شود.
- ۱۷۲) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۰، ابواب المواقیت، ص ۱۱۷، ح ۱۱.
- ۱۷۳) سوره بقره، آیه ۱۴۴.
- ۱۷۴) همان، آیه ۱۴۹.
- ۱۷۵) سوره بقره، آیه ۱۵۰.
- ۱۷۶) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲، ابواب القبله، ص ۲۱۸، ح ۱۱.
- ۱۷۷) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۹، ابواب القبله، ص ۲۲۷، ح ۲.
- ۱۷۸) همان، ج ۳، باب ۳، ابواب القبله، ص ۲۲۰، ح ۱.
- ۱۷۹) همان، باب ۱۸، ص ۲۴۷، ح ۱.
- ۱۸۰) همان، باب ۵، ص ۲۲۳، ح ۳.
- ۱۸۱) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۶، ابواب القبله، ص ۲۲۴، ح ۳.
- ۱۸۲) همان، باب ۶، ص ۲۲۴، ح ۳.
- ۱۸۳) همان، ج ۳، باب ۱۳، ابواب القبله، ص ۲۳۵، ح ۱۳.
- ۱۸۴) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱۵، ابواب القبله، ص ۲۴۰، ح ۶.
- ۱۸۵) همان، باب ۱۵، ص ۲۴۲، ح ۱۹.
- ۱۸۶) در این مورد جزئیاتی است که فقهارحهم الله ذکر کرده‌اند و کارشناسان و دانشمندان از نظر علمی، بر تفصیلات آن آگاهند و چون در این زمان، نیاز کمتری به این راه وجود دارد از ذکر آن صرف نظر کردیم.
- ۱۸۷) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۱، ابواب القبله، ص ۲۱۴، ح ۱.
- ۱۸۸) همان، باب ۲، ص ۹۷، ح ۹.
- ۱۸۹) وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۱، ابواب القیام، ص ۶۹۱، ح ۱۰.
- ۱۹۰) همان، ص ۶۹۳، ح ۱۸.
- ۱۹۱) همان، ج ۳، باب ۹، ابواب القبله، ص ۲۲۷، ح ۳.
- ۱۹۲) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۰، ابواب القبله، ص ۲۲۹، ح ۴.

- ۱۹۳) همان، ح ۵.
- ۱۹۴) همان، باب ۱۱، ص ۲۲۹، ح ۱.
- ۱۹۵) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۳۵، ابواب الاحتضار، ص ۶۶۲، ح ۳.
- ۱۹۶) همان، ج ۱۶، باب ۱۴، ابواب الذبائح، ص ۲۶۵، ح ۱.
- ۱۹۷) همان، ج ۳، باب ۶۸، ابواب احکام الملابس، ص ۴۱۶، ح ۴.
- ۱۹۸) همان، باب ۱۲، ابواب القبله، ص ۲۳۲، ح ۳.
- ۱۹۹) به عبارت دیگر انحراف از قبله در هر دو طرف آن، بین طرف چپ و راست، کمتر از ۹۰ درجه باشد.
- ۲۰۰) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۲، ابواب لباس المصلی، ص ۲۸۲؛ و باب ۲۱، ص ۲۹۱، ح ۱.
- ۲۰۱) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۱، ابواب لباس المصلی، ص ۲۸۲، ح ۵.
- ۲۰۲) همان، ج ۳، باب ۲۱، ص ۲۸۱، ح ۲.
- ۲۰۳) همان، باب ۲۸، ص ۲۹۶، ح ۱۲.
- ۲۰۴) منظور روایت این است که دختر وقتی که به سن بلوغ رسید باید با حجاب نماز بخواند.
- ۲۰۵) همان، ص ۲۹۳، باب ۲۷، ح ۱.
- ۲۰۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۵۲، ابواب لباس المصلی، ص ۳۲۸، ح ۱.
- ۲۰۷) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۳۸، ابواب النجاسات، ص ۱۰۵۵، ح ۴.
- ۲۰۸) همان، باب ۳۱، ص ۱۰۴۶، ح ۴.
- ۲۰۹) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۴۲، ابواب النجاسات، ص ۱۰۶۳، ح ۲.
- ۲۱۰) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۴۱، ابواب النجاسات، ص ۱۰۶۱، ح ۱.
- ۲۱۱) همان، باب ۴۱، هامش ص ۱۰۶۱.
- ۲۱۲) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۴۴، ابواب النجاسات، ص ۱۰۶۵، حدیث ۱.
- ۲۱۳) همان، باب ۱۹، ص ۱۰۲۵، ح ۳.
- ۲۱۴) همان، باب ۴۰، ص ۱۰۶۰، ح ۷.
- ۲۱۵) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۴۰، ابواب النجاسات، ح ۴.
- ۲۱۶) همان، باب ۴۰، ص ۱۰۵۹، ح ۲.
- ۲۱۷) همان، باب ۳۰، ص ۱۰۲۷، ح ۶.
- ۲۱۸) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۶۴، ابواب النجاسات، ص ۱۰۸۲، ح ۱.
- ۲۱۹) وسائل الشیعه، ج ۲، کتاب الطهاره، باب ۳۲، ابواب النجاسات، ص ۱۰۲۹، ح ۵.
- ۲۲۰) همان، ص ۱۰۳۰، ح ۷.
- ۲۲۱) همان، باب ۲۰، ص ۱۰۲۶، ح ۲.
- ۲۲۲) همان، باب ۲۱، ص ۱۰۲۸، ح ۱.
- ۲۲۳) وسائل الشیعه، ج ۲، کتاب الطهاره، باب ۴۵، ابواب النجاسات، همان، ص ۱۰۶۷، ح ۷.
- ۲۲۴) همان، باب ۴، ص ۱۰۰۴، ح ۱.
- ۲۲۵) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۳، ح ۱.

- ۲۲۶) همان، ج ۲.
- ۲۲۷) وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۱، کتاب الغصب، ص ۳۰۹، ح ۴.
- ۲۲۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، ابواب لباس المصلی، ص ۲۴۹، ح ۱.
- ۲۲۹) همان، ج ۲.
- ۲۳۰) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۵۰، ابواب النجاسات، ص ۱۰۷۲، ح ۵.
- ۲۳۱) همان، ج ۳، باب ۶۱، ابواب لباس المصلی، ص ۳۳۸، ح ۳.
- ۲۳۲) همان، ج ۲، باب ۶۱، ابواب النجاسات، ص ۱۰۸۱، ح ۴.
- ۲۳۳) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۶۸، ابواب النجاسات، ص ۱۰۸۹، ح ۱.
- ۲۳۴) همان، ج ۴.
- ۲۳۵) منظور از حیوان مردار، حیوانی است که خود مرده یا به روش غیر شرعی ذبح شده است و در مقابل آن حیوان مذکی است که مطابق دستور شرع ذبح شده است.
- ۲۳۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲، ابواب لباس المصلی، ص ۲۵۱، ح ۶.
- ۲۳۷) همان، ج ۴.
- ۲۳۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳، ابواب لباس المصلی، ص ۲۵۲، ح ۲.
- ۲۳۹) همان، باب ۵، ص ۲۵۶، ح ۳.
- ۲۴۰) همان، باب ۷، ص ۲۵۸، ح ۳.
- ۲۴۱) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۰، ابواب لباس المصلی، ص ۲۶۳، ح ۱.
- ۲۴۲) خَزْ به سکون زاء، ظاهراً همان (قندس) است که حیوانی است دریایی پستاندار، از راسته چونندگان، دارای دُم دراز و پر مو و قوی با رنگ سرخ تیره، قهوه‌ای یا خاکستری و دارای پوست گرانها است. گاهی به خود پوست یا پوستین، خز گفته می‌شود.
(جواهر الکلام، باب لباس المصلی. المنجد فی اللغه)
- ۲۴۳) سنجاب حیوانی است بزرگتر از موش بزرگ، به اندازه گربه کوچک، از راسته پستانداران چوننده با دُم دراز و پر پشم که به چالاکی به روی درختان می‌پرد و از پوست او، پوستین می‌سازند، رنگ آن نیلی تیره و خاکستری است.
- ۲۴۴) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۰، ابواب لباس المصلی، ص ۳۰۰، ح ۴.
- ۲۴۵) همان، ج ۵.
- ۲۴۶) همان، ص ۳۰۱، ح ۹.
- ۲۴۷) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۶، ابواب لباس المصلی، ص ۲۷۶، ح ۵.
- ۲۴۸) همان، باب ۱۱، ص ۲۶۶، ح ۱.
- ۲۴۹) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۶، ابواب لباس المصلی، ص ۲۶۷، ح ۲.
- ۲۵۰) همان، باب ۱۲، ص ۲۶۹، ح ۱.
- ۲۵۱) همان، باب ۱۳، ص ۲۷۱، ح ۴.
- ۲۵۲) همان، باب ۱۲، ص ۲۷۰، ح ۶.
- ۲۵۳) وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۴۶، ابواب النجاسات، ص ۱۰۶۸، ح ۲.
- ۲۵۴) همان، ج ۳.

- ۲۵۵) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۵۰، ابواب لباس المصلی، ص ۳۲۶، ح ۱.
- ۲۵۶) همان، ج ۳، ابواب لباس المصلی، باب ۵۰، ص ۳۲۶، ح ۱.
- ۲۵۷) همان، ج ۳، باب ۵۲، ص ۳۲۸، ح ۱.
- ۲۵۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۲، ابواب لباس المصلی، ص ۲۷۰، ح ۶.
- ۲۵۹) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۵۴، ابواب لباس المصلی، ص ۳۳۱، ح ۶.
- ۲۶۰) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۴۳، ابواب لباس المصلی، ص ۳۱۵، ح ۱.
- ۲۶۱) همان، ح ۲.
- ۲۶۲) همان، باب ۳۲، ص ۳۰۳، ح ۴.
- ۲۶۳) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۰، ابواب لباس المصلی، ص ۲۸۱، ح ۲.
- ۲۶۴) همان، باب ۳۵، ص ۳۰۷، ح ۶.
- ۲۶۵) همان، باب ۴۵، ص ۳۱۷، ح ۲.
- ۲۶۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۰، ابواب لباس المصلی، ص ۳۱۹، ح ۱۱.
- ۲۶۷) همان، باب ۴۶، ص ۳۲۲، ح ۳.
- ۲۶۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۴۶، ابواب لباس المصلی، ص ۳۲۲، ح ۳.
- ۲۶۹) همان، باب ۲۳، ص ۲۸۶، ح ۵.
- ۲۷۰) همان، باب ۴۹، ص ۳۲۵، ح ۲.
- ۲۷۱) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۳، ح ۵.
- ۲۷۲) همان، باب ۲، ح ۲.
- ۲۷۳) وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب الغصب، باب ۱، ص ۳۰۹، ح ۴.
- ۲۷۴) همان، ج ۳، باب ۳، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۵، ح ۳.
- ۲۷۵) همان، باب ۲۶، ص ۴۵۴، ح ۱.
- ۲۷۶) وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲، ابواب القیام، ص ۶۹۴، ح ۱.
- ۲۷۷) موسوعه الفقه / السید الشیرازی، کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۲۶۸.
- ۲۷۸) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۵، ابواب مکان المصلی، ص ۴۶۷، ح ۱.
- ۲۷۹) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۵، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۷، ح ۴.
- ۲۸۰) همان، ص ۴۲۸، ح ۶.
- ۲۸۱) همان، ص ۴۲۹، ح ۱۰.
- ۲۸۲) همان، باب ۶۰، ص ۴۳۰، ح ۲.
- ۲۸۳) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۷، ابواب القبله، ص ۲۴۶، ح ۶.
- ۲۸۴) همان، باب ۱۷، ص ۲۴۷، ح ۸.
- ۲۸۵) همان، باب ۱، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۳، ح ۵.
- ۲۸۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳، ابواب مکان المصلی، ص ۴۲۴، ح ۱.
- ۲۸۷) همان، ج ۱۷، کتاب الغصب، باب ۱، ص ۳۰۹، ح ۵.

- ۲۸۸) همان، باب ۳، ص ۳۱۱، ح ۲.
- ۲۸۹) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳، احکام المساجد، ص ۴۸۰، ح ۱.
- ۲۹۰) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲، احکام المساجد، ص ۴۷۹، ح ۵.
- ۲۹۱) همان، باب ۴۲، ابواب مکان المصلی، ص ۴۷۲، ح ۲.
- ۲۹۲) همان، ص ۴۷۴، ح ۷.
- ۲۹۳) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۳، ابواب مکان المصلی، ص ۴۳۹، ح ۶.
- ۲۹۴) همان، باب ۱۲، ص ۴۳۷، ح ۲.
- ۲۹۵) برخی گفته‌اند منظور از رخیل چوب یا عصائی است که پیامبر همیشه آن را با خود داشته‌و در جلوش می گذاشته است اما برخی دیگر گفته‌اند منظور همان پالان شتر است و مراد از طول آن، ارتفاع آن از زمین است که یک ذراع بوده است. (مترجم)
- ۲۹۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۵، ابواب مکان المصلی، ص ۴۴۱، ح ۶.
- ۲۹۷) همان، باب ۱۶، ص ۴۴۲، ح ۱.
- ۲۹۸) همان، باب ۲۱، ص ۴۴۹، ح ۱.
- ۲۹۹) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۲۵، ابواب مکان المصلی، ص ۴۵۳، ح ۲.
- ۳۰۰) همان، باب ۳۲، ص ۴۶۱، ح ۱.
- ۳۰۱) همان، باب ۳۳، ص ۴۶۵، ح ۴.
- ۳۰۲) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۴، ابواب مکان المصلی، ص ۴۶۶، ح ۱.
- ۳۰۳) همان، باب ۱۹، ص ۴۴۵، ح ۳.
- ۳۰۴) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۰، ابواب مکان المصلی، ص ۴۵۹، ح ۲.
- ۳۰۵) همان، ح ۳.
- ۳۰۶) وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۳۷، ابواب مکان المصلی، ص ۴۶۷، ح ۱.
- ۳۰۷) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۸، ابواب احکام المساجد، ص ۴۸۶، ح ۴.
- ۳۰۸) همان، باب ۲، ص ۴۷۸، ح ۱.
- ۳۰۹) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲، ابواب احکام المساجد، ح ۳.
- ۳۱۰) همان، باب ۲، ص ۴۲۰، ح ۱۰.
- ۳۱۱) همان، باب ۵، ص ۴۸۳، ح ۱.
- ۳۱۲) همان، باب ۴، ص ۴۸۳، ح ۳.
- ۳۱۳) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۴، ابواب احکام المساجد، ص ۴۸۳، ح ۳.
- ۳۱۴) همان، ح ۱۰.
- ۳۱۵) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۳۹، ابواب احکام المساجد، ص ۵۱۶، ح ۲.
- ۳۱۶) همان، باب ۴۰، ص ۵۱۷، ح ۲.
- ۳۱۷) همان، باب ۴۲، ص ۵۱۸، ح ۱.
- ۳۱۸) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۶۸، ابواب احکام المساجد، ص ۵۵۴، ح ۲.
- ۳۱۹) همان، باب ۳۴، ص ۵۱۳، ح ۱.

- ۳۲۰) همان، باب ۳۲، ص ۵۱۱، ح ۱.
 ۳۲۱) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۸، ابواب احکام المساجد، ص ۵۰۸، ح ۳.
 ۳۲۲) همان، باب ۱۴، ص ۴۹۳، ح ۴.
 ۳۲۳) همان، باب ۲۷، ص ۵۰۷، ح ۳.
 ۳۲۴) وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۲۶، ابواب احکام المساجد، ص ۵۰۶، ح ۳.
 ۳۲۵) همان، باب ۲۲، ص ۵۰۱، ح ۱.
 ۳۲۶) همان، باب ۱۹، ص ۴۹۹، ح ۴.
 ۳۲۷) همان، باب ۶۷، ص ۵۵۳، ح ۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳
 به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

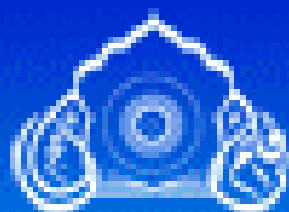
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

